

بسم الله الرحمن الرحيم

فضایل و آداب زیارت مسجد

مقدمه

تقدیم به آنان که خداوند آنها را دوست دارد و لیاقت عمران مسجد و خانه خودش را به آنان داده؛ همانان که جز از خدا از هیچ کس دیگری هراسی به دل راه نمی دهند؛ چرا که آن قدر عمران مسجد مهم است که بدون مانع و وسوسه از درون و برون، و ترس و وحشت عبور از آن به جز با عنایت خداوند امکان پذیر نیست.



از جمله وساوس که باید با آن مقابله کرد وسوسه و ریاست که همه جا مذموم نیست و دستور داریم علناً به مسجد بروید و شخص پیامبر مسجد که می ساخت آن را به نام افراد و اقوام نامگذاری می کرد و حتی بعضی وسوسه می کردند و می گفتند پس اخلاص چه می شود؟ آنچه مهم است این است که منافق که اهل ریاست مسجد نمی سازد بلکه مسجد را تخریب می کند. همچنین باید بدانیم که مسجد هیچ گاه ضرار نیست و ساخت و تعمیرش ضربه ای به اسلام نمی زند و در حقیقت آنچه مسجد نیست، ضرار است. ساخت مساجد فراوان نیز هیچ گاه اسراف به شمار نمی آید؛ چرا که مسجد مربوط به همه است و از زمانی که مسجدسازی کم رونق گردید، اسراف در ساخت و

ساز ساختمان‌های شخصی و عمومی بلا استفاده و کم استفاده و بلکه ساخت مراکز دینی رشد فزاینده‌ای گرفت.



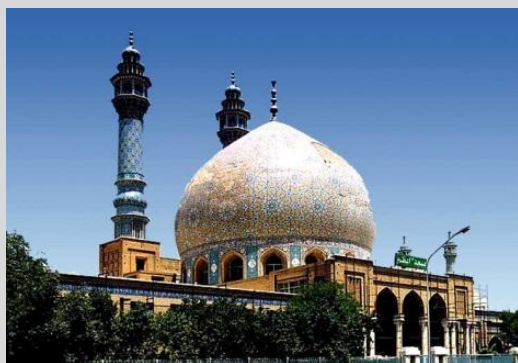
آنان که از موانع و وساوس در مسیر ساخت و عمران مساجد عبور کرده‌اند، بدین حقیقت واقف‌اند که احساس ترس و واهمه و نگرانی در این مسیر، چیزی جز گرفتاری در دام اوهام و تخیلات نیست. لذا این امر مهم به همتی بلند و عزمی راسخ نیاز دارد و در طول تاریخ انبیا و اولیا و افرادی خاص توانسته‌اند به این فضیلت نایل آیند.

ما همواره مأمور به تعمیر، تطهیر، و تعظیم مسجدیم لذا یا در حال تعمیر مسجدیم و یا در حال تخریب آنیم^۱ و راه

^۱. چرا که مسجد وقتی تعمیر نشود در حال تخریب است.

دیگری وجود ندارد. بنابراین باید در راه تعمیر و آبادانی مساجد به قدر توان خود اقدام کنیم و بدانیم آنان که با وجود توانایی قدمی در راه عمران مسجد و حضور در آن بر نمی-دارند، در تخریب مسجد سهیم‌اند و قرآن آنان را مستحق خواری در دنیا و عذاب در آخرت می‌داند.^۲

با عمران مساجد، بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی ما حل می‌شود و بدون مسجد و اهل آن همچنان در باتلاق مشکلات خواهیم ماند.



۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

در طول تاریخ، انبیا و اولیا و علمای نترس، علاوه بر ساخت مسجد، با حضور خود در مساجد خدمت‌گزار مسجد بودند و با عهده‌دار شدن امامت بر امور مسجد نظارت و با رفتار خویش مسجد را تطهیر می‌کردند و نمی‌گذاشتند عبادت و عابد از نظارت عالم خارج شود.

عمران مسجد، سازنده فرد و جامعه و علت عمران شهر و روستا است.



تخریب مسجد فقط خراب شدن مسجد نیست، بلکه این خرابی در امنیت فرد و جامعه، خانواده، حرث و نسل، اقتصاد،

فرهنگ، گسستن نظام و جدایی حکومت از مردم و ناسپاسی مردم از همدیگر و تبدیل نعمت به نکتب نمود می‌یابد.

همه می‌دانیم در آداب زیارت انبیا و ائمه ده‌ها کتاب نوشته شده، ولی تاکنون در آداب زیارت خدا و مسجد کتابی تدوین نشده، در حالی که عنوان زیارت نخست برای مسجد به کار رفته است و در منابع دینی به آداب مسجد و زیارت خدا توجه شایانی شده است.



شایان ذکر است که این مجموعه به دنبال بیان وضع مطلوب و واقعیات، نه وضع موجود؛ چراکه مسجد همیشه نیاز به تطهیر دینی و فرهنگی دارد و اگر لحظه‌ای از آن غافل شویم،

تطهیر مسجد مخدوش و کارکرد آن دچار نوسان می‌گردد و به همین دلیل خداوند ساخت مسجد را فقط به حضرت ابراهیم سپرد،^۳ ولی در تطهیر مسجد حضرت اسماعیل را نیز شریک حضرت ابراهیم کرد و از آن دو تعهد گرفت که باید خانه ام را تطهیر کنید.^۴



پس شایسته است همه ما در هر شرایطی که هستیم، تمام همت خود را برای رسیدن به تطهیر واقعی مسجد به هر نحو ممکن به کار بندیم و در سایه عمران و تطهیر مسجد به زندگی دنیایی و آخرتی خود معنا بخشیم، و گرنه به تعبیر قرآن

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۷. (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ)

۴. سوره بقره، آیه ۱۲۵: (وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)

در زندگی دنیاچار تنگنا می‌شویم و در آخرت خوار خواهیم
گشت.^۵

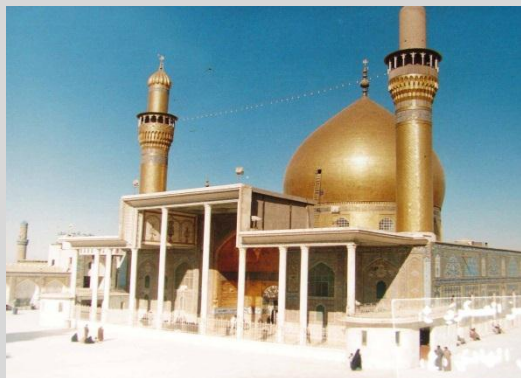
زیارت

گاهی تکراری شدن و آسان بودن حضور در مسجد و
فراوانی مساجد و بزرگواری صاحب مسجد، از مراتب ادب و
احترام ما می‌کاهد؛ در حالی که بزرگان دین با آن که سعی می-
کردند بیشترین و بهترین اوقات خود را در مسجد بگذرانند، در
مراعات آداب حضور اهتمام خاصی داشته‌اند و کسانی طعم
حضور را چشیده‌اند که بهترین آداب را مراعات می‌کنند و هر
گاه انسان احساس بی توجهی کرد بهتر است زیاد به مسجد
برود ولی زیاد در مسجد نماند تا ابهت مسجد کم نشود.

۵ . سوره بقره، آیه ۱۱۴ (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا

كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.)

با آنکه خانه ائمه هدی :هم در حکم خانه خدا و مسجد است
و به یک معنا آن ذات‌های مقدس، خود، مسجد متحرکند ولی
آنان اهتمام زیادی به مسجد و زیارت آن داشته‌اند



و با آنکه مرقد منور آنان حکم مسجد را دارد، گاه مساجدی
را در بالای سر مرقد آنان می‌ساختند تا با حضور در مسجد
بالاسر، فضیلت زیارت خدا و ولیّ خدا مضاعف گردد.^۶



۶ مثل مسجد اعظم قم و مسجد گوهرشاد مشهد.

ائمه مظلوم ما در حالی به مسجد اهتمام نشان می دادند و ما را سفارش به ساخت، تعمیر و حضور می کردند که آنان و پیروانشان حتی امامت یک مسجد را هم نداشتند و فرهنگ ائمه : در مساجد حاکم نبود و امامت مسجد و زعامت آن با دیگران بود و چه بسا توهین و سب هم می کردند و حضور ائمه را هم مؤید خود اعلام می کردند ولی ائمه همچنان به حضور مستمر در مسجد اهمیت می دادند.. اما اینک مسجد در اختیار مردم ولایت مدار است، وظیفه ای سنگین بر عهده دارند و داریم.

عمران مسجد و حضور در آن بهترین مصداق التزام عملی به اسلام و سیره پیامبر ۶ و اهل بیت :^۷ و حقیقی ترین دفاع از تشیع و اهل بیت : است و چون امامت مسجد در اختیار اهل ولا و در انحصار روحانیون است، تکلیف آنان نیز چندین برابر شده است. نباید کسانی که آداب و احکام مسجد را از

۷. اگر نگوییم بارزترین آن و غیر از مسجد چیزی به عنوان التزام عملی سراغ نداریم.

اهل بیت :گرفته‌اند از ما پیشی بگیرند و حضور در مسجد
علامت شیعه بودن نباشد؛^۸ چرا که منابع شیعی چندین برابر
اهل سنت در احکام و آداب و کاربری مسجد - کماً و کیفاً -
محتوی دارند.

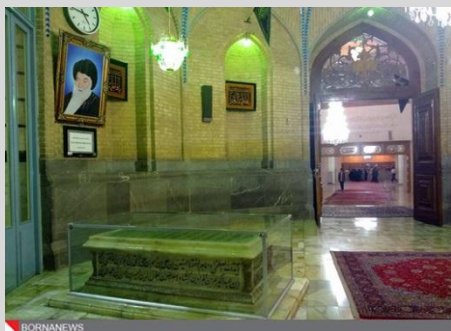
انقلاب اسلامی ایران از مسجد شروع شد و هر اندازه که با
مسجد مرتبط باشد، پوینده‌تر و بالنده‌تر خواهد بود.^۹ هر جا از
مسجد فاصله می‌گیرد، دچار انحراف و سستی شده و خواهد
شد.

۸. کافی، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۷: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ وَ عُمَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّخَّاسِ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ وَ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَا: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَ إِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِبَتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ.

۹. علت مُحدثه، علت مُبقيه هم هست.



شاید علت اینکه عالمان شیعی به مسائل مسجد کمتر پرداخته‌اند ولی عملاً مسجد ساخته و در آن حضور داشته‌اند بدان جهت بوده که مبادا دیگران این گنج گرانبها را شناسایی کرده و از آن استفاده‌های ناشایست ببرند^{۱۰} چنانچه بعضی از کشورها مدعی آن هستند.^{۱۱}



۱۰. چنانچه امروزه کشورهای اسلامی هر کدام به مسجد اهتمام داشته‌اند قدرت بهتر و بیشتری دارند.

۱۱. مثل حاکمان حجاز که خود را خادم الحرمین می دانند.

آنچه تقدیم می‌شود مغایر با سیره و سنت پیامبر و اهل بیت آن حضرت نیست و چون بنابر اختصار بوده از ذکر کامل استدلالات و مستندات خودداری شده است و اگر از عامه چیزی نقل شده است بدان جهت بوده که آنچه آنان می‌گویند سیره مستمر ائمه اطهار بوده است.^{۱۲}

امیدواریم با الطاف مسجد و صاحب آن‌ان‌شاء‌الله بتوانیم در آینده‌ای نه چندان دور، آداب زیارت مسجد را به تفصیل به مشتاقان مسجد و اهالی آن که همان اهل الله هستند، تقدیم کنیم تا بهتر و بیشتر در خدمت مسجد بوده و از حضور در مسجد لذت ببرند.

از همه همکاران تشکر و قدردانی می‌کنیم و چون پیشینه تحقیقاتی قابل توجهی در دسترسمان نبوده است و کار غیر

۱۲. نظام سیاسی اسلام، حاکم و حکومت را فرع بر امامت مسجد می‌داند و در سیره و سنت رسول خدا و اهل بیت، اصل را امامت می‌دانند و مسئولین که یا جماعت نمی‌خوانند و یا در جماعت غیر مسجد شرکت می‌کنند قهراً نمی‌توانند مردم را دعوت به مسجد کنند و یا برای التزام عملی به اسلام مصداقی پیدا کنند تا هر روز و عملاً التزام آنان را به اسلام ثابت کند.

معصوم نیز هر چه باشد خالی از نقص نیست، از کلیه شیفتگان
مسجد و عموم صاحب‌نظران خواهانیم که با پیشنهادهای و
انتقادهای سازنده خود ما را در این مسیر مقدّس یاری کنند.

حوزه علمیه قم، مؤسسه مسجد

تقی قرائتی

فصل اول: زائران کوی دوست

قال علی علیه السلام : حقّ علی الله ان یکرّم زائرہ و ان
یعطیہ ما سأل.

وسائل الشیعة ، ج ۴ ، ص ۱۱۷

بر خداوند است که زائرش را گرمی داشته و درخواست-
هایش را اجابت کند.

ذکر و زیارت

ذکر به معنی یاد، یادآوری و هوشیاری در مقابل نسیان و فراموشی و غفلت است و زیارت به معنی منصرف شدن از همه چیز و همه کس و میل به طرف زیارتگاه و مزور و مزار است، چنان که حج در لغت به معنی قصد و در اصطلاح قصد خانه خدا کردن است.

عنوان زیارت اولین بار در زیارت مسجد به کار رفته است چون زیارت مسجد، هدف اصلی از حضور در مسجد و بارزترین مصداق عمران مسجد است. حضور در مسجد علاوه بر زیارت مسجد، زیارت خدا، پیامبر و مؤمنان نیز هست.

این عنوان رفته رفته در زیارت اماکن دیگر و زیارت اشخاص به کار رفته است ولی در فرهنگ و متون دینی عنوان زیارت و حج همواره برای مسجد است و زیارت ارزش و فضیلت و آثار و برکات بسیار دارد.

یک لحظه زیارت چه بسا نتیجه روزها، ماهها و بلکه سالها
کوشش از جمع‌آوری هزینه سفر تا زمان رفت و برگشت و
مشقاتی که داشته است و به همان اندازه نیز فضیلت و ارزش و
اثر دارد. گاهی یک مرتبه زیارت در عمر انسان واجب است و
به همان اندازه کفایت از یک عمر می‌کند و به اندازه عمر
انسانی ارزش دارد؛ تا آنجا که یک لحظه در مسجد و نماز در
آن بهتر از چهل سال عبادت شبانه‌روزی در غیر مسجد
است.^{۱۳} البته هر کسی لیاقت چنین امری را ندارد. گاهی
رسیدن به این هدف چنان سخت و پرهزینه است که یک مرتبه
در تمام عمر انسان کافی است؛ چرا که نتیجه یک عمر زحمت
و گاهی با یک عمر خطر و هزینه همراه است.

^{۱۳} . وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۸، ح ۱۰۶۸۴: وَ فِي الْمَجَالِسِ: قَالَ جَاءَ نَفْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَسَأَلُوهُ
أَعْلَمُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَهُ إِلَى أَنْ قَالَ: أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَ الرَّكْعَةُ فِي الْجَمَاعَةِ أَرْبَعٌ
وَ عِشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

باید توجه داشت که همه موجودات اهل ذکر و تسبیح هستند^{۱۴}، ولی زیارت مخصوص انسان‌هاست و تاکنون به موجودات دیگر زائر نگفته‌اند و زیارت برای هر انسانی میسر نمی‌شود. بعضی انسان‌ها لیاقت و ارزش زائر بودن را دارند.



فقط زائر کعبه و مسجدالحرام، زائر خدا نیست، بلکه کسانی که به مساجد کوچک و بزرگ در روستاها و شهرهای دور و نزدیک شرفیاب می‌شوند نیز زائران خدا به شمار می‌آیند^{۱۵}. و مساجد در حقیقت زیارتگاه‌های خدا روی زمین‌اند؛

۱۴. سوره حج، آیه ۱۸: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ)

۱۵. ثواب الاعمال، ص ۲۷: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ وَإِنَّ ذُؤَارِي فِيهَا عُمَارُهَا فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي فَحَقَّ عَلَيَّ الْمَرْوَرُ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ».

زیارتگاه‌هایی که خداوند به آسانی اجازه بهره برداری و ساخت آن را به ما داده، ولی همه بدان موفق نمی‌شوند؛ هر چند خداوند اسباب زیارت را آسان کرده است و ما هر لحظه می‌توانیم شرفیاب شویم و از آن بهره ببریم.

انبیا و ائمه طاهرين با آنکه خود مورد زیارت واقع می‌شوند و ما مشتاق زیارت آنان هستیم و زیارت آنان در ردیف زیارت خدا محسوب می‌شود^{۱۶}، خود زائر و اهل مسجد بلکه مؤسس و خادم و خدمتگزار مسجد بودند^{۱۷} و سعی بر این داشتند تا بهترین و بیشترین اوقات خود در مسجد سپری کنند^{۱۸} و چه بسا در مسجد از دنیا رفتند و در مسجد یا کنار آن مدفون گردیدند.^{۱۹}

۱۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۵، ح ۳: «عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ۷؟ قَالَ: كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ۶.»

۱۷ - و عهدنا الى ابراهيم و اسماعيل ان تطهرا بيتي

۱۸. به عنوان فرد معمولی، نه به عنوان امام.

۱۹. در این که پیامبر و امام را می‌شود در مسجد دفن کرد به دلیل " وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ " نیاز به استدلال و توجه دارد.



مساجد به عنوان خانه‌های خدا روی زمین و زیارتگاه‌های خدا و محل ملاقات و پذیرش و میهمانی و پذیرایی خدا معرفی شده‌اند.^{۲۰} هرکس با وضو و طهارت به مساجد وارد شود، خداوند او را می‌پذیرد و از گناهانش پاک می‌سازد و نامش را در زمره زائران خود به ثبت می‌رساند.^{۲۱}

۲۰. ثواب الاعمال، ص ۲۷: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنْ يُبُوتَ فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ...».

۲۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۷: «وَقَالَ الصَّادِقُ ۷: عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسْجِدِ فَإِنَّهَا يُبُوتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ آتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذَنْبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ».



ائمه معصومین علیهم السلام با تعبیری زیبا، عمیق، دلنشین و امیدوارکننده از این واقعیت پرده برداشته‌اند:

۱. رسول خدا ۶:

بدانید که بر زیارت شونده (خدا) لازم است که کرامت زائرش را پاس بدارد.^{۲۲}

۲. امیرمؤمنان علی ۷:

بر خداوند است که زائرش را گرامی دارد و درخواست‌هایش را اجابت کند.^{۲۳}

۲۲. محاسن، ج ۱، ص ۴۷: «قال رسول الله ۶: إنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ. أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي. أَلَا إِنَّ عَلِيَّ الْمَرْوَرِ كَرَامَةِ الزَّائِرِ».

۲۳. وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۱۱۷: «قال علي ۷: حَقُّ عَلِيٍّ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَأَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ».



۳. امام حسن مجتبی ۷: اهل مسجد زائران خداوند و بر زیارت شونده (خدا) است که به زائرانش تحفه‌ای عطا کند.^{۲۴}

از آن جا که زائران متفاوت‌اند و همه یک تقاضا ندارند، بلکه هرکس نیازی اختصاصی دارد و صاحب خانه همه را دعوت کرده است، معلوم می‌شود که برای هر یک پذیرایی مخصوصی دارد. از این گذشته، چون برای حضور در مسجد وقت خاصی در ماه و سال معرفی نکرده و خداوند روزی چند مرتبه مهمان‌های خود را فراخوان می‌کند معلوم می‌شود دعوت او

۲۴. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۰۲: «قال الحسن ۷: أهل المسجد زوار الله و حق على المَورِ التَّحْفَةُ

لزائره».

بیهوده نیست بلکه توان برآوردن حوایج و نیازهای عمومی و خصوصی آنان و نیز ابزارهای پذیرایی را در اختیار دارد.^{۲۵}



زیارت خانه خدا در زمین

گر چه اهل ذکر و تسبیح و سجده ستودنی هستند، اما ذکر و تسبیح، اختصاصی انسان ها نیست. خداوند همه موجودات عالم را اهل ذکر، تسبیح و سجده می‌داند؛ هرچند به تصریح قرآن انسان‌های معمولی از درک این حقیقت عاجزند.^{۲۶} آنچه مخصوص انسان است، توفیق زیارت مساجد است که به

۲۵. سوره ملک، آیه ۱: (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

۲۶. سوره اسراء، آیه ۴۴: (تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ

وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا)

دعوت خداوند است و دست موجودات دیگر از این توفیق کوتاه است.^{۲۷}

درست است که هر کجا که باشیم، در محضر خداییم،^{۲۸} ولی خداوند بعضی مکانها را خانه خود دانسته و دوست دارد که مؤمنان در آنجا به زیارتش نایل شوند و ارزش آن را بالا برده و برای حضور در آن وعده پاداشها داده و آن مکانها را مخصوص زیارت خود و محل پذیرش و پذیرایی از زائران خود قرار داده و خود را حاضر و ناظر دانسته است. این مکانها جز مساجد نیستند.^{۲۹}

۲۷. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳: «قال رسول الله ۶: إن الله إذا أحبَّ عبداً جعله قِمْ مَسْجِدٍ».

۲۸. سوره بقره، آیه ۱۱۵: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

۲۹. ثواب الاعمال، ص ۲۷: «قال رسول الله ۶: قال الله تعالى: إنَّ بيوتى فى الأرضِ المساجِدُ وإنَّ رُوَّارى فيها عُمَارُها فطوبى لِعَبْدٍ تَلَهَّرَ فى بيتهِ ثُمَّ زارنى فى بيْتى فَحَقَّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ زائِرَهُ».

محاسن، ج ۱، ص ۴۷: «قال رسول الله ۶: إنَّ بيوتى فى الأرضِ المساجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بِيوتِهِ. أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فى بيْتِهِ ثُمَّ زارنى فى بيْتى. أَلَا إنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ».

خداوند را شاکریم که اجازه داده است در هر کوچه و خیابان
و محله‌ای مسجد بسازیم،^{۳۰} هر چند کوچک و ساده باشد؛^{۳۱}



در حالی که برخی ادیان اجازه ساخت معبد را در همه جا
ندارند؛ همان‌طور مثل ما که اجازه ساخت مسجدالحرام را در
مکان‌های دیگر نداریم و نیز او را شاکریم که ورود به این
مکان را نه در وقت خاص که در تمامی ساعات شبانه روز به
ما اجازه داده است^{۳۲} و هیچ‌گاه هیچ‌کس نمی‌تواند مانع بشود
مگر این که خود مانعی داشته باشیم.

۳۰. چنان که برخی از ادیان اجازه ساخت معبد جدید را ندارند.

۳۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۴، باب استحباب بناء المساجد: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۷ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قِطَاعَةِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْنَا فِي الْجَنَّةِ».

۳۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ۶ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَتَعْلَمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنزِلَتْ هَذِهِ آيَةُ اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فِي أَنْتِظَارِ

در ضمن زیارت مسجد، از زیارت خداوند تبارک و تعالی و پیامبر^{۳۳}، اهل بیت، اوصیا، علما و برادران دینی نیز بهره‌مند می‌گردیم.



اگر مسجد را بشناسیم و به آداب آن را عمل کنیم، از زیارت مسجد و ورود و حضور در آن لذت می‌بریم و با کسب معنویت و بهره‌مندی از فواید گوناگون حضور در مسجد، از زندگی آسان، آرام، شیرین و دلپذیری برخوردار خواهیم شد.

الصَّلَاةُ خَلْفَ الصَّلَاةِ يَا أَبَدْرَ إِسْبَاغِ الوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ مِنَ الْكُفَّارَاتِ وَ كَثْرَةَ الْاِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكُمْ الرَّبَّاطُ».

۳۳. در دعای ورود به مسجد ضمیر مخاطب به کار رفته است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

در یک کلام، زیارت مسجد یکی از موهبت‌های بزرگ الهی است که نصیب هممنمی‌شود و نیاز به لیاقت و دعوت دارد. از این رو بعضی هر چند می‌خواهند مشرف شوند، میسر نمی‌شود؛ چون صاحب‌خانه اجازه نمی‌دهد و ما از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم از آن کسانی باشیم که لیاقت دعوت و توفیق حضور بیابیم و نرفتن و مسجدی نبودن را بی‌لیاقتی و بی‌دعوتی و خسران در دو دنیا بدانیم؛ چنان که بعضی فرصت‌ها و عبادت‌های زیادی دارند، اما لیاقت حضور در مسجد ندارند.^{۳۴}

پیامبر و ائمه ۷ و اصحاب چنان دلبسته مسجد بودند که دوست نداشتند حتی لحظه‌ای از آن جدا شوند و چه سعادت‌ی بالاتر از اینکه خداوند هر کس را دوست دارد، به خانه خود دعوت می‌کند^{۳۵} و توفیق قیام در خانه اش را به او می‌دهد.

۳۴. سوره کهف، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴: (قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ صُنْعًا)

۳۵. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قَيْمَ مَسْجِدٍ».

برخی از زیارت مسجد لذت نمی‌برند. شاید چنان غرق در گناه و غفلت شده‌اند که مسجد و خدای مسجد از آنان دلگیر و ناراضی است. یا شاید زیارت را نمی‌شناسند و آداب آن را نمی‌دانند و شاید شرایط زیارت را ندارند؛ چون تا صاحب‌خانه فرد را لایق نداند، او را دعوت نمی‌کند؛ بدون دعوت، زیارت حاصل نمی‌شود. استجابت زائر نیز به زاد و توشه مادی و معنوی نیاز دارد. بردن چشم‌روشنی، گرفتن هدیه، تشکر از مزور و همراه شدن و همراه بردن دیگران زیارت را تکمیل می‌کند.

فصل دوم: جایگاه رفیع مسجد

فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه

نور ، ۳۶

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده است که قدر و منزلت
آن‌ها رفعت یابد و نام خدا در آن‌ها برده شود...

مسجد خواستگاه انسانیت

انسان همواره به دنبال کامروایی و لذتجویی است. همه لذت
ها حلالند به شرط آن که همیشه لذت و لذتجویی و برای همه شیرین
باشند و همه تلخی‌ها و زشتی‌ها حرامند به شرط آن که برای

همه تلخ باشند و قرآن همواره انسان ها را به پاکی ها دعوت
و از رذایل دور می کند.

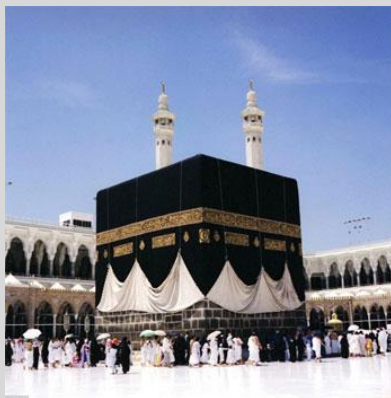
بهترین شیرینی ها، تربیت است و تربیت شدن و تربیت کردن
هدف خلقت و خالق است و هر چه امکانات و ابزار زندگی
بیش تر شود نیاز به تربیت بیش تر می شود و تربیت نه با
کارخانه و نه با مزرعه و نه با دانشگاه درست نمی شود بلکه
ابزارش " مشافهه"، " محبت" و " احاطه" است و مسجد
محلی بی بدیل برای این سه است.

در مسجد هم مسجد، محبوب مردم است و هم مردم محبوبند
و هم محیط آن آماده است تا آن جا که یک حضور در آن با
چهل سال حضور در جاهای دیگر قابل مقایسه نیست و هم

اتصال فیزیکی و بدنی آن چاره ساز است لذا غیر از مسجد
پرورشگاهی یافت نشده و نمی شود.

جلوه‌هایی از مسجد

مسجد کهن‌ترین بنا و نخستین خانه‌ای است که خالق انسان
برای انسان‌ها بر روی کرهٔ خاکی قرار داد،^{۳۶}



مسجد خانه مردم و خانه هر مؤمنی است.^{۳۷} مبارک‌ترین
مکان‌ها،^{۳۸} محبوب‌ترین بقعه‌ها نزد خداوند،^{۳۹} بهترین جایگاه و

۳۶. سوره آل عمران، آیه ۹۶: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَلَدْنَا مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ)

۳۷. کنز العمال، ح ۲۰۷۳۶: الْمَسَاجِدُ بَيْتٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ.

افضل البقاع و خير البقاع^{۴۰} و جایگاه متقین^{۴۱} و خانه مخصوص ذکر خدا روی زمین است.^{۴۲} مسجد خانه‌ای است که پیامبران افتخار ساخت و خدمت و سکونت در آن را داشتند و مدفن برخی از آنان در مساجد است.

مسجد یادمان مجاهدت‌ها و هدایت‌های انبیا، اوصیا و شهداست.^{۴۳}

مسجد محل ملاقات مردم با مردم^{۴۴} و بهترین سیاحتگاه^{۴۵} و تفرجگاه است.^{۴۶}

۳۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ وَ أُبْيَيْتُهُ أَذْنٌ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مِثْمُونَةٌ مِثْمُونٌ أَهْلِهَا مُزِينَةٌ مُزِينٌ أَهْلِهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلِهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ.»

۳۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۴۰: « فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ»

۴۰. كنز العمال، ح ۲۰۷۴۸: خَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدُ.

۴۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲: « فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ.»

۴۲.

۴۳. مثل مسجد النبی.



مسجد نبوی در جمرات

مسجد مرکز ادب‌سازی است و از ادب‌سوزی - آن‌گونه که در برخی مراکز دیده می‌شود - جلوگیری می‌کند.

مسجد محل انس انسانیت و قلب جامعه اسلامی و علامت مدنیت و شهرنشینی و نبود مسجد علامت نبود جمع و اجتماع و جامعه مدنی است.

مسجد بهترین میراث فرهنگی و آکنده از جاذبه‌های گردشگری است.

^{۴۴} . تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۹: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷ كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطِرفاً، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدِّي، أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ تَرُكُ ذَنْبٍ خَشِيَّةٍ أَوْ حَيَاءٍ».

^{۴۵} . مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۷: «فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْمَسَاجِدِ»

مسجد محل بعثت‌ها، قیام‌ها و نهضت‌های حق‌گرایانه و بیدارگرانه از اولین پیامبر تا خاتم پیامبران و از اولین امام تا آخرین وصی او امام زمان ۷، اصلی‌ترین مفر حمله علیه هرگونه تهاجمو مستحکم‌ترین سنگر دفاع از همه ابعاد اسلام است.

اگر خواستار باغ‌های بهشتی هستیم، به زیارت مساجد

برویم.^{۴۷}



مسجداز آثار مردانی خدایی چون ابراهیم و اسماعیل^{۴۸} و حافظ آثار هنرمندان است.

۴۷. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۸: «عَنِ النَّبِيِّ ۹: إِنَّ رِيَاضَ الْجَنَّةِ الْمَسَاجِدُ»؛ همان، ص ۶۵۱. «عَنِ النَّبِيِّ ۹: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ الْمَسَاجِدُ».

۴۸. سوره بقره، آیه ۱۲۵: (وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)

هنوز مسجد بهترین جاذبه‌های گردشگری را داراست و بیش‌ترین استقبال‌کنندگان را دارد به طوری که عکس مسجد در مصاحبه‌ها و مبادلات فرهنگی نقش را دارد.

مسجد جایگاه بهترین عمل‌ها مثل نماز است^{۴۹}



و مسلمانان حق ندارند با وجود مسجد یا امکانات ساخت آن، نمازجماعت را در غیر آن برگزار کنند. کاهش نمازگزاران مسجد، گاه باعث رکود یا تعطیلی و تخریب معنوی مسجد می‌گردد و به این ترتیب، تمایل مردم به ساخت مسجد هم کاهش می‌یابد. در هر صورت به مسجد و جایگاه آن ضربه می‌زند و این عدم حضور احیاناً نوعی جنگ با خداست و اگر

۴۹. «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

از روی عمد و آگاهی صورت بگیرد، ظلمتی از جنس کفر را به همراه دارد.^{۵۰}

رفعت مسجد

مسجد تنها بنایی است که می‌تواند رفیع و بلندمرتبه باشد. بنای آن بهترین مبلّغ و مروّج و علّم الاسلام و قُبَّة الخیر و راهنمای گمشدگان در کوچه‌های جهل و نادانی و هُدیِّ لِلنَّاس و از شعائر الله است.



شعور مسجد

مسجد بر خلاف جمادات دیگر بنایی است که شعور دارد و می‌فهمد و خوشحال یا ناراحت می‌شود. او شاهد بر اعمال ماست. در قیامت به حضور ما در صبح و شام و در سختی‌ها و

۵۰. سوره توبه، آیه ۱۰۷: (وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ)

آسانی‌ها شهادت و گواهی خواهد داد و از گروهی که بدان بی‌اعتنا بوده‌اند، نزد خداوند شکوه و شکایت خواهد کرد.^{۵۱}

مسجد رصدخانه‌ای است که نه فقط این جهان یا آن جهان را، که هر دو جهان را آن‌گونه که هست می‌توان دید. مسجد دورنمای مدینه فاضله است.

مساجد چون ستارگان برای آسمانیان می‌درخشند و همواره اطراف خود را روشن می‌کنند.^{۵۲}



۵۱. کافی، ج ۳، ص ۳۷۰: «عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بَنِيَ إِلَّا عَلَيَّ قَبْرِ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا؛ فَأَدَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَالتَّوَافِلَ، وَاقْضِ فِيهَا مَا فَاتَكَ».

۵۲. وسائل الشَّيْخِ، ج ۱، ص ۳۸۲ - ۳۸۱: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»

مساجد مهمان‌خانه‌های رحمت و کرامت خداوندند^{۵۳} و این دو را به هر کس به هر نیتی که داشته باشد، عطا می‌کنند. مساجد پناهگاه و سنگر مؤمنان به‌شمار می‌آیند.^{۵۴} خداوند از ما خواسته است که مساجد از جایگاه بلندی برخوردار باشند^{۵۵} و همواره تعظیم، تکریم، توقیر، تعمیر، تطهیر و تزئینشوند^{۵۶} و هیچ‌کس حق توهین و تحقیر این مکان‌های مقدس را ندارد.^{۵۷}

مسجد دارالعمل قرآن

مساجد بهترین دارالقرآن، جامعه‌القرآن و با فضیلت‌ترین مکان برای تلاوت قرآن و تدبیر در آن و عمل به آن است^{۵۸}

۵۳. عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۱۶۸: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التُّورَةِ: أَنْ يُبُوتَ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي وَحَقُّ عَلَى الْمُرُورِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ».

۵۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: ... فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ»

۵۵. همان، ص ۳۵۵: «أَذِنَ فِي رَفْعِهَا»

۵۶. سوره حج، آیه ۳۲: (وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)

۵۷. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۵: «قَالَ الصَّادِقُ ۷: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ».

۵۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: مِثْلُهُ وَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّ عِزَّتِي إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيُحِبَّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ



و جدا کردن قرآن از مسجد و بردن آن به غیرمسجد، علاوه
بر نداشتن سابقه در طول تاریخ و موفق نبودن تجربه،
پیامدهای منفی بسیاری دارد.^{۵۹}

الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَقْبَبَةُ اللَّهِ وَ أَيْبَتُهُ أذنَ فِي رُفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مِيمُونَةٌ مِيمُونَةٌ أَهْلُهَا مُزِينَةٌ مُزِينَةٌ
أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظَةٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ»
۵۹. به یاری خدا در جای خودش به این بحث مهم خواهیم پرداخت.

مساجد محکم‌ترین سنگرهای دفاع از نهضت حسینی هستند و تحلیل واقعه عاشورا در غیرمسجد به بهانه اینکه در مساجد نمی‌توان به قیام امام حسین ۷ پرداخت، به یقین عواقبی مثل پیدایش عاشورای دیگری خواهد داشت. مسجدی که نتوان در آن به عاشورا پرداخت، باید پاکسازی شود و بالاخره هر چه باشد عزاداری در مسجد نسبت به حسینیه ثواب بیش‌تری دارد و هر کاری که در مسجد جایز نیست در حسینیه هم نباید انجام بگیرد.

مساجد پررونق‌ترین نهاد برای رهبری نظام اسلامی و خالص‌ترین ستاد برای ولایت به‌شمار می‌آیند.



مساجد محل تجمع بهترین خلق خدا برای بهترین عمل-
هایند. که از حضور باشکوه مؤمنان خوشحال می گردند و از
فراق آنان ناله سر می دهند و از حضور مزورانه منافقان و
آلودگان نیز ناراحت می شوند.

مسجد خانه همه

مساجد تنها مرکزی هستند که همه در آن یکسانند^{۶۱} و
هیچ کس حق تولیت، وتو، و امتیاز ندارد. زن یا مرد بودن
ملاک نیست و هر کس از هر قشر و قبیله ای و با هر پست و
مقام و رتبه ای که باشد، در هر ساعتی که میل داشته باشد، می-
تواند با آرامش به زیارت مسجد برود^{۶۲} و از فضایل و
فیوضات آن استفاده کند و هیچ کس حق ممانعت و مزاحمت

۶۰. «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

۶۱. در معنای مسجد گفته اند: مسجد " وَضِعَ لِكَافَّةِ النَّاسِ " و " هُدَى لِلنَّاسِ " و " فَكُّ الْمَلِكِ " است بر
خلاف همه موقوفات دیگر که " حَسْبُ الْمَلِكِ " هستند.

۶۲. سوره آل عمران، آیات ۹۶ و ۹۷: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاءَ مُبَارَكًا وَ هُدَىٰ لِّلْعَالَمِينَ. فِيهِ
آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)

ندارد؛ چرا که مانع شدن بزرگ‌ترین ظلم‌هاست^{۶۳} ولی نمی‌شود در مقابل کسی که به هر نحو مانع حضور همه یا بعض مردم می‌شود ساکت نشست و گفت این مسجد است و نباید مبارزه کرد بلکه باید با او جنگید.

مسجد یگانه محلی است که مردان و زنان به طور یکسان و بدون هیچ‌گونه امتیاز با هم و در کنار هم از آن بهره می‌برند^{۶۴} و فرقی بین غریبه و خودی، کوچک و بزرگ، بالادست و زیردست، و فقیر و ثروتمند نیست.

مساجد پرشورترین، پرترددترین و باخیرترین مراکز عمومی و عبادی به شمار می‌آیند و شلوغی آن‌ها - به خلاف سایر مراکز - هیچ‌گاه ملال‌انگیز نیست.

۶۳. سوره بقره، آیه ۱۱۴: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

۶۴. اگر نگوئیم زن‌ها اولویت دارند.

مساجد دستخوش ظهور و افول حکومت‌ها، دولت‌ها و دولتمردان و سلايق گوناگون قرار نمی‌گیرند و کاربری آنها تغییر نمی‌پذیرد.

هر حکومتی با مسجد در افتد، ورافتد^{۶۵} و هر حاکمی از آن کناره‌گیری کند، خود کنار گذاشته می‌شود.

مسجد همانند قرآن و انبیا و ائمه معصوم^۷ بدیل، هم‌تا و جایگزینی ندارد و غیر خودش را ضرار و مضر می‌داند و همواره رقیب می‌طلبد.

مسجد رمز پیروزی است و دغدغه پیامبر فتح مکه بود و امروزه اگر همه شامات و فلسطین را به ما بدهند و مسجدالاقصی را ندهند، ما پیروز نیستیم، ولی اگر مسجدالاقصی را به ما بدهند و همه فلسطین را ندهند، ما پیروزیم.

۶۵. سوره حج، آیه ۲۵: (وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظَلِّمْ نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ)

انس با مسجد انس با خدا، الفت با آن الفت با خدا^{۶۶} و حضور در آن علامت محبت خداست.

جایگاه مسجد

مسجد مرکز ارائه سیاست‌های کلی و راهبردی نظام اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و محل تصمیم‌گیری‌های کارساز برای اداره جامعه در تمامی زمینه‌هاست.

مسجد محل بعثت انبیا و هدایت بشر و مرکز جلوگیری از افراط‌ها و تفریط‌هاست و همانند پرگار کنترل‌کننده و متعادل‌کننده امت‌های توحیدی است.

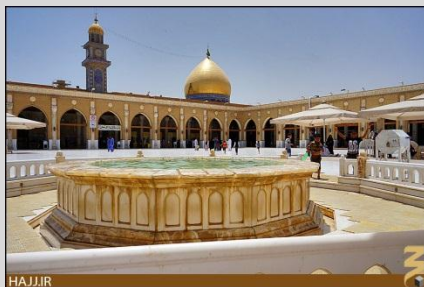
مسجد محلی است برای: شناسایی رهبران دینی، بیعت با آنان و نصب مسئولان عادل برای تصدّی پست‌های حسّاس و

۶۶. معجم الوسیط، ج ۶، ص ۲۶۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَلْفَ الْمَسْجِدَ أَلْفَهُ اللَّهُ».

بیزاری جستن از حاکمان و مسئولان نالایق و فاسد و ظالم و ستمگر و محلی برای عزل آنان است.

مسجد محل فریاد علیه ظالم و دفاع از مظلوم است بدون آن که افراط یا تفریط داشته باشد و یا کارکردی بر کارکرد دیگر فزونی پیدا کند بر خلاف مراکز دیگر که در یک بُعد، فعال و در بُعد دیگر، منفعل هستند.

مسجد مقرّ حکومتی اولیا و صالحان و خانه و مأوای پیامبران است.



نهضت‌ها و بیداری‌های اسلامی در مساجد شکل می‌گیرند و انسجام پیدا می‌کند و نیروهای حزب اللهی با محوریت مسجد با همدیگر متحد و منسجم می‌شوند و به اتحاد و انسجام خود

عمق و پایداری می‌بخشند، بر خلاف قیام‌های دانشگاهی و کارگری و خیابانی که پس از مدتی متزلزل و منحرف می‌گردد، و رو به افول می‌گذارد.^{۶۷}

در این محل است که انسان از شیطان دور می‌گردد و به خدا نزدیک می‌شود.

آری اینجاست که انسان در آن رشد می‌یابد و تربیت می‌شود و می‌آموزد که گذشته‌هایش را به یاد آورد و از آنها درس بگیرد، از فرصت‌هایش و آینده‌اش را رصد کند و بهترین اقدام را برگزیند.

اینجاست که نسل‌های گذشته و حال و آینده را با هم مرتبط می‌کند و فرهنگ دینی را استمرار می‌بخشد.

۶۷. تازه اگر ضد خود نشوند.

اینجاست که خادمان خدا و دین خدا پرورش می‌یابند و منافقان و فتنه‌گران شناسایی می‌گردند و از هویت آنان پرده برداشته می‌شود و تلاش‌های آنان بی‌اثر گردد.

مسجد است که همه محتاج و نیازمند وارد آن می‌شود و عزیز و سرافراز از آن بیرون می‌آیند. حضور در این مکان باعث شادمانی و دلگرمی دوستان خدا و مایه رعب و هراس دشمنان خدا می‌گردد.

آری مسجد سنگری امن است، برای:

سالم ماندن در حوادث گوناگون،

دفاع از اسلام و کیان آن و حمله حساب‌شده علیه هر گونه تهاجم سیاسی و فرهنگی و نظامی است.

حضور مستمر افراد در این مکان مقدس،^{۶۸} نشانه بر تخلّق آنان به اخلاق اسلامی و هدایت آنان به همه خیرها و خوبی‌ها

۶۸. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ۶ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَلْعَلَّمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنزِلَتْ هَذِهِ آيَةُ اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فِي انْتِظَارِ

و دلیلی بر اعتدال آنان در نگرش‌ها، بینش‌ها و روش‌های زندگی است.^{۶۹}

مسجد، هر چند قدیمی و باستانی، یا ساده باشد، همواره طراوت و تازگی دارد و هیچ‌گاه از چشم‌ها نمی‌افتد و از قلب‌ها نمی‌رود و هر چند هر روز و هر شب در آن حضور یابیم، از حلاوت و شیرینی آن کاسته نمی‌گردد و بر کامروایی و شادابی ما می‌افزاید.



چنان رفیع است که کسی حق توهین به آن و حق تحقیر آن را ندارد. مسجد چون امام، معصوم است و آلودگی ندارد، ولی بی‌مهری‌های مردم خاطرش را آزرده می‌کند و آن را هرگز

الصَّلَاةِ خَلْفَ الصَّلَاةِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِسْبَاغُ الوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ مِنَ الْكُفَّارَاتِ وَ كَثْرَةُ الْاِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ».

۶۹: کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۳: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اعْتَادَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْقَدَالَةِ».

فراموش نمی‌کند. بی‌اعتنایی به آناز مقام و جایگاه آن چیزی نمی‌کاهد و این مردم هستند که خود را از فضایل و خیرات و برکات آن محروم می‌کنند؛ چرا که هر کس به خورشید پشت کند، در حقیقت خود را از نور آن بی‌نصیب کرده است و چیزی از نور آن کاسته نمی‌شود.

مسجد دورکننده شیطان از حریم قلوب مؤمنان و باعث تقرب مشتاقان به حریم کبریایی است.

مسجد مرکز شناسایی مردان خدایی و اقتدا به آنان است.

مسجد حلال مشکلات است و دفع بلاها می‌کند.^{۷۰}

مسجد در هنگامه بروز حوادث طبیعی و قهری پناهگاهی امن برای مؤمنان است.^{۷۱}

۷۰. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶: «قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ».

۷۱. محاسن، ج ۱، ص ۱۶. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ۷: قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: الَّذِينَ يَكْتَفُونَ بِطَاعَتِي كَمَا يَكْتَفِي الصَّبِيُّ الصَّغِيرُ بِاللَّبَنِ وَالَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النَّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا».

سفرهای آسمانی و زمینی حضرت محمد مصطفی ۶ از مسجد
آغاز می‌گردید و به آن پایان می‌پذیرفت.^{۷۲}

زادگاه و زیستگاه و قتلگاه امیرمؤمنان مسجد بود.^{۷۳}

محل شروع احرام و میقات^{۷۴} برای رسیدن به اعظم و
اشرف المساجد یعنی مسجدالحرام است.



مسجد، اولین دانشگاه

مسجد اولین دانشگاه^{۷۵} است که دانشکده‌های فراوان در
علوم انسانی دارد.^{۷۶} شرط پذیرش در کنکورش برخوردار از

۷۲. سوره اسراء، آیه ۱: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)

۷۳. مصباح، ص ۵۱۲: «وُلِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي الْكَعْبَةِ».

۷۴. میقات، مسجد دارد و بعض مراجع می‌فرمایند باید از مسجد، محرم شد.

اراده و مدرک اعطایی اش، پاکی و درک صحیح، رستگاری و درست اندیشی است. آموزه‌هایش علمی، منطقی، مفید و کاربردی است و زمان تحصیل در آن از گهواره تا گور است و همه آحاد جامعه مرد و زن، کوچک و بزرگ، باسواد و بی-سواد را پوشش می‌دهد.^{۷۷}

دانشگاهی با دانشکده‌های علوم انسانی و کاربردی است که حضور زن و مرد بدون هیچ آسیبی است. دکترای آن خلوص و تواضع و اعتدال است، استادان آن، مجرب و کارآزموده و بدون

۷۵. در زبان عربی به دانشگاه، جامعه می‌گویند. جامعه از مسجد جامع اقتباس شده است؛ چرا که به دانشگاه دارالفنون می‌گفته‌اند و در مساجد، علوم مختلف تدریس می‌شد لذا به مسجدی که دروس مختلفی داشته باشد مسجد جامع می‌گویند.

۷۶. کسانی که نتوانستند با مسجد همراه شوند " دارالفنون " را دانشگاه کردند و علوم انسانی را با فنون درآمیختند تا رشته‌ها و دانش‌های اجباری را تحمیل کنند و دانشگاه‌های حقیقی را کنار بزنند و علوم لاینفع و نسل کشی و مهار دین را در دانشگاه‌ها به مردم تحمیل و مردم را حیران کنند.

۷۷. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۹: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷ كَانَ يَقُولُ: مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِخْدَى الثَّمَانِ: اِمَّا اَخَا مُسْتَفَادَا فِي اللّٰهِ، اَوْ عِلْمَا مُسْتَظَرِّفَا، اَوْ اَيَّةَ مُحْكَمَةٍ، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رَدِّي، اَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلٰى هُدٰى، اَوْ تَرَكَ ذَنْبَ خَشِيَّةٍ اَوْ حِيَاةٍ».

حقوق‌اند و مشاوران و راهنمایان آن، خود سالکان آن راه
مستقیم‌اند.

تحصیل‌کردگان آن مؤمن، دلسوز، دانشمند، صبور، مدیر و
مدبّرند و در حوادث سیاسی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی
بصیر و بینایند و نقشی فعّال و تأثیرگذار و هدایتگر
دارند. آنان در جبهه‌های نبرد با دشمنان اسلام نیز همواره
در خط مقدم حضور دارند و جلوه‌های شجاعت، رشادت و
صلابت آنان مثال‌زدنی است.

کلاس‌هایش نه تنها تعطیلی ندارد، بلکه در ایام تعطیلی
چون جمعه‌ها و اعیاد نیز رونق فزاینده دارد.^{۷۸}

فارغ‌التحصیلان آن فارغ از همه آلودگی‌ها و وابستگی-
هایند و یک فارغ‌التحصیل بیکار، بی‌ادب و بی‌انگیزه ندارد
و گرایش به پاکی‌ها درجه و مدال آن است.^{۷۹}

۷۸. کنز‌العُمال، ج ۷، ص ۵۷۳: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اعْتَادَ إِلَيَّ الْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْعَدَالَةِ».

مسجد مرکزی است که از سکوت اهالی خود لذت می‌برد،^{۸۰}
مخصوصاً اگر سکوتشان برای تفکر و یاد خدا باشد، و از
سروصدا و فسوق و جدال رنج می‌برد.

مسجد، مجهزترین بیمارستان

مسجد بیمارستان فوق تخصصی و فوق عقلی جسم و روان
است.

۱. بیمارستان مسجد علاوه بر ترمیم، مداوا و تطهیر به
مسائل پیش‌گیرانه و واکسیناسیون نیز توجه دارد و با
بالاترین عیار از باکتری‌ها و ویروس‌های خطرناک و
مُسری - مثل نفاق - جلوگیری می‌کند.

۲. بیمارستان مسجد همه بیماری‌های روانی را درمان
می‌کند؛ اسم بردن صاحب بیمارستان دوا و یاد او
شفاست.^{۸۱}

۸۰. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۶۴۲۱: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ: فَقُلْتُ (لِرَسُولِ اللَّهِ) كَيْفَ يُعْمَرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ».

۳. حضور در بیمارستان مسجد، انواع بلاهای فردی مثل عجب، بخل، تکبر، نفاق و انواع بلاهای اجتماعی مثل شائبه و شرک و تشطُّط و تفرقه را اتوماتیک وار مداوا می‌کند.

۴. بیمارستان مسجد نه تنها به کسی ضربه روحی وارد نمی‌کند که اعتدال روحی هم ایجاد می‌کند.^{۸۲}

۵. بیمارستان مسجد نه تنها تعطیلی ندارد که در تعطیلی‌ها شلوغ‌تر است.

۶. شلوغ بودن بیمارستان‌های دیگر علامت ناسالم بودن جامعه و شلوغ بودن بیمارستان مسجد علامت سلامت جامعه است.

۷. با حضور در بیمارستان مسجد جلو بسیاری از ویروس‌های خارجی و خطرناک و مسری گرفته می‌شود

۸۱. یا من اسمہ دواء و ذکرہ شفاء.....

۸۲. من اعتاد الی المسجد فاشهدوا له بكل خیر.....

ویروس‌هایی که اگر از آنها جلوگیری نشود تنها چند نفر تلف نمی‌شوند بلکه نسلی و کشوری ناخودآگاه آسیب می‌بیند.

۸. در بیمارستان مسجد دردهای آسمانی هم مداوا می‌شود ۸۳

۹. حضور در بیمارستان مسجد بهترین درمان و نگاه به آن بهترین داروست.

۱۰. بیمارستان مسجد نه تنها از مراجعانش بیمه نمی‌خواهد که آنها را بیمه می‌کند.

۱۱. بیمارستان‌های دیگر مرگ و میر دارند اما بیمارستان مسجد نه تنها مرگ روانی و روحی ندارد که مرده‌های فکری و روانی را احیا می‌کند.

۸۳. در حوادث مترقبه و غیرمترقبه - مثل خسوف و کسوف و زلزله و سیل و طوفان - مسجد بهترین

جان‌پناه است: اذا نزلت الآهات والآفات عوفی اهل المساجد. علاوه بر حدیث، تجربه هم نشان داده است که در

حوادث، مساجد بهترین پناهگاه هستند. ففروا الی مساجدکم.....

۱۲. آزمایشگاه مسجد، افکار و اذکار و انگیزه‌های مثبت و منفی افراد را مشخص می‌کند.

۱۳. هیچ‌یک از داروها، ساخته اجنبی و دشمن نیست و مشابه خارجی هم ندارد.

مسجد غنابخش اوقات فراغت

ظرفیت مساجد

۱. تنوع مساجد که می‌تواند همه افراد را با سلیق مختلف

جذب کند

۲. مداوم بودن و سه وعده بودن مسجد برای پر کردن اوقات

فراغت

۳. ایجاد فرصت و فراغت حتی برای فعالان عرصه

اقتصادی^{۸۴}

۸۴. و اذا رآوا تجارة أو لهواً انفضوا اليها و تركوا قائماً.....

۴. تنوع در نوع حضور از ذکر تا معماری و ایجاد تسهیلات

برای دیگر زائران

۵. تنوع در نوع عبادت: طواف، اعتکاف، رکوع و سجود و

پرهیز از یک‌نواختی^{۸۵}

۶. تنوع در نوع سرگرمی از نفس کشیدن تا مشاوره و

مذاکره

احکام سرگرمی

۱. سرگرمی در مسجد توان انسان را برای کارهای دیگر

بیشتر می‌کند به خلاف دیگر سرگرمی‌ها که انسان را

افسرده می‌کند.

۲. بهترین سرگرمی در اوقات فراغت، عبادت است.^{۸۶}

۳. سرگرمی از نوع حضور مداوم در مسجد پسندیده نیست

لذا پیرمردی که همیشه در مسجد بود مذمت شد. اعتکاف

۸۵. و طهرا بیتی للطائفین و العاکفین والرکع السجود.....

۸۶. و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون.....

در مسجد هم نمی‌شود همیشه باشد بلکه باید با فاصله انجام بگیرد.

۴. هر وقت که بخواهیم می‌توانیم در مسجد حضور پیدا کنیم. رسول خدا در خطرناک‌ترین وضعیت‌ها و شلوغ‌ترین موقعیت‌ها نیز معتکف می‌شدند.

مسجد بهترین تأمین‌کننده

۱. تأمین دینی؛ تحکیم و ترویج دینداری به جای دیندانی^{۸۷}

۸۶. آمار و ارقام نشان می‌دهد که افراد فرهیخته و با نبوغ در دین و یا متدین و احياناً مبلغ دین انواعی دارد:

۱. گروهی با مطالعه کتاب‌های دین به اسلام می‌گروند و به اصطلاح "اهل مطالعه" هستند و کمتر به راه‌های دیگر دسترسی دارند.

این گروه همانند کسی می‌ماند که نقشه جغرافیای شهر را در دست دارد و عموماً تشخیص نمی‌دهد که بعضی خیابان‌ها یک‌طرفه‌اند و یا از طرف دیگر ورود ممنوع دارند و گاهی بین خیابان ۲۰ متری با ۲۴ متری اشتباه می‌کند.

بیش از نیمی از منحرفین و مدّعیان دروغین و به عبارت دیگر بدعت‌گزاران یا افراطی‌ها و تفریطی‌ها از این گروهند.

۲. گروهی دیگر در اثر معاشرت با متدینین یا پدر و مادر یا همکار و همسفر و هم کلاسی تحت تأثیر قرار می‌گیرند که ایمانی سطحی دارند.

۲. تأمین خانوادگی؛ فراهم آوردن امکان حضور کوچک و

بزرگ، پدر و مادر، همسر و فرزند، و زن و مرد در

مسجد در حالی که در جاهای دیگر این گونه نیست.

۳. تأمین سیاسی؛ چون مسجد نه جزو یا طرفدار جناح

راست است، نه جزو یا طرفدار جناح چپ. مسجد اهل

تفرقه نیست و غیر از وحدت چیزی را به رسمیت

۳. عده‌ای با روحانیون خطیب و سخنران آشنا شده و مرید آنها می‌شوند و گاهی به جای این که تحت تأثیر باشند مؤثرند و از خطبا و سخنرانان به عنوان ابزار استفاده می‌کنند.

۴. بعضی تحت تأثیر فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی قرار می‌گیرند که متأسفانه عمق ندارند و در برخی موارد اسلام را ناقص معرفی می‌کنند. مثل فیلم امام علی که حضرت علی (ع) را جور دیگر معرفی می‌کند و مصائب و بلاهایی به وجود می‌آورد و حکم آن حکم تعزیه‌خوانی و یا پرده‌خوانی است که در زمان‌هایی رایج و در زمان‌هایی دیگر حرام و نامشروع قلمداد می‌شده و علماً عموماً با آن همراهی نمی‌کرده‌اند.

۵. گروهی با مسجد و ائمه آن آشنا شده‌اند که همه دین را می‌فهمند و بدان عمل می‌کنند. چنانچه در روایات داریم "من اعتاد الی المسجد فاشهدوا له بكل خیر"؛ یعنی اهل مسجد به هر خیری دست می‌یابند و از افراط و تفریط به دورند و کمتر خود را مطرح می‌کنند و خود را همیشه ناچیز می‌دانند و به خلاف گروه‌های دیگر کمتر دچار وسوسه و افراط و تفریط می‌شوند و بهترین نمونه التزام عملی به اسلام را دارا هستند و همیشه متعهد، منظم و مؤدب هستند و در همه اقسام هم وجود دارند نه در قشر خاصی. این گروه، دیندارند نه فقط دیندان!

نمی‌شناسد و وحدت، زمینه‌ساز و مایه هر موفقیت سیاسی است.

۴. تأمین نظامی: اگر نظامی‌ها در روزهای اداری آن هم فقط صبح‌گاه حضور دسته‌جمعی دارند و همه آنها معمولاً مأمورند ولی امنیت نظامی ناشی از حضور مردم در صف‌های مسجد هر روز، بدون تعطیلی و روزی چند مرتبه از هر مانور و هر موشک و هواپیمایی مؤثرتر است.

۵. تأمین آموزشی: گرچه اغلب علوم در دانشگاه تدریس می‌شوند ولی همه علوم در مسجد تفهیم می‌شوند و فرق است بین تفهیم و تدریس و فرق است بین درک و مدرک و این‌گونه نیست که در یک رشته هزاران متخصص داشته باشیم و در رشته ضروری دیگر مردم معطل باشند.

۶. تأمین اشتغال؛ در مساجد قدیم و جدید، شغل‌های ضروری تعریف و مردم بدان‌ها تشویق می‌شوند و شغل‌های کاذب و بیهوده آسیب‌شناسی می‌شود.

۷. تأمین غذایی

۸. تأمین دارویی

تأثیرات حضور در مسجد

۱. التزام عملی به اسلام^{۸۸}

۲. نفی شرک و شراکت و پیدایش و افزایش رفاقت که بهترین نعمت و بالاترین نیاز انسان است.^{۸۹}

۳. استعانت در عبادت

۴. مداومت در اطاعت از خدا و انبیا و اولیا که عالی‌ترین عبادت و تشکرو قدردانی از آنان است.

۵. زیارت و دیدار خوبان و دوستان خدا.

۸۸. التزام عملی به اسلام، مفهومی است که مصداقی جز رفتن علنی و خالصانه هر روز به مسجد، برای آن پیدا نمی‌کنیم.

۸۹. چه در امور زندگی، چه در امور سیاسی، چه در دنیا و چه در آخرت.

۶. طهارت در قلب و بدن، و رشد و بالندگی در باور و اعتقاد.

۷. شکر و شیرینی در زندگی.

۸. قناعت در معاش، توجه به معاد و امید به آینده.

۹. امنیت شخصی و اجتماعی.

۱۰. برخورداری از بهشت و رضوان الهی و همسایگی با خدا.^{۹۰}

۱۱. دوری از ترس، وحشت، اضطراب، اضطراب،

افسردگی، ناکامی، سردرگمی، سرگردانی و بلا تکلیفی،

غفلت، فراموشی و جهالت و نادانی.

۱۲. دوری از اختلاف.^{۹۱}

۹۰. مسند الحارث، ص ۵۲: «قال رسول الله ۶: إن الله ليُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أين جبراني؟ أين جبراني؟ قال:

فَقَالَ الْمَلَأَيْكَةُ: وَمَنْ يَنْبَغِي أَنْ يُجَاوِرَكَ فَيَقُولُ: أين عَمَارُ الْمَسَاجِدِ».

۹۱. تجربه نشان داده است که هر گاه شوراها حل اختلاف در مساجد تشکیل شده، تنش‌ها کمتر و حل

و فصل مخاصمه‌ها آسان‌تر و سریع‌تر انجام پذیرفته است.

مسجد بهترین پرکننده اوقات فراغت برای فارغ شدن از مشغله‌ها و گرفتاری‌هاست.

مسجد بهترین وسیله برای دور شدن از مبدأ و نزدیک شدن به مقصد است.

نتیجه انس با مسجد، انس خدا و نتیجه الفت با مسجد، الفت خدا با ماست.^{۹۳}

مسجد، نیاز امروز و پشتوانه فردا

از گذشته‌های دور، مسجد (جامع) علامت مدنیّت، فرهنگ سالم و سازنده و حلقه اتصال کوچه‌ها، محله‌ها و بازارها بوده و قشرهای گوناگون مردم را به هم نزدیک می‌کرده است. هر جا مسجد نیست، یا جمع نیست، یا ظاهراً جمع است، اما نه جمعی که با جمع افکار و آداب اسلامی همراه باشد؛^{۹۴} چرا که

۹۳. معجم الوسیط، ج ۶، ص ۲۶۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَلْفَ الْمَسْجِدَ أَلَفَهُ اللَّهُ».

۹۴. هر جا مسجد است حکم شهر دارد و هر جا مسجد نیست حکم روستا دارد؛ چون مسجد مرکز آداب

شهروندی است.

آداب اسلامی در غیر مسجد ظهور و بروز ندارد. آداب شهروندی به صورت کامل در آن وجود دارد شهر و روستایی که مسجد از چنان خلأیی رنج می برد که هیچ مجتمع و کنفرانس و سازمانی جای آن را پر نمی کند.

مسجد نماد شهرهای اسلامی به شمار می آید و همه ساختمان ها تابع مسجد و فضای پیرامونی آن است.



شهری که نماد آن مجسمه حیوانات و میوه هاست، هر بیننده - ای در همان نگاه اول به سطح فکری پایین اهالی آن شهر پی می برد و هر جا نماد شهر، مسجد است، از تعبد، غیرت دینی، حاکمیت ارزش ها، صبوری و استقامت اهالی آن حکایت دارد. امروزه نیز مسجد همچنان در صدر مراکز دینی و اجتماعی قرار دارد و پیدایش مکان های مذهبی چون نمازخانه ها،

حسینیه‌ها، تکایا و نیز مکان‌های عمومی دیگر چون سالن‌ها، فرهنگسراها، پارک‌ها و مجتمع‌های مسکونی و تجاری، نه تنها از میزان نیاز به مسجد نکاسته که بر اهمیت بیشتر مساجد افزوده است.

مسجد گویای تفکر دینی و تربیتی و شریعت‌مداری بانیان خود و سایر مراکز تابلو شریعت‌گریزی و اختلاف و تفرقه و امتیازطلبی و خودبرترینی و آرزوها و امیال شخصی است.

آثار تربیتی مسجد در هیچ پرورشگاهی و ادب مسجد در هیچ ادبستان و دبیرستان و دانشگاهی یافت نمی‌شود.

مردم در هیچ مکانی چون مسجد احساس همبستگی، دلبستگی و امنیت روحی و روانی ندارند. انسان نیاز به انیس و مونس دارد و بدترین بلا برای او احساس تنهایی و نداشتن همراه و همراز است و از همین رو به محیطی سالم، امن و مطمئن برای رفاقت و دوستی سازنده و مفید نیازمند است و مسجد بهترین مصداق برای چنین محیطی است.

مسجد گسترده‌ترین سازمان با میلیون‌ها شعبه در سرتاسر جهان است و همه امت اسلامی را تحت پوشش قرار می‌دهد.^{۹۵}

مسجد بهترین مجمعی است که در دسترس همگان قرار دارد و سالم‌ترین محل همایشی است که در همه جای دنیا امکان برگزاری آن وجود دارد و عالی‌ترین کنفرانسی است که همه حضار در آن یکسان هستند و کنفرانس‌دهندگان، با اخلاص‌ترین و عالم‌ترین افرادند.

مسجد بالاترین امنیت را که امنیت روانی است به وجود می‌آورد، بدون آنکه کمترین دلهره و اضطرابی ایجاد کند، به خلاف سازمان‌های امنیتی مثل شورای امنیت و سازمان ملل که خود مرکز ناامنی برای کل دنیا شدند.

۹۵. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۷: «فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْمَسَاجِدِ»

مسجد کنفرانسی است که نه درهای بسته دارد و نه صاحب امتیاز. از بزرگ‌ترین شهرها تا کوچک‌ترین روستاها شعبه دارد، شعبی که به هم وابسته نیستند اما به هم پیوسته‌اند؛ کنفرانسی که سالیانه نیست بلکه روزانه است؛ اعضای آن فعال و غیرمنفعل‌اند؛ در بحران‌ها شلوغ و در پیروزی‌ها غیرمغرور است؛ آدابش مختلف ولی اخلاقش واحد است؛ نه هزینه‌ای دارد و نه درآمدی؛ رنگ‌ها مختلف و زبان‌ها یکی است؛ سلیقه‌ها گوناگون اما هدف یکی است و معماری‌ها متفاوت ولی قبله واحد است.

مسجد جامع‌ترین مجتمعی است که همه قشرها برای تمامی امور زندگی نیاز به آن دارند و تنها مرکزی است که هیچ شخص یا گروهی مدعی مالکیت و امتیازخواهی در آن نمی‌تواند باشد و همه خوبی‌های مجامع و مجتمعات را دارد و هر گونه آسیبی که در مراکز تجمع هست، در مسجد یا نیست یا ممنوع است و یا کمرنگ است.

مسجد تنها بارگاهی است که شهری و روستایی و کاخ‌نشین و کوخ‌نشین در آن حضوری یکسان دارد و جامع‌ترین محلی است که زنان چون مردان و خردسالان چون کهنسالان در آن حضور دارند.



با اینکه مسجد محل تجمع جوانان پرشور است التهاب، نابهنجاری، افراط، تفریط و حتی جدال و سفسطه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

مسجد میعادگاه وحدتی است که شیعه و سنی در آن احساس دلگرمی و همدلی می‌کنند، ریشه‌های تفرقه در آن خشکانیده و جوانه‌های وحدت در آن بارور می‌گردد و جالب‌تر آنکه در غیرمسجد چنان وحدتی نداریم و حتی با فرقه‌های

ضالّه و غیر دوازده امامی در مسجد جدا هستیم،^{۹۶} ولی با اهل سنت در مسجد وحدت نظر و عمل داریم.

مسجد منظم‌ترین پادگانی است که همه قشرها در صفوفی منظم تحت فرمان فرماندهی ارشد اخلاقی بدون هیچ اجبار و حضور و غیابی و به دور از هر گونه تبعیض، صبحگاه و شامگاه در آن حضور می‌یابند؛ حضوری زنده و مستمر و بدون مرخصی و بازنشستگی؛ پادگانی که صفوف برگزارکنندگان نماز صف‌های دشمن را در هم می‌شکند و غریو تکبیرش ترس و دلهره را به دل دشمن می‌ریزد؛ پادگانی که مهماتش تسبیح و سلاح آن نماز است و ستون پنجمی در آن دیده نمی‌شود؛ پادگانی که سربازی در آن مایه سرافرازی، تدارکاتش با انبیا و اولیا، پشتیبانی‌اش با خدا، رژه‌اش قیام و قعود، سانش رکوع و سجود، و طبل و دهلش تکبیر و تهلیل است.

^{۹۶} . چون فرق ضالّه نه در مسجد جایگاهی دارند و نه مجاز به شرکت در مسجدند و عمده آنان به " جمع-

خانه "، " تکبیر " و امثال آن مشغولند.

مسجد رسانه‌ای پاک است که حقایق را بی‌کم و کاست و به دور از هر گونه افراط و تفریط بیان می‌کند و به قشر خاصی تعلق ندارد و حقایق را به همه قشرها منتقل می‌کند و در برنامه‌ها و فعالیت‌هایش کمتر تحریف و انحرافی دیده می‌شود و از بدعت‌گذاری و نوآوری‌های بیجا در دین و زندگی مصون است.

مسجد رسانه‌ای مقدّس، معتبر و مستقل است و در بین همه امواج و شبکه‌ها پیشتاز و بی‌همتاست؛ به گونه‌ای که رسانه‌های متعدّد و متعدّد همچنان از مقابله با آن عاجزند؛ چرا که مسجد همگان را به سوی خدا و رسانه‌ها مردم را به خود فرا می‌خوانند. سایر رسانه‌ها با آن‌که به مخفی‌ترین مکان‌ها نفوذ کرده‌اند و به دنبال مردم در تنهایی‌ها هستند تا آن‌ها را به خود جذب کنند مردم در هر کوی و خیابانی در جستجوی رسانه مساجدند تا در جمع باشند و مقهور نشوند، دلگرم و امیدوار

باشند و دلسرد و افسرده نشوند و شجاع باشند و ترسو نشوند
افزون بر آن که مسجد محل ذکر خدا و آرام کننده اوست.^{۹۷}

مسجد رسانه‌ای آزاد است و به هیچ گروه و حزبی وابستگی
ندارد تا برخی مطالب را سانسور کند و با توصیه این و آن در
ارائه برنامه‌هایش دچار محدودیت گردد و گزینشی عمل کند.
رسانه‌ای است که وقایع و رخداد‌های مثبت را ثبت می‌کند، اما
حوادث منفی و آزاردهنده و آثار آن را محو می‌سازد.

مسجد رسانه‌ای است نورانی و حرکت‌آفرین، نه مثل بقیه
رسانه‌ها که احیاناً باعث خموشی و خمودی می‌شوند.

مسجد رسانه‌ای است که در هیاهوها ساکت و در خاموشی‌ها
فریادگر است .

مسجد وجودش رسانه است و انسان در آن واحد هم خبرنگار
است، هم خبرساز است و هم از اخبار مطلع می‌شود.^{۹۸}

۹۷. سوره رعد، آیه ۲۸: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

مسجد رسانه‌ای است که خبرهایش - هر چند تکراری باشد - سازنده و محرک و جاذبه دار است.

مسجد رسانه‌ای است که زمینه‌اش نماز، محتوایش ذکر و توجه و هوشیاری و نتیجه‌اش ایمان، اعتدال، بصیرت و استقامت است.

مسجد رسانه‌ای است که هیچ کس به فکر تسخیرش نیست و کسی در آن به دنبال چهره شدن نیست.

مسجد قدیمی‌ترین سیستم ارتباط جمعی را به خود اختصاص داده است و دنیای ارتباطات و تعدّد و تنوع وسایل ارتباط جمعی در دنیای کنونی نتوانسته نقش ارتباطی مسجد را کم-رنگ کند.

همه وسایل ارتباط جمعی آسیب‌های آنان بیش از خیرشان است، ولی مسجد همه‌اش خیر است. وسایل ارتباط جمعی

۹۸ . علاوه بر این که مسجد محل ارتباط با خدا و مردم، و مرکز خودیابی است که ان شاء الله در جای خود به طور مفصل بدان خواهیم پرداخت.

ارتباط فیزیکی را کم می‌کنند، ولی مسجد این ارتباطات را حفظ می‌کند. امروزه وسایل ارتباط جمعی از لوازم زندگی و اوجب واجبات شده^{۹۹}، ولی مسجد همچنان مستحب مؤکد مانده است.^{۱۰۰}

امروزه به دلیل صنعتی و اداری شدن کشورها و مکانیزه شدن کشاورزی و با وجود مرخصی و بازنشستگی و سرعت حمل و نقل، فرصت‌ها و فراغت‌هایی پیدا شده که پرنکردن یا پرکردن غیراصولی آن آینده بشریت را به خطر می‌اندازد، ولی حضور در مسجد انسان‌ها را به هدف آفرینش نزدیک‌تر می‌سازد و از خطرهای می‌کاهد.

۹۹. خوب است مقداری فکر کنیم که چرا در زمانی که از حیوانات در حمل و نقل استفاده می‌شد انسان‌ها عقب نبودند و امروزه با وجود هواپیما همیشه در کارها عقب افتاده‌ایم؛ زمانی که موبایل و تلفن نداشتیم ارتباطات بهتر بود و زمانی که کشاورزی مکانیزه نبود فرصت بهتری داشتیم و با این که خانه‌سازی بیش‌تر شده بی‌خانه زیاد است و با این که کامپیوتر داریم کارمند زیاد شده و زمانی که سازمان ملل نداشتیم این همه ظلم نبود و در زمانی که شورای امنیت نداشتیم امنیت بهتر بود اگر نگوییم خود این‌ها عامل ناامنی‌ها شده‌اند.

۱۰۰. چه زیباست در مسجد ارتباط تلفنی خود را قطع کنیم.

علاوه بر اینها، وجود خدمات تغذیه‌ای، گرسنه نبودن افراد، فراهم بودن امکانات گرمایشی در زمستان و امکانات سرمایشی در تابستان، وجود وسایل ارتباط جمعی، کم شدن زمان کار در کارخانه و مزرعه تا یک سوم وقت نسبت به پنجاه سال پیش، بلوغ زودرس و جاذبه‌های تجملاتی حضور در مسجد را دارویی انحصاری کرده است؛ چرا که انسان‌ها مخصوصاً جوان‌ها را ازدریای تجملات و امواج تهاجمات بیرون می‌آورد و آنان را به مکانی ساده، آرام و معنوی سوق می‌دهد و آنها را با مرکز هدایت و کنترل مرتبط می‌کند.^{۱۰۱}

^{۱۰۱} . نیاز به مسجد: بهتر است توجه خوانندگان عزیز را به گزارشی جلب کنیم تا واقعیت را آسان‌تر باور

کنیم:

با توجه به آمار قبل از انقلاب ۲۳ درصد جمعیت، شهری و ۷۷ درصد، روستایی بوده‌اند اما امروزه قضیه کاملاً به عکس شده است: ۷۷ درصد، شهری و ۲۳ درصد، در روستا زندگی می‌کنند این در حالی است که امروزه حدود ۶۰ درصد مساجد ما روستایی است و شهرها چندین برابر توسعه یافته است و سرانه ساخت همچنان رو به افزایش است.

متأسفانه ما هنوز مساجد را با آمار قبل انقلاب محاسبه می‌کنیم در حالی که ۴۰ درصد مساجد شهری ما در بافت فرسوده و قدیمی است که مردم به ناچار در مراسمات رو به افزایش، به محلات قدیم مراجعه می‌کنند. و

انواع مسجد

اگر وجود نظامی اسلامی و انقلابی برپایه مسجد و محوریت مسجد را اضافه کنیم - که نهضت ما از مساجد شروع شد و هنوز مکانی نتوانسته بقای انقلاب را در غیر مسجد از نوع راه گاز و کشاورزی تضمین کند - ما بیش از دو برابر قبل انقلاب باید مسجد فعال داشته باشیم. بنابر این، به چیزی کمتر از ۲۰ برابر مساجد فعلی نباید قانع شویم این در حالی است که مساجد نه تنها رو به افزایش نیست که رو به نقصان است؛ چرا که بسیاری از مساجد در روستاهای متروکه و بعضی در دریاچه؟؟؟ قرار گرفته و بسیاری از آن‌ها در طرح‌های توسعه قرار گرفته و متروک مانده و بافت فرسوده شهرها و روستاها و وجود ساخت شهرک‌های جدید علاوه بر شهرک‌های صنعتی و امروزه به دنبال ایجاد شهرک‌های کشاورزی هستند با توجه به آن‌چه در صفحات قبلی گفته شد از بیکاری قشر جوان و جاذبه‌های مخدر و ترویج درون‌گرایی و معنویت بدون ارائه راه‌های تخلیه و جذب روحیات معنوی و نیاز مبرم مردم به بهداشت روانی که آلودگی‌های صوتی و روانی رایج و دنیای ماشینی و تهاجم فرهنگی شاهد پیر شدن جامعه و نیاز کهنسالان برای مرکزی که در آن محترم باشند که هنوز جز مسجد بدیل آن نشده است. باید بگوییم اشتغالات مردم به کمتر از یک سوم رسیده و نیاز به پر کردن دارد. وقتی کشاورزی، مکانیزه و دولت، الکترونیک و تجارت و بازرگانی، واسطه‌ای و ابزاری شده می‌بینیم مدت کار بازارها به کمتر از نصف شده و هر روز که دولت تعطیل می‌کند جامعه آرام و تلاطمات اجتماعی کمتر می‌شود و هر روز اداره‌ها باز است منتظر التهاب‌ها و رکودیم.

همه مساجد، مشترک‌المنافع هستند. البته بعضی افضل از دیگر مساجد و بعضی مقدمه برای بعضی دیگرند مثل مساجد میقات برای احرام حج.

۱. مساجد خاص، مساجدی هستند که بعضی احکام آنها اختصاصی است ولی تضادی با هم ندارند. مثل این که تحیت مساجد، نماز و تحیت کعبه، طواف است.

۲. مساجد جامع که معمولاً یا در جوار قبور انبیا و اولیا و ائمه هستند یا وسط شهر و بازار.

۳. مساجد محله و قبیله و بازار خاص - مثل بازار زرگرها - به همان اندازه که از جامعه جدا هستند ارزش آنها کمتر است.

۴. مساجد دولتی که در اکثر کشورهای اسلامی وجود دارد و کمتر بیداری اسلامی و انقلاب و عزل بعضی در آنها رخ می‌دهد.

۵. مساجد ملی که همه اقشار در آن شرکت دارند و تسلیم ناحق‌ها، نابرابری‌ها و ظلم‌ها نمی‌شوند.

ضرار بودن مسجد

مسجد "أَوَّلُ بَيْتٍ" و اسامی آن "تقوی" و "قیاماً لِلنَّاسِ" است.

متأسفانه بعضی قبل از آن‌که مسجد را بشناسند از مسجد ضراری سخن می‌گویند که آن را هم نمی‌شناسند؛ چون مسجد، "صراط مستقیم" و "هُدًیً لِلنَّاسِ" است و آنها می‌خواهند خود هادی باشند و چون اهل مسجد نیستند و نمی‌خواهند باشند بحث ضرار را پیش می‌کشند که اینجا مقدماتی را تقدیم و نتیجه را به خواننده محترم واگذار می‌کنیم.

۱. هر مسجدی در قرآن، مسجد نیست هر جا با عظمت و همراه لفظ الله باشد مسجد است.

۲. هیچ مسجدی ضرار نیست.

۳. هیچ دلیلی بر این که مسجد ضرار^{۱۰۲}، مسجد بوده است نداریم.

۴. مسجد ضرار را منافقین به عنوان مسجد اتخاذ کرده بودند نه مسلمانان.^{۱۰۳}

۵. اگر پیامبر در مسجد ضرار، دو رکعت نماز می خواند بعد آن را خراب می کرد می توان احتمال داد که آن، مسجد بوده است.^{۱۰۴}

۶. ائمه اطهار به هیچ مسجدی ضرار نگفته اند حتی مسجد اموی شام.

۷. در اینکه بعضی مساجد را سلاطین و خلفای جور ساخته اند بحثی نیست.

۱۰۲. قضیه مسجد ضرار در آیات ۱۰۷ - ۱۱۰ سوره توبه آمده است.

۱۰۳. سوره توبه، آیه ۱۰۷: *وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.*

۱۰۴. سوره توبه، آیه ۱۰۸: *لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ...*

۸. مسجد شیعه و سنی با هم فرقی ندارد و نمی‌توان هیچ-یک را ضرار دانست.

۹. کنار هم بودن مساجد، مصداق ضرار معرفی نشده است.

۱۰. هیچکس به عنوان کافر تاکنون مسجدی نساخته است.

۱۱. در مساجد، تفرقه نیست هر چند مسابقه هست.

۱۲. کارکرد همه مساجد یکسان است لذا اختلافی در

کارکرد آنها نیست تا ضرار و مسجد ضرار مطرح شود.

علائم مراکز ضرار (غیر مسجد)

۱. کارکرد آنها مقید است.

۲. صاحب اختیار دارند.

۳. علما و رهبران، در آنها محور نیستند.

۴. همیشه باز نیستند.

۵. برای همه باز نیستند.

۶. دشمن از ساخت آنها ناراضی نیست.

ویژگی‌های مؤسسان مراکز ضرار

۱. برای مراکز خود اسم مقدّس انتخاب می‌کنند.
۲. رهبران را به عنوان مؤیدان خود می‌خوانند.
۳. مراکز خود را روبرو و نزدیک مسجد می‌سازند نه جای دور از مسجد تا از مسجد استفاده کنند و گاهی آنها را به عنوان مرافق مسجد و داخل کل محوطه مسجد می‌سازند؛ نزدیک بودن مراکز ضرار به مسجد پیام‌های زیادی دارد.
۴. اهل مسجد نیستند.
۵. مراکز خود را بهتر از مسجد می‌سازند.
۶. به دنبال تخریب و تحقیر مسجد و حرمت‌شکنی و قداست‌زدایی از آن هستند.
۷. دشمن امامان مساجد و رهبران مذهبی هستند.^{۱۰۵}

^{۱۰۵} . سوره توبه، آیه ۱۰۷: ... وَ إِرْصَاداً لِّمَن حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ مِنْ قَبْلُ ...

۸. زود قسم می‌خورند در حالی که اهل مسجد نیاز به قسم ندارند.^{۱۰۶}

۹. نزد مردم - حتی نزد پیامبر - زبانی گویا و زیبا و قیافه‌ای جذاب و تعجب‌برانگیز دارند.^{۱۰۷}

۱۰. کسی دیگر جز خداوند نمی‌تواند دروغ‌گویی آنان را بر ملا کند.^{۱۰۸}

مقایسه مسجد با مراکز ضرار

۱. حضور در مسجد، قیام است و حضور در غیر مسجد به معنی زمین‌گیر شدن است.

۲. اهل مسجد دوست دارند پاک باشند "فیه رجال یحبون ان یطهروا" و مراکز ضرار از پاکی فراری هستند.

۱۰۶. سوره توبه، آیه ۱۰۷: ... وَ لَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ... و سوره منافقون، آیه ۲: إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً

فَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۰۷. سوره منافقون، آیه ۴: وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ

۱۰۸. سوره منافقون، آیه ۱: وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

۳. مسجد، همیشگی و هر شب و روز است و اهالی مسجد، حضور در مسجد جزء سبب زندگی آنان است ولی مراکز دیگر، فصلی و مختص ایام خاصی است و منافق از مداومت و خیر فراری است.

۴. اهالی مسجد چه مسجد بسازند و چه در مسجد حضور پیدا کنند در حال تعمیر مسجدند و منافقین به دنبال بدعت به جای سنت و تأسیس به جای تعمیرند.

۵. مسجد تولیت ندارد و مراکز دیگر تولیت دارند.^{۱۰۹}

۶. مسجد انسان را تطهیر و مراکز ضرار انسان را نجس می‌کند.^{۱۱۰}

۷. اساس مسجد، رضوان الهی و اساس مراکز ضرار، سقوط در جهنم است.^{۱۱۱}

^{۱۰۹}. "أما یعمر" و "اتخذوا مسجداً".....

۱۱۰. فیه رجال یحبون ان یطهروا - علی شفا جرف هار

^{۱۱۱}. و "رضوان" و "شفا جرف".....

۸. اساس مسجدی که خوب باشد در ادامه، خراب

نمی‌شود ولی اساس مراکز ضرار، برگشتی ندارد.^{۱۱۲}

۹. ساخت مسجد بر اساس تقوی، طهارت و قیام و ساخت

مراکز ضرار، بر پایه سستی و ریبه و سقوط "علی

شفا جرف" و رسوایی است.

۱۰. آخر مسجدسازی، فلاح^{۱۱۳} و آخر ضرارسازی،

گمراهی و سردرگمی است.^{۱۱۴}

مبارزه با مراکز ضرار

۱. مبارزه با مراکز ضرار از وظایف مردم نیست بلکه

حکومت همان‌گونه که تمام حرکت‌های زیرزمینی را

۱۱۲. سه حکم در یک آیه: "لا تقم" و "فیه رجال یحبون ان یطهروا" و "احق ان تقوم فیه".....

۱۱۳. در آیه "انما یعمر".....

۱۱۴. "لا یهدی القوم الظالمین".....

رصد می‌کند موظف است مراکز غیردینی را هم رصد کند.

۲. حاکمی که خطر مراکز غیر مسجدی را خطر نمی‌داند، خود، بزرگ‌ترین خطر است؛ خطری که بیش از هر چیز خود حکومت را تهدید می‌کند.

۳. مبارزه با مراکز غیر دینی، آتش بس و تبصره ندارد.^{۱۱۵}

۱۱۵. "لا تقم فیہ ابدأ" و در آیه بعد دلیل آن را نیز بیان کرده است که "مسجد التقوی... چه می‌تواند

باشد. (سوره توبه، آیات ۱۰۸ و ۱۰۹)

فصل سوم: ساخت و تعمیر مسجد

قال الباقر عليه السلام: من بنى مسجداً كمفحص قطاة بنى الله له بيتاً في الجنة.

محاسن برقی، ج ۱، ص ۵۵

هر کس مسجد کوچکی بسازد خداوند در ازای آن، خانه‌ای در بهشت برایش می‌سازد.

نگاهی دوباره به مسجد

۱. حیات اسلام با مسجد پیوند خورده و می خورد.
۲. حل اختلاف و دعاوی در غیر مسجد آن گونه که باید انجام نمی شود. مسجد محل احقاق حق مظلومان است و ائمه (ع) در احقاق حقوق خود به مسجد رو می آوردند.
۳. برکت های زمین از مسجد به سایر بلاد سرازیر می شود.
۴. محل بدرقه و استقبال از حاکم اسلامی در بلاد اسلامی مسجد است نه ورزشگاه.
۵. مسجد محل تربیت و اعزام مبلغین به اقصی نقاط کشور اسلامی است.
۶. راهیان نور راهیان مسجدند نه غیرمسجد.
۷. آنقدر مسجد پاک و منزّه است که حتی چهره های شناخته شده به دنبال آن هستند.

۸. آنقدر مسجد کارساز است که منافق با آنکه از مسجد بیزار است خود در صدد استفاده از آن است.

۹. آنچه آن مسجد وحدت آفرین است و منافق را متلاشی می‌کند که خود آنها نیاز به مسجد پیدا می‌کنند.

۱۰. منافقین در مسجد در قفسند و در مساجد عمومی نمی‌توانند شرکت کنند مگر مجمع و محفل خودشان باشد.

۱۱. خالی کردن مسجد آرمان منافقان است چون خودشان تجمع ندارند و نمی‌توانند داشته باشند.

۱۲. مسجد، نافع و محل شکرگزاری و وحدت آفرین است.

۱۳. مسجد بهترین محل رصد کفار و منافقین و محاربین است و مراکز دیگر نمی‌توانند چنین نقشی را ایفا کنند.

ساخت مسجد

۱۴. جواز ساخت مسجد در هر اندازه و سطح گویای پذیرش معماری مسجد از همه ذوق‌ها و سلیقه‌ها و ظرفیت‌هاست.

۱۵. شرایط ساخت مسجد بسیار ساده و آسان و در دسترس است و احکام مسجد به بنیه مسجد برمی‌گردد نه به بنای آن.

۱۶. به سفر رفتن حاکم اسلامی فقط برای کلنگ‌زنی و ساخت مسجد است.

۱۷. آن‌قدر مسجد و مسجدسازی مهم است که پیامبر با چند سنگ کوچک و بزرگ مسجد می‌ساختند؛ مسجدی که نه سقفی داشت و نه دیوار و دربی با این‌که تشخیص مسجد از غیر مسجد فقط با حصار از سنگ بود و اگر ساخت مسجد ضرورت نداشت پیامبر این همه اصرار نداشت که مسجد باشد و گرچه با چند سنگ ساخته شود.

فضایل و برکات ساخت مسجد و تجهیز آن

۱۸. با توجه به نکاتی که تاکنون گفتیم امروزه مسجدها سازی و دعوت مردم به مسجد از ضروریات شده است و شایسته است آنقدر مسجد بسازیم که هر کس در نزدیکی خانه یا محل کار خود چند مسجد مشاهده کند و برای حضور در مسجد بر اساس سلیقه و میل خود یکی را انتخاب کند^{۱۱۶} و از سوی دیگر حس رقابت در مدیریت و امامت مساجد ایجاد شود.

۱۹. اگر مسجد در سبب زندگی مردم قرار گیرد علاوه بر شکر و افزونی نعمت و برکت، مردم شاداب و امیدوار می‌گردند و از سرگرمی‌ها و سردرگمی‌ها رهایی می‌یابند و امامت و رهبری اهالی مسجد و مقاوم‌سازی تدین و تشیع بسیار آسان خواهد بود.

۱۱۶. مخصوصاً امروزه در اثر وجود بلوارهای تندرو در مسیر برخی مساجد و عدم وجود پل‌های هوایی

عبور و مرور مسجدی‌ها با مشکلاتی همراه شده است.

الف) ساخت مسجد

مسجدسازی عبادتی بزرگ و پایدار است و پادشاهای عظیمی دارد^{۱۱۷} و از بهترین "باقیات الصالحات"^{۱۱۸} به شمار می‌آید و مصداق بارز "تعاونوا علی البرِّ و التقوی"^{۱۱۹} است.

بر عموم مسلمانان است که به اندازه لازم مسجد بسازند و نباید نبود مسجد، بی‌توجهی عمومی به مسجد و بی‌رغبتی به شعائر دینی تلقی گردد.

تعدد و فراوانی مساجد مایه خشنودی خدا و بهترین خدمت به دوستان خداست و به اهدافی که دین مقدس اسلام از مسجد

۱۱۷. محاسن، ج ۱، ص ۵۵: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۷ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْخَصِ قَطَاةِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْنًا فِي الْجَنَّةِ».

۱۱۸. سوره کهف، آیه ۴۶ و سوره مریم، آیه ۷۶: وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا

۱۱۹. سوره مائده، آیه ۲: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

دارد، ضربه‌ای وارد نمی‌سازد. مسجد نعمت بزرگی است که باید در دسترس همگان قرار گیرد. شاید مساجد هفت‌گانه مدینه منوره را دیده باشید که در فاصله کمی از هم بنا شده است.

بنابراین مساجد حتی اگر نزدیک به هم باشند، هیچ‌یک از آنها مصداق مسجد ضرار نیستند^{۱۲۰} و هیچ کس حق ندارد به قصد تخریب، تعرضی به آنها داشته باشد. مسجدسازی به هر حال پاداش دارد حتی اگر کوچک باشد و یا کسی در آن عبادت نکند؛^{۱۲۱} چون مسجد مقدمه برای نماز نیست و خودش با صرف نظر از نماز آثار و برکات فراوانی دارد.^{۱۲۲}

^{۱۲۰} چون کارکرد و اهداف آن‌ها یکی است لذا مؤید همدیگرند نه مضر و ضرار به همدیگر.

۱۲۱. محاسن، ج ۱، ص ۵۵: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ۷: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قَطَاةِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»

۱۲۲. ان شاء الله در جای خودش به آن خواهیم پرداخت.

مسجد از بناهایی است که هیچ آفت و زیانی ندارد و همه‌اش خیر و برکت است و حتی اگر سوءاستفاده‌ای از آن بشود، همه در قبال آن مسئولند^{۱۲۳} ولی بانی و مؤسس آن مسئولیتی ندارد^{۱۲۴} و برای او همه‌اش خیر است، به خلاف سایر اماکن مذهبی و موقوفات که ممکن است هم مصداق سنت حسنه^{۱۲۵} و هم مصداق سنت سیئه باشد.

ساختمان مسجد، مبلّغ اسلام و آمر به معروف و ناهی از منکر است و نگاه به آن ثواب دارد و در آن و اطراف آن کم‌تر گناه می‌شود.

۱۲۳. مردم نمی‌توانند بگویند هر کس ساخته خودش هم آن را تعمیر و از آن نگهداری کند و خودش در آن نماز بخواند و همه مسئولیت‌هایش را بپذیرد.

۱۲۴. البته مردم موظف به تعمیر و تطهیر مسجد و مقابله با سوءاستفاده‌های از آن هستند.

۱۲۵. وقتی به کاری "سنت حسنه" می‌گویند که سنت حسنه مهم یا اهمی را از بین نبرد. برخی ساختن مهدیه و حسینیه را سنت حسنه می‌دانند در حالی که ساخت این گونه اماکن، مسجد را تحت الشعاع قرار می‌دهد این در حالی است که عبادت و سایر کارها در این اماکن ثواب افزوده‌ای ندارد و با خانه یکسان است و اگر انجام امور عبادی در این مکان‌ها به مسجد ضرر بزند علاوه بر این که ساخت این مکان‌ها سنت حسنه نیست به جهت مضر بودنشان حکم دیگری هم دارند که معلوم است.

مساجد مشترک المنافع و پشتیبان یکدیگرند^{۱۲۶} و اگر تجهیزات و مصالح آنها بلااستفاده باشد، نمی‌شود آن‌ها را فروخت و یا از بین برد بلکه باید از آن‌ها در مساجد دیگر استفاده کرد.

فضیلت ساخت مسجد و حضور در آن جامعه را پاک و از آلودگی دور می‌کند.

بانیان مساجد از پایه‌گذاران سنت‌های حسنه هستند^{۱۲۷} و توفیق بزرگی است که صد البته لیاقت آن را به هر کس ندهند. پس از ساخت مسجد، تعمیر، بازسازی و نگهداری آن بر عهده عموم مردم است.

۱۲۶. مساجد - در هر کجای دنیا که باشند - در آداب و احکام با هم فرقی ندارند و در قرآن کریم، واژه مسجد - غیر از مسجدالحرام - عموماً به صورت جمع - مساجد و کل مسجد - به کار رفته است و اگر مفرد آمده در احکام است که حکم آن برای همه مساجد است.

۱۲۷. عمدة القاری، ج ۴، ص ۲۱۲: «كُلُّ بِنَاءٍ وَبِأَلِّ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَسْجِدًا فَإِنَّ لَهُ بِهِ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ لَوْلُوٍ».

مسجد بهترین وقف

مسجد یگانه وقفی است که همگان از جمله واقف آن یکسان از آن بهره می‌برند و بیش‌ترین استفاده را در بین موقوفات دارد و مسلمانان آن را در صدر موقوفات خود قرار می‌داده‌اند و نباید این امر مهم فراموش گردد و یا کم اهمیت جلوه داده شود.

مسجد پرخیرترین مرکز و پربهره‌ترین ساختمان است و ساخت دارالقرآن، حسینیه، مجتمع و نمازخانه، اگر مصداق تخریب مسجد به شمار نیاید، هرگز ما را از ساخت مسجد بی‌نیاز نمی‌کند و عبادت در آنها هیچ امتیازی بر خانه ندارد و ثواب در آن دو برابر هم نیست چه رسد به اینکه مثل مسجد، خواندن یک نماز فرادا در آن ثواب چهل سال عبادت شبانه روزی در غیر مسجد را داشته باشد و این نکته گویای آن است که نبود این‌گونه مراکز به مراتب بهتر از بودن یا انحراف در آن است.

این مراکز چون متولی خاص دارند^{۱۲۸} و موقتی هستند هرگز به پای مساجد نمی‌رسند و اگر ارزش عبادت را کم نکند زیاد نمی‌کند.

مسجد بهترین و مناسب‌ترین جا برای قرآن و نماز و مقدس‌ترین مکان برای احیای فرهنگ عاشورا است.^{۱۲۹}



^{۱۲۸} . و قهراً معرف خاص دارند و متولی و واقف می‌تواند هر گونه که خواست عمل کند و بعضی از آن اماکن

موقتی هستند و بعد از مدتی در اختیار مالک قرار می‌گیرد به خلاف مسجد که از همه قیدها آزاد است.

^{۱۲۹} . و هیچ یک از مراجع عظام - آیدهم الله تعالی - نگفته اند انجام عبادات - حتی روضه امام حسین -

در حسینیه بهتر از مسجد است بلکه اقامه عزا و ماتم سالار شهیدان در مسجد، هزاران بار بهتر از اقامه آن در حسینیه است.

ساخت مساجد بهترین خدمت به بهترین مردم است، خصوصاً امروزه که راه‌های فساد و فحشا و ابزار آن رو به فزونی است و هیچ قدرت و نهادی مثل مسجد مردم را کنترل نمی‌کند و تعادل نمی‌بخشد و همان‌گونه که ابزار گناه در اختیار مردم قرار می‌گیرد، مسجد هم باید در اختیار مردم باشد تا هر کس در هر شرایطی بتواند خود را به نزدیک‌ترین سنگر مسجد برساند و محفوظ بماند. لذا فراوانی مساجد، بر خلاف سایر مراکز، هیچ‌گاه مصداق اسراف قلمداد نمی‌شود.^{۱۳۰}

مسجد بودن مسجد به این نیست که ساختمان‌سازی آن به پایان برسد، بلکه همین که زمین آن تحویل گرفته شود، حکم و فضیلت مسجد را پیدا می‌کند و می‌توان از آن حتی اگر دست به ساخت آن نزده باشند، در حدّ امکان بهره برد.^{۱۳۱} البته گاهی

۱۳۰. لازم نیست مسجد روی سطح زمین باشد. بنابراین می‌توان یکی از طبقات یک آپارتمان مثلاً طبقه سوم را مسجد قرار داد، هر چند طبقات زیر و روی آن مسکونی یا اداری باشند، حتی می‌توان قسمتی از کشتی یا هواپیما را مسجد قرار داد.

۱۳۱. محاسن، ج ۱، ص ۵۵: «قال أبو جعفر ۷: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قَطَاةِ بَنِي اللَّهِ لَهُ يَبْنِئُ فِي الْجَنَّةِ»

کسانی که لیاقت ساخت مسجد را ندارند، سعی می‌کنند ساختمانی خیریه یا مکانی خدماتی و بهداشتی بسازند که به جای مرافق مزاحم باشد، ولی باید بدانیم این‌گونه خدمت‌رسانی‌ها ثواب مسجد را ندارد، مگر اینکه آن خدمات (نظیر پارکینگ، وضوخانه، سرویس بهداشتی، حمام و آرایشگاه) ویژه اهالی مسجد باشد و دیگران حق استفاده از آن را نداشته باشند.^{۱۳۲}

ب) تجهیز مسجد

چون مسجد برای میزبانی قشرهای مختلف مردم از پیر و جوان و نوجوان است و نباید امکانات آن برای قشر خاصی باشد و دیگران محروم شوند، نیاز به امکانات متعدد رفاهی و خدماتی و پذیرایی دارد و فراهم آوردن آن دارای اجر و پاداش دنیوی و اخروی است.

۱۳۲. چنان که مراجع عظام تقلید می‌فرمایند: استفاده از سرویس بهداشتی مساجد برای کسانی که قصد حضور در آن مساجد را ندارند، بی‌اشکال نیست، مگر اینکه یقین داشته باشند که آن مکان، وقف برای عموم است.

خدمت به زائران مسجد سبب رغبت بیشتر و حضور گرم‌تر و برکات زیادی برای آنان می‌شود و برعکس، اذیت آنان و مزاحمت برای آنان باعث دور کردن آنان از مسجد می‌شود و بالاترین ظلم است.^{۱۳۳}



برترین تجهیزات مسجد محراب و منبر است که مؤید یکدیگرند و نباید کارکرد آن دو جابجا شود.

منبر جایگاهی مقدس است و نباید هر کسی به خود اجازه دهد بر فراز آن قرار گیرد و یا هر حرفی را بزند.

^{۱۳۳} . سوره بقره، آیه ۱۱۴ (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا سُمُّهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا

كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.)

منبر محل رو در رو شدن عالم دین با مردم است و در گذشته ها کسی که می‌خواست منبر برود می‌بایست اجازه داشته باشد و به کسی اجازه داده می‌شد که به درجه اجتهاد نایل آمده باشد؛ چرا که این مجتهد است که اهل افراط و تفریط نیست و یک سویه سخن نمی‌گوید بلکه حقایق را همان‌گونه که هست مطرح می‌کند.^{۱۳۴}

آسیب‌های مساجد بزرگ

متأسفانه امروزه ساخت مساجد بزرگ با مرافق متعدد و توسعه مساجد کوچک، مساجد را از رونق انداخته است و عده‌ای با اهداف نامعینی دست به تخریب مساجد کوچک می‌زنند و مساجد را از حالت اولیه خود خارج می‌سازند و معماری آن را به هم می‌زنند؛ در حالی که می‌توان با هزینه کمتر

^{۱۳۴} . و اما محراب بحث مفصلی دارد که باید در جای خودش بدان پرداخت.

با فاصله‌ای نزدیک، مسجد دیگری بنا کرد تا هم مردم به فیض بهتری برسند و هم مسجد دچار تخریب نشود و کمتر تکدی‌گری کنند و مردم بیشتر از همسایگی مسجد استفاده کنند.^{۱۳۵}

تأسیس مساجد بزرگ، باعث کم‌توفیقی مردم در ساخت مسجد شده است؛ چرا که:

۱. بسیاری از افراد قدرت ساخت مساجد بزرگ را ندارد.

۱۳۵. البته در نگاه کلان و کلی ساخت مساجد بزرگ، لازم است و سلاطین و حاکمان هم در گذشته به این امر مبادرت می‌ورزیدند ولی باید توجه داشت که آنان هم در یک شهر بزرگ فقط یک مسجد بزرگ می‌ساختند بنابراین دلیلی نداریم بر این که همه یا بیش‌تر مساجد را بزرگ بسازیم مخصوصاً که امروزه مساجد بزرگ نیاز به تأسیسات و هزینه‌های بسیار سنگینی دارد که اغلب از عهده و حتی از عمر یک نفر بیرون است. البته امروزه بهتر است دولت به جای مصلأ، در هر شهر یک مسجد بزرگ بسازد و نماز جمعه در مسجد برگزار شود نه در مصلأ که آسیب‌های متعددی دارد.



۲. ساخت آن به طول می انجامد.

۳. چون ساخت مساجد بزرگ با فواصل کوتاه امکان پذیر نیست، به ناچار فاصله بین مساجد زیاد می شود و میزان دسترسی مردم به مساجد کاهش می یابد.



۴. اکثر اوقات از جمعیت پر نمی شود و در اذهان عمومی کم رونق جلوه می کند.



۵. در مناسبت‌هایی که پر می‌شود، آزار و اذیت همسایگان را فراهم می‌آورد.
۶. تعهد مردم به حضور در آن و نگهداری از آن کاهش می‌یابد.
۷. نگهداری و حفظ آن و خدمت در آن از توان یک نفر خارج است.
۸. غالباً مبتنی بر اصول صحیح مهندسی و معماری و بر اساس معیارهای کارشناسانه ساخته نمی‌شود.
۹. امام مسجد تسلط کمتری بر حاضران در مسجد دارد و در مدیریت وی خلل پدید می‌آید.

۱۰. حفظ و نگهداری آن از عهده یک خادم بیرون است و تعدد خادممی خواهد که عوارض دارد و تقسیم کار در خدمت هم هنوز بررسی نشده است.

نکته مهم

در طراحی مسجد باید میانگین مشارکت مردم در طول سال را در نظر گرفت^{۱۳۶} و به دلیل حضور چشمگیر مردم در برخی مراسمها و مناسبتها^{۱۳۷} نمی شود به ساخت مساجد بزرگ رو آورد. البته می توان برای مواقع خاص تدابیری ویژه اندیشید.^{۱۳۸}

۱۳۶. در شعاع چهل خانه یا شعاعی که صدای اذان بدون بلندگو شنیده شود و به شرط آنکه اتوبان و خیابان، تندرو نباشد.

۱۳۷. مثل لیالی قدر و تاسوعا و عاشورا و اعیاد فطر و قربان.

۱۳۸. مثل شبستان اصلی و شبستان های در زاویه که در صورت لزوم قابل اتصال به هم و توسعه باشد.

امتیازات مساجد کوچک

به دلیل کمبود مسجد، اگر ساخت مساجد کوچک تبدیل به یک فرهنگ عمومی شود، بهتر است؛ چرا که:

۱. مسجد کوچک، زود ساخته می‌شود.

۲. هزینه‌های ساخت آن آسان‌تر فراهم می‌شود و یک صنف یا یک فامیل و حتی یک نفر هم می‌تواند هزینه ساخت و نگهداری آن را به عهده بگیرد.

۳. جرئت مردم در اقدام به ساخت آن افزایش می‌یابد.



۴. می‌توان در فواصل کوتاه و نزدیک به هم مسجد ساخت و همه مردم را همسایه مسجد کرد و دسترسی آنان را به مسجد آسان ساخت.



۵. چون کوچک است، زود پر می‌شود و همیشه پررونق است.

۶. مردم به حضور در آن تشویق می‌شوند و به آن دل می‌بندند.

۷. اداره آن آسان و میزان تأثیرگذاری آن زیاد است.^{۱۳۹}

۸. به دلیل مدیریت‌های متفاوت، مردم در رفتن به مسجد حق انتخاب پیدا می‌کنند.

۱۳۹. مسجد همانند کلاس است که هر چه افراد آن زیادتر باشند میزان تأثیرگذاری معلم و مربی کم‌تر می‌-

شود چنانچه در روایت بیان فضیلت نماز جماعت در مسجد، از دو تا ده نفر ثواب برشمرده شده است ولی برای بیش‌تر از آن ثواب معینی ذکر نشده است گویی حد نصاب حاضرین در مسجد، ده نفر است چنانچه در نماز جمعه حد نصاب، پنج نفر است و بی جهت نیست که پیامبر برای هر فامیل یا ساکنین هر قلعه‌ای کوچک مسجدی می‌ساخت و از این که با اذان بلال، نه مسجد نماز می‌خواندند معلوم می‌شود که مساجد، کوچک و نزدیک به هم بوده‌اند.

۹. خدمتگزاران مساجد، نقاط قوت یکدیگر را بهتر شناسایی و به هم منتقل می‌کنند و باعث پیشرفت همه مساجد می‌شوند.

۱۰. حس رقابت در خدمتگزاران مساجد ایجاد می‌شود؛ رقابتی مفید و سازنده که نه در آن ریا موضوعیت دارد و نه ضرار بودن، به خلاف سایر مراکز که همواره در معرض چنین آسیب‌هایی است.

۱۱. امام مسجد تسلط و نظارت بهتری بر مسجد و مسجدی‌ها دارد.



۱۲. یک خادم نیز به خوبی از عهده انجام وظایفش بر می‌آید.

۱۳. مساجد کوچک نسبت به مساجد بزرگ نیروهای بهتری تربیت می‌کنند.



۱۴. گزارش‌ها حاکی از آن است که مساجدی که در آنها حداکثر دویست نفر حضور می‌یابند، موفق و آبادند.

۱۵. آنچه فرهنگ دینی را تقویت می‌کند، تعداد و کثرت مساجد است، نه بزرگ بودن آن‌ها.

اهمیت عمران و آبادانی

۱. عمران مسجد ارتباط تنگاتنگ با معیشت و آبادانی دین و دنیا و آخرت مردم دارد.

۲. عمران مسجد علامت تدبیر و نشانه سرافرازی فرد و جامعه است.

۳. عمران مسجد از تدین، تعهد، غیرت دینی و نظم جامعه خبر می‌دهد.

۴. عمران مسجد نشانه حق‌شناسی، قدردانی و شکرگزاری مردم از خدا و اولیای اوست.

۵. آبادانی مسجد، دشمنان را هراسان و مؤمنان را دلگرم و امیدوار می‌کند.

۶. آبادانی مسجد، علامت وارستگی و خدایی بودن حکومت و از جمله تعهدات حکومت‌هاست.



۷. آبادانی مسجد، باعث کم شدن فساد و فحشا می‌شود.

۸. آبادانی مسجد، علامت اقتدار و صلابت جامعه است.



۹. آبادانی مسجد، منافذ دشمن را کور می‌کند.
۱۰. آبادانی مسجد، الفت و انس را افزایش می‌دهد.
۱۱. آبادانی مسجد، سبک‌ساز و ادب‌ساز است.
۱۲. آبادانی مسجد، ارتباط همسران را بهتر می‌کند.
۱۳. عمران مسجد، در تربیت نسل آینده تأثیر بسزایی دارد.

توفیق مسجدسازی

تعمیر مسجد از دیرباز با سختی‌ها و مشکلات و ترس و وحشت‌هایی به همراه بوده که در قرآن به آن اشاره‌رفته است. از این رو همه کس توفیق و لیاقت ساخت مسجد را ندارد. عمران مادی و معنوی مسجد کار انبیا و اولیا بوده است و امروزه عالمان و مؤمنان وارسته و شجاعی این امر مهم را به

دوش می‌گیرند که از هیچ چیز و هیچ کس جز خداوند
نمی‌هراسند^{۱۴۰} و کسانی که کم‌ترین شرک و آلودگی داشته
باشند به این فیض نمی‌رسند.

و برای این که خود را اقناع و نام خود را ماندگار کند
دست به ساخت مؤسساتی می‌زند که در اختیار خودشان و
طبق نظر خودشان - حتی بعد از مرگشان - باشند و نام
مقدس ائمه هدی را بر آن می‌گذارند. ساخت این مؤسسات به
بهانه این است که زن‌های حائض و مردان جنب از آنها
استفاده کنند در حالی که زنان حائض و مردان جنب اساساً
آمادگی برای امور معنوی ندارند...

۱۴۰. سوره توبه، آیه ۱۸: (إِنَّمَا يُعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَكَمْ
يَخْشَى إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)

فصل چهارم: مسجدی‌ها

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

من الف المسجد الفه الله.

معجم الوسيط، ج ۶، ص ۲۶۹

هر کس با مسجد الفت بگیرد خداوند با او الفت می‌گیرد.

معرفی اهل مسجد

مسجدی‌ها عموماً انسان‌هایی نجیب و فرهیخته^{۱۴۱} و محبوب‌ترین افراد نزد خدا و خلق خدا به شمار می‌آیند.^{۱۴۲} افرادی مؤمن، سالم، مهربان، دلسوز وفادار و امانتدارند و در گفتار و رفتارشان صداقت موج می‌زند و نظم و مقاومت در حضور در مسجد الگوی زندگی همه آنان است.

مسجدی‌ها انسان‌هایی متعهد، منظم، مقاوم، دقیق، عمیق، بصیر و صبورند.

حضورشان در مسجد مورد غبطه اهل برزخ^{۱۴۳} و مایه خیر و برکت^{۱۴۴} و مانع نزول بلاهای آسمانی و زمینی

۱۴۱. امالی، ص ۴۷: «قَالَ الصَّادِقُ ۷: يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيهَهَا»

۱۴۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۴: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: ... وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ».

۱۴۳. قَالَ النَّبِيُّ ۶: «مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ: مَنْ تَعْبَتُونَ؟ فَيَقُولُونَ: أَهْلَ الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَلَا تَقْدَرُ وَ يَصُومُونَ وَ لَا تَقْدَرُ».

است.^{۱۴۵} دعای خیر فرشتگان همراهشان^{۱۴۶} و خداوند خود
پشتیبانشان است^{۱۴۷} و به راحتی از پل صراط می‌گذرند.^{۱۴۸}

کودکان مسجدی مؤدّب، جوانان مسجدی و باشهامت، زنان
مسجدی بانجابت، مردان مسجدی باشجاعت و کهنسالان
مسجدی، با کرامت‌اند.

مسجدی‌ها مسجد رادوست دارند و لحظه‌های حضور خود
در مسجد را غنیمت می‌شمرند و اوقات بیرون از مسجد را
خسارت می‌دانند. آنان هرگاه در مسجدند، به تعمیر مسجد

۱۴۴. وسائل الشّیعه، ج ۱۶، ص ۹۲، ح ۲۱۰۶۷: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ
أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَنْ فِيكُمْ مِنْ
الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ
بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي».

۱۴۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَ الْآفَاتُ عَوْفِي أَهْلِ
الْمَسَاجِدِ».

۱۴۶. كنز العُمال، ج ۷، ص ۳۲۴: «قالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا يَزَالُ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا كَانَ فِي الْمَسْجِدِ، وَ
تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ».

۱۴۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: ... هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ».

مشغول‌اند و هرگاه در غیر مسجدند، به دفاع از آن می‌پردازند و نمازهای واجب خود را، حتی اگر فرادا باشد، در مسجد می‌خوانند.

گرچه برخی که لیاقت حضور در مسجد را ندارند، سعی می‌کنند اهل مسجد را افرادی مثل خود معرفی کرده^{۱۴۹} و با این ترفند آنان را تخریب کنند، ولی ائمه هدی ۷ در مقابل این هجوم ناجوانمردانه ایستاده و اهل مسجد را به هر خیر و فضیلتی منسوب دانسته‌اند.^{۱۵۰}

تخریب‌کنندگان اهل مسجد بدترین و ظالم‌ترین افراد بشمار می‌آیند؛ چراکه این افراد در حقیقت مسجد را تخریب می‌کنند و به فرموده قرآن لاجرم در همین دنیا دچار خزی و خواری می‌گردند و همان چیزی که برای مردم می‌خواهند نصیب خودشان می‌شود.

۱۴۹. کافر همه را به کیش خود پندارد.

۱۵۰. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اعْتَادَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْعَدَالَةِ».

البته ممکن است برخی به مسجد بیایند تا چهره کریه خویش را زیبا جلوه دهند ولی این افراد هیچ‌گاه به حضور مداوم به ویژه صبح و شام در مسجد موفق نمی‌شوند و قهراً با حضور پراکنده خود از اهل مسجد محسوب نمی‌گردند.

اهل مسجد در جامعه

مسجدی‌ها اهل هر خیر و خوبی‌اند و به دیگران در امر خیر کمک می‌کنند.

کوچک‌ترها را اکرام و بزرگ‌ترها را احترام می‌کنند.

مسجدی‌ها ارتباطات خانوادگی‌شان نسبت به سایرین بهتر و مستحکم‌تر است و اگر در خانواده‌هایشان مشاجراتی دیده شود به مراتب پایین‌تر و کم‌رنگ‌تر از غیر مسجدی‌هاست.

در غم و شادی دیگران شریک و سهیم‌اند.

امتیازخواه و انحصارطلب نیستند.

نه تنها آمر به معروفند و دیگران را به کارهای نیک دعوت می‌کنند که خود عامل به معروفند و به انجام نیکی‌ها مبادرت می‌ورزند و با حضور منظم و به موقع خود در مسجد مردم را به خانه خدا دعوت و معروف‌ها را ساماندهی و منکرات را متلاشی می‌سازند.

مسجد را محل غیبت و بدگویی مؤمنان قرار نمی‌دهند و با همدیگر نجوا نمی‌کنند؛ چراکه باعث پراکندگی و کم‌روئی مسجد می‌شود.^{۱۵۱}

مسجدی‌ها زینت و آبروی نظام اسلامی هستند و همواره پشتیبان رهبران دینی و بهترین سربازان نظام اسلامی و زمینه‌ساز عظمت و سرافرازی ولیّ فقیه بوده‌اند.

آنان منتظرانِ واقعی امام عصر ۷ اند که در صف نشسته‌اند و منتظر فرمان در اردوگاه امام زمان (عج) به شمار می‌آیند و

^{۱۵۱}. ولی مذاکره و موعظه و مشورت دارند.

با آنکه نشسته‌اند، مثل کسانی هستند که در مقابل دشمنان اسلام قیام کرده‌اند.

عقیده و رفتار مسجدیان

مسجدیان دیندارند و نه فقط دین‌دان و از اعماق قلب به مسجد عشق می‌ورزند.^{۱۵۲} برنامه‌ها و فعالیت‌های روزانه‌شان را از مسجد آغاز و به آن ختم می‌کنند.^{۱۵۳}

آنان به قصد خدمت به مسجد می‌روند؛ خدمت به ساخت و تعمیر و غبارروبی و رونق‌بخشی به مسجد، خدمت به خادمان و امام مسجد و خدمت به زائران مسجد.^{۱۵۴}



۱۵۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵: «قَالَ النَّبِيُّ ۶: مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ».

۱۵۳. سوره نور، آیه ۳۶: (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)

۱۵۴. چراکه خدمت به مسجد، خدمت به عابد و معبود و معبد و عبادت است.

آنان مسجد را مثل بهشت^{۱۵۵} و حضور در آن را بهتر از بهشت می‌دانند^{۱۵۶} و برای حضور در آن لحظه‌شماری می‌کنند و می‌کوشند بهترین اوقات عمرشان را در آن سپری کنند.

آنان می‌کوشند نمازهای واجب خود را در مسجد و نمازهای مستحب را در خانه بخوانند.

با حضور مداوم و مستمر^{۱۵۷} خود دیگران را نیز به مسجد و بهره‌مندی از فیوضات آن دعوت کنند.

آنان زودتر از همه وارد مسجد و دیرتر از همه خارج می‌شوند.

۱۵۵. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۸: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: إِنَّ رِيَاضَ الْجَنَّةِ الْمَسَاجِدُ»؛

۱۵۶. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۲: «قَالَ عَلِيُّ ۷: الْجُلُوسَةُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجُلُوسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رَضِيَ نَفْسِي وَالْجَامِعَ فِيهِ رَضِيَ رَبِّي»

۱۵۷. وسائل الشیعه، ج ۴، ح ۴۶۶۹، ص ۱۱۷: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ۶ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَتَعَلَّمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فِي انْتِظَارِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الصَّلَاةِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ مِنَ الْكَفَّارَاتِ وَكَثْرَةُ الْإِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكُمْ الرَّبَاطُ».

پناهگاهشان مسجد است و چون در آن مأوی می‌گیرند،^{۱۵۸}
عذاب و بلا از آنان به دور است.^{۱۵۹} وجودشان هم مانع عذاب
دیگران است.

آنان مسجد را بهتر از خانه و محل کار خود می‌دانند و
مسجد را مرتفع‌تر از خانه خود و نمای آن را بهتر از نمای
ساختمان‌های دیگر می‌سازند.

آنان به مسجد بیش از کاشانه خود دل می‌بندند و بهترین
اموال خود را در اختیار مسجد و مسجدیان قرار می‌دهند.

ورود به مسجد و اقامت در آن

از بهترین وعده‌ها و امتیازات و معجزات خداوند به پیامبر
ورود به مسجد است.^{۱۶۰}

۱۵۸. محاسن، ج ۱، ص ۱۶: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ۷: قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: «الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى
مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النَّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا».

۱۵۹. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۸۵: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: نُظِرَ إِلَى أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَصُرِفَ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ».

۱۶۰. سوره فتح، آیه ۲۷: لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ أَنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ.

مسجدیان از غیر مسجد فرار می کنند و در مسجد قرار می -
 گیرند؛^{۱۶۱} و همانند ماهی در آب شناور^{۱۶۲} و پرنده در هوا اوج
 می گیرند و در غیر مسجد چونان ماهی در خشکی و پرنده در
 قفس^{۱۶۳} مضطرب و بی قرارند؛ چرا که در مسجد در پناه خدا
 و بیمه اویند و از دشمنان درون و بیرون در امان هستند ولی
 در غیر مسجد هر لحظه بیمناک اند که طعمه گرگ هوا و
 هوس شوند و یا در ورطه خطا و اشتباه فروغلتند و یا در چاه
 بی انتهای غفلت و شک و تردید سقوط کنند.

به قصد زیارت خدا می روند .^{۱۶۴}

۱۶۱. محاسن، ج ۱، ص ۱۶: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ۷: قَالَ: قَالَ مُوسَىٰ بْنُ عِمْرَانَ: «الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَىٰ مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النَّسُورُ إِلَىٰ أَوْكَارِهَا».

۱۶۲. كشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۹۴: «الْمُؤْمِنُ فِي الْمَسْجِدِ كَالسَّمَكِ فِي الْمَاءِ وَالْمُنَافِقُ فِي الْمَسْجِدِ...».

۱۶۴. ثواب الاعمال، ص ۲۷: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: فَطُوبَىٰ لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ ذَارَنِي فِي بَيْتِي...»

به قصد خدمت و آبادانی به مسجد می‌روند^{۱۶۵} و خود را خادم مسجد می‌دانند و مادامی که در مسجد هستند، احساسی لطیف و شکوهمند دارند.

با مسجد انس و الفتی پایدار دارند^{۱۶۶} و همواره احترام خادم و امام مسجد را نگاه داشته، خود را بدهکار خادم و نه بستانکار او می‌دانند و با خادم در امور مسجد همکاری می‌کنند و از امام مسجد در اهداف و برنامه‌هایش پشتیبانی می‌کنند و از مسجد بهتر از جان و مال خود حفاظت و دفاع می‌کنند.

خدمت به مسجد را بهترین خدمت و افتخار، و اذان گفتن در بام آن را شرافت، و امامت مسجد را امانت و تکلیف می‌دانند.

۱۶۵. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۲: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ۷ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ ۷: أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسَاجِدَ وَيَأْخُذُ مِنْهَا الْقَدَى».

۱۶۶. معجم الوسيط، ج ۶، ص ۲۶۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: مَنْ أَلْفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهُ».

از تازه‌واردها استقبال و پذیرایی می‌کنند. با حضور خود در مسجد و با رفتار شایسته و پسندیده‌شان مانع وقوع منکرات می‌گردند و از بروز فتنه‌ها جلوگیری می‌کنند.

بهترین سیاحت و تفرج را در مسجد می‌دانند و نفس کشیدن و لحظه لحظه حضور در مسجد را فضیلت و ارزش می‌دانند.

امتیازات اجتماعی مسجدی‌ها

خداوند هر کس را که خودی بداند به خانه خود راه می‌دهد و چه امتیازی بالاتر از این که مردان مسجدی همراه انبیا و اولیا و زنان مسجدی همراه مریم و خدیجه‌ها باشند. حضور مستمر در مسجد نشانه سلامت در دین و امنیت در دنیا و آخرت است.

۱. مسجدی‌ها حافظ آبروی دیگران‌اند و نزد دیگران آبرو و احترام دارند.

۲. رابطه خود را با همه مخصوصاً با اهل مسجد حفظ و برای حضور دیگران در مسجد دعا می‌کنند.

۳. در اقتصاد و معیشت با همگان چه اغنیا و چه فقرا تعامل و همزیستی دارند؛ چرا که هر روز و شب در کنار هم به صف می ایستند.
۴. زندگی شیرین و مستحکم و خانواده گرمی دارند و همیشه آرام اند.
۵. فرزندان آنان کمتر طعمه مفسد اخلاقی می شوند؛ چون سعی می کنند آنها را مسجدی تربیت کنند و مسجد را آن گونه که هست به آنان بشناسانند.
۶. پست و مقام و ثروت نمی تواند آنان را مغرور و یا از مسجد جدا کند.
۷. مشکلات برای آنان فرصت است، نه تهدید.
۸. با همسایگان و وابستگان ارتباط خوبی دارند.
۹. حق شناس اند و حقوق همه مانند همسر، پدر، مادر، همسایه، دوست و... را ادا می کنند.
۱۰. در برابر دیگران خود را مسئول می دانند.

۱۱. از انتقاد و موعظه استقبال می‌کنند.

۱۲. حافظ انقلاب و دعاگوی نظام و حامی رهبری سالم و ستون کشورند.

سبک زندگی مسجدی‌ها

۱. خداوند به اهل مسجد و سبک زندگی ایشان نظر دارد.
۲. سبک زندگی مسجدی همه سبک‌های دیگر را ساماندهی و نوسازی می‌کند.
۳. سبک زندگی مسجدی، سبک‌های ظلم‌پذیر و مخدّر و بی‌رویه و بی‌سند را محو می‌کند و جای آن را با قدرت علم و عقلانیت پر می‌کند.
۴. سبک زندگی مسجدی حاکم و سابق بر همه سبک‌هاست و هیچ‌گونه چالش و آسیبی ندارد.
۵. همه سبک‌ها محرک می‌خواهد و سبک زندگی مسجد با رفع و دفع و مانع با پای خود جلو رفته و می‌رود.

۶. با سرعت و تجدد سبک‌ها، سبک زندگی مسجدی
بیشترین و عمیق‌ترین و عالم‌ترین و عاقل‌ترین‌ها را به
خود دعوت می‌کند.

۷. سبک مسجدی به قدری پرسرعت جلو می‌رود که
گویی اعجاز می‌کند.

۸. همه سبک‌ها در این دنیا خاتمه می‌یابد ولی سبک
زندگی مسجدی، سبک زندگی بهشتی و جهنمی را
تعریف کرده است.

۹. سبک زندگی مسجدی احدی را خارج نمی‌داند؛
بالاترین حاکم اسلامی را به چالش می‌کشد و
پایین‌ترین و کوچک‌ترین و مسن‌ترین افراد را به
همسویی فرا می‌خواند.

۱۰. مسجد آنقدر سبک خود را والا می‌داند که غیر خودش
را ضرار و نفاق و دوگانگی و غیر کامل و غیر تمام

می‌داند و زندگی مسجدی را حق و صدق و کامل و تمام می‌داند.

همسایگی مسجد(جارالله)

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.^{۱۶۷}

مسجد، حرم خداست و حریم و همسایگانی دارد.^{۱۶۸}

۱. مساجد چون خورشید اطراف خود را روشن و نورانی

می‌کنند^{۱۶۹} و همسایه مسجد، «جارالله» است و نعمت

همسایگی مسجد از بالاترین نعمات است.

^{۱۶۷} . سوره اسراء، آیه ۱.

^{۱۶۸} . محدوده همسایگی مسجد تا شعاع چهل ذراع و یا چهل خانه است و امیرالمؤمنین ۷ شنیدن اذان مسجد (مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ) را ملاک قرار داده‌اند و معلوم است که اذان بدون بلندگو معیار است که برخی اوقات تا آخر شهرهای متوسط می‌رسد؛ گرچه امروزه عبور از عرض بلوارها مشکل است و با اینکه صدا می‌رسد، راهی به مسجد نیست که باید این مشکل را با ساخت یل یا تونل برطرف کرد و البته گاهی ساخت مسجد از ساختن یل و تونل ارزان‌تر و بهتر است.

^{۱۶۹} . محاسن، ج ۱، ص ۴۷: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».

۲. اگر انسان قدرت راه رفتن دارد، خانه و محل کار خود را دور از مسجد انتخاب کند^{۱۷۰} تا مسیر بیشتری را ببیماید و ثواب بیشتری ببرد^{۱۷۱} و اگر قدرت پیاده‌روی یا وقت آن را ندارد و وسیله نقلیه‌ای هم ندارد، خانه و محل کار خود را نزدیک به مسجد انتخاب کند تا از فیض حضور در مسجد محروم نماند.

۳. خانه‌ای که دور از مسجد است و صدای اذان مسجد به آن نمی‌رسد، شوم و نامبارک است^{۱۷۲} و برتری خانه نزدیک به مسجد بر خانه دور از مسجد، همانند برتری مجاهد نستوه بر خانه‌نشین و امانده از جهاد است.^{۱۷۳}

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲. بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۸۸. «عَنِ النَّبِيِّ ۶: وَإِذَا كَانَتِ الدَّارُ بَعِيدَةً عَنِ الْمَسْجِدِ لَا يُسْمَعُ فِيهَا الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ فِيهَا مَشُومَةٌ وَإِذَا كُنَّ بَعِيرٍ هَذَا الْوَصْفُ فَهِنَّ مُبَارَكَاتٌ».

۱۷۳. مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۸۷: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: فَضْلُ الدَّارِ الْقَرِيبَةِ إِلَى الْمَسْجِدِ كَفَضْلِ الْغَازِي عَلَى

القَاعِدِ».

۴. ای کاش در تمامی شهرها و روستاهای ما مساجد به قدری نزدیک به هم بود که همه مردم از همسایگی مسجد برخوردار بودند!^{۱۷۴}

انتخاب همسایگی مسجد

۱. در خرید و ساخت مسکن و تعیین محل کسب و کار، نخست دسترسی به مسجد را بررسی و سعی کنیم گزینه‌ای را برگزینیم که بتوانیم روزی چند بار به آسانی به مسجد برویم.

۲. چه خوب و زیباست که اگر منازل ما از مسجد دور است، با همکاری سایر همسایگان، در نزدیکی خود مسجدی هر چند کوچک بسازیم تا هم از نعمت

۱۷۴. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۰، ح ۴۷: وقتی از امیرالمؤمنین ۷ سؤال شد تا کجا همسایه مسجدند،

فرمود: «مَنْ سَمِعَ الدَّاءَ؛ کسی که صدای اذان مسجدی را بشنود».

همسایگی مسجد و خدمت به آن بهره‌مند شویم و هم حضور بهتر و بیشتری در آن داشته باشیم.^{۱۷۵}

۳. شاید برخی از دست‌اندرکاران و اهل مسجد، خواسته یا ناخواسته، برای همسایه‌های مسجد مزاحمت‌هایی داشته باشند که بهتر است:

الف) گذشته‌ها را نادیده بگیریم.

ب) از راه‌های مناسب از میزان مزاحمت‌ها بکاهیم و از ادامه و استمرار آنها جلوگیری کنیم.

ج) برکات و زیبایی‌های همسایگی مسجد ارزش آن را دارد که ما همه آن مزاحمت‌ها را تحمل کنیم.^{۱۷۶}

آداب همسایگی

خوب است همسایگان مسجد:

۱۷۵. طوایف مدینه کنار خانه‌های خود مساجدی می‌ساختند و پیامبر ۶ افتتاح می‌فرمود تا از نعمت همسایگی مسجد برخوردار گردند و بدان افتخار می‌کردند.

۱۷۶. مگر نه این است که انسان به هنگام چیدن گل، آزار خاره‌های اطراف آن را به جان می‌خرد.

۱. حرمت مسجد را داشته باشند.
۲. در خدمات مسجد پیشقدم باشند.
۳. مهمانان خدا را مهمان خود بدانند.
۴. حضورشان بهتر از دیگران باشد.
۵. ورودی‌های اطراف مسجد را مرتب و تمیز نگه‌دارند.



۶. در غیر مسجد نماز واجب نخوانند.^{۱۷۷}
۷. هنگام اذان از مسجد کنار خود عبور نکنند و به مساجد دیگر نروند.^{۱۷۸}

^{۱۷۷}. بحار الأنوار، ج ۸۰، باب ۸، ص ۳۷۹، ح ۴۷: دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، رُوَيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ

عَنْ عَلِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ.

۸. مغازه‌داران اطراف مسجد حرمت اهل مسجد را داشته باشند و آنان را با دیگران یکی ندانند.

۹. همسایگان - چه مغازه‌داران و چه منازل مسکونی و امثالهم - خود را همسایه خدا بدانند و از کنار مسجد بودن لذت برده و شاکر خدا باشند که مسجد در دسترس آنان است و بهتر و بیشتر از دیگران قدر مسجد را بدانند.

۱۰. بهتر است همسایگان مسجد اگر مغازه‌دار یا اداره‌ای هستند وقت اقامه جماعت مغازه یا اداره را به احترام مسجد تعطیل کنند و با بقیه مغازه‌داران و اداره‌ای‌ها که همسایه مسجد نیستند فرق داشته باشند.

فصل پنجم : فیض حضور در مسجد

قال الصادق علیه السلام: من اتاها متطهّراً طهّره الله من ذنوبه
و کتب من زواّره.

وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۷

هر کس با وضو و طهارت به مساجد وارد شود خداوند او را
از گناهانش پاک می‌کند و نامش را در زمره زائران خود به
ثبت می‌رساند.

خادم و خدمت به مسجد

هر کاری که مسجد را آباد و بهره‌وری به مسجد را زیاد کند خدمت است.

خدمت به مسجد بهترین خدمت به خلق و خالق و بهترین مخلوقات است.

خدمت به مسجد بهترین عبادت است.

خدمت به مسجد آبرو دادن به اهل مسجد و جامعه است.

خدمت به مسجد خدمت به همه خوبی‌هاست.

پیامبران مفتخر به خدمت مسجدند.

خدمت به مسجد علامت محبت خداست.^{۱۷۹}

خدمت به مسجد علامت حکومت صالحان است و بی‌رغبتی

به مسجد تخریب مسجد و فساد حکومت و حاکمان است.

^{۱۷۹}. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳: «قال رسول الله ۶: إن الله إذا أحب عبداً جعله قیماً مسجدٍ».

بهترین کار در معبد و مسجد غبارروبی و عطرافشانی است.

خدمت به مسجد وظیفه عموم است نه گروه خاصی.^{۱۸۰}

در فرهنگ اسلامی خدمت به مسجد به همه افراد - چه زن و چه مرد، و چه کوچک و چه بزرگ - مربوط است لذا همه به طور مساوات باید به این مهم بپردازند و هر کس باید یا خودش یا فامیلش یا اجیرش خادم شوند تا امتیازاتی مخصوص شخصی یا فامیلی خاص نگردد چون تاریخ نشان می‌دهد بعضی سعی می‌کرده‌اند خود را صاحب امتیاز و صاحب منصب بدانند^{۱۸۱} یا امروزه برخی خادم‌الحرمین یا کلیدداری را در انحصار خود می‌دانند. قرآن با این فکر و اندیشه مبارزه

^{۱۸۰}. تطهیر مسجد واجب فوری است و بر عهده همه حاضران و مطلعان است و تا تطهیر نشود نماز همه

اشکال دارد مگر این که با یک یا چند نفر این کار را انجام دهند.

^{۱۸۱}. سوره توبه، آیه ۱۹: أَجْعَلْتُمْ سِفَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ.

کرده^{۱۸۲} تا کسی به ذهنش نیاید که مسجد تولیت و متولی دارد؛ چرا که این مقامی است مخصوص انبیا و اولیا و بقیه همه یکسان هستند.

نباید خدمت به مسجد کم ارزش تلقی شود بلکه همگان باید همدیگر را مسئول بدانند نه این که فقط امر و نهی کنند و بهره‌ور باشند و بدانند که بهره‌ور اصلی، خادم است. لذا وظیفه همه مردم است که به دست خود به مسجد خدمت کنند و یا خادم را وکیل و نایب خود - و نه اجیر - بدانند و احترام خادم را داشته و او را بر خود مقدم بدانند.^{۱۸۳}

^{۱۸۲} . با تعابیر مختلف مثل سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ (سوره حج، آیه ۲۵) یا وُضِعَ لِلنَّاسِ (سوره آل عمران، آیه ۹۶) یا قِيَامًا لِلنَّاسِ (سوره مائده، آیه ۹۷) یا هُدًى لِّلْعَالَمِينَ (سوره آل عمران، آیه ۹۶).

^{۱۸۳} . نذر خدمت به مسجد در قرآن به عنوان الْكُوْطَرِ مَطْرَحِ شده آنجا که مادر مریم نذر می‌کند مولود خود را خادم کند (رَبِّ اِنِّی نَذَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا مَّقْبَلٌ مِّنِّی) وقتی مولود، دختر می‌شود و معمولاً مردها خادم می‌شوند (و لَیْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰی) خداوند می‌فرماید: زن هم می‌تواند خادم باشد (فَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ)؛ مراجعه کنید به آیات ۳۵ تا ۳۷ سوره آل عمران.

بی‌جهت نیست که خدمت به مسجد موضوعیت دارد نه
طریقیّت یعنی مثلاً جاروکشی و بلکه غبارروبی و عطرافشانی
ثواب دارد اگر چه مسجد، تمیز و معطر باشد مثل حرم‌های
مطهر و ضریح‌ها که در روز هزاران مرتبه مردم دست می‌مالند
تا غباری نداشته باشد.

علاوه بر آنچه که گفتیم در معارف دینی خدمت به اهل
مسجد، خدمت به مسجد است چه آوردن مردم به مسجد و چه
پذیرایی و چه احترام به دیگران و یا حتی نگهداری از وسائل
نمازگزاران و کفشداری و مؤذن بودن و امثال آن. لذا مساجد و
معابد، منصب‌هایی داشته‌اند مثل: فراش، سراج، مؤذن، نگهبان،
کفشدار، کلیددار، ساقی، و شب‌خواب.

انواع خدمت

۱. ساخت مسجد^{۱۸۴}
۲. نظافت؛ بهشت و حوریان مشتاق جاروکش مساجدند.^{۱۸۵}
۳. نور و شمع و نورافشانی
۴. فرش^{۱۸۶}.

شعور مسجد

با توجه به این که مسجد گاهی مانند مادری که بچه گمشده‌اش بعد از سال‌ها پیدا شده خوشحال می‌شود^{۱۸۷} و

^{۱۸۴} . وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۸، ص ۲۰۴، ح ۶۳۳۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَغْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْبَرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَيَاقُوتٍ وَزُمُرٍ وَذَبَرَجَدٍ وَلَوْلُو الْحَدِيثِ وَفِيهِ نَوَابٍ جَزِيلٌ.

^{۱۸۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۲۴، ص ۳۸۴، ح ۱: زَيْدُ النَّرْسِيُّ فِي أَصْلِهِ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَيَّ مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى.

^{۱۸۶} . كنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۶: عَنِ النَّبِيِّ: مَنْ بَسَطَ فِيهِ حَصِيرًا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ ذَلِكَ الْحَصِيرُ.

گاهی مانند شتر بچه‌ای که مادر خود را گم کرده افسرده می‌شود و ناله می‌کند و از حضور منافق دلگیر و از توهین دلزده می‌شود^{۱۸۸} و با توجه به این که مسجد در آخرت شهادت می‌دهد و از حقوق تضییع شده‌اش نزد خداوند شکایت می‌کند، معلوم می‌شود مسجد حیات معنوی دارد.^{۱۸۹}

بنابر این هرچه باعث تکریم و تعظیم و احترام و وقار باشد پسندیده و هرچه باعث تخریب، تحریف، منع، و توهین باشد ناپسند است.

^{۱۸۷} . وقتی مؤمنی وارد آن می‌شود.

^{۱۸۸} . و ما مأمور به تعظیم مساجدیم (أمرنا بتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ) و ملعون است کسی که توقیر نکند چه رسد به اینکه توهین و تحقیر کند؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۴۱، ص ۲۸۰، ح ۲۱۵۵۵: عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ فِي حَدِيثٍ: يَا يُونُسُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ.

^{۱۸۹} . حیات معنوی مسجد از اثر الرسول (طبق آیه قرآن.....) و اثر ریختن خون پیامبر و وصی او در آن مکان است و در اماکن دیگر چنین مطلبی را نداریم.

تعظیم و بزرگداشت مسجد

الف) اهمیت تعظیم

در قرآن همواره از مسجد به عظمت یاد شده است^{۱۹۰} و ما مأمور و مکلف به تعظیم و بزرگداشت آن هستیم.

مسجد به قدری محترم است که ائمه فرمودند: ما مأمور به تعظیم مساجدیم و در روایات کسی که مسجد را احترام نکند مورد لعن و سرزنش قرار گرفته است^{۱۹۱} و از ما خواسته شده از اشعار و ضرب المثلهایی که چهره مسجد را مخدوش می- کند استفاده نکنیم.^{۱۹۲}

مؤمنین بلکه عموم مردم موظفاند احترام مسجد را پاس بدارند و حق آن را به شایستگی ادا کنند و بدانند که مسجد خانه خدا روی زمین است و احترام آن نشانه تعظیم خداوند

۱۹۰. مسجد در قرآن یا با کلمه «عند» آمده و یا اضافه به «الله» شده است که دارای تعظیم است.

۱۹۱. چه رسد به کسی که به مسجد توهین کند.

۱۹۲.

بزرگ است. پس باید از هر گونه آلودگی آن را پاک کنیم و کم‌ترین کم‌احترامی و توهین به آن صورت نگیرد. اهل مسجد نیز نباید مورد تعرض و بی‌احترامی قرار گیرند و نباید از آنان بدگویی کرد.^{۱۹۳} هیچ‌کس حق ندارد به خادم و امام جماعت مسجد به چشم تحقیر و توهین نگاه کند^{۱۹۴}، بلکه همه باید در خدمت و همیار آنان باشیم.

ب) نحوه تعظیم

۱. اهمیت و جایگاه مسجد را آن گونه که هست، بشناسیم.^{۱۹۵}

۱۹۳. ما مأموریم هر خیری را به اهل مسجد نسبت دهیم و "اهل مسجد" بودن یعنی "اهل الله" بودن و در پذیرش‌ها و گزینش‌ها اهل مسجد بودن ملاک است و ما مأموریم کسی را که با مسجد رابطه ندارد، طرد کنیم و هیچ‌گونه حمایتی از او نکنیم و غیبت کردن از وی جایز است در حالی که غیبت اهل مسجد - هر چند خلافکار باشند - جایز نیست چه رسد به کارگزاران مسجد - چه خادم و چه امام مسجد - .

۱۹۴. چون تحقیر هر کدام تخریب مسجد است.

۱۹۵. محاسن، ج ۱، ص ۵۴: «عَنْ عَلِيٍّ ۷ قَالَ: مَنْ وَقَرَ مَسْجِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ».

۲. از هر گونه عمل یا گفته‌ای که نوعی بی‌احترامی به مسجد به شمار می‌آید، پرهیزیم تا مورد لعن الهی قرار نگیریم.^{۱۹۶}



۳. نام مسجد را با بی‌توجهی یا بی‌احترامی به زبان نیاوریم.^{۱۹۷}

۴. تطهیر مسجد از نجاست و آلودگی را در اولویت قرار دهیم.^{۱۹۸}

۱۹۶. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۵: «قَالَ الصَّادِقُ ۷: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ».

۱۹۷. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۸: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷: وَلَا يُسَمَّى الْمَسْجِدُ مُسَاجِدًا». و الجعفریات (الاشعنیات)، ص ۲۴۱، «وَلَا الْمَسْجِدُ مُسَاجِدًا». به مسجد، مسجدک نگویند.

^{۱۹۸}. چرا که واجب عینی و فوری است.

۵. بکوشیم به مسجد رونق دهیم و آن را از غربت به درآوریم و بدانیم که بی‌توجهی به آن یا روگردانی از آن مصداق تخریب مسجد و باعث تزلزل و تفرقه و پراکندگی جامعه است.

۶. اگر کمبود و کاستی دیدیم، بدون اظهار آن خودمان آن را برطرف کنیم و در این باره خادم و مسئولان را مکلف ندانیم.



۷. گفتار و حرکات که از احترام مسجد و اهل آن را تخریب مسجد است.

۸. مسجد قداست خاصی دارد. نگذاریم قداست آن خدشه- دار شود.^{۱۹۹}

^{۱۹۹} . چون همه پیامبران و ائمه خود را خادم مسجد می‌دانسته و برای مسجد احترام خاصی قائل بودند.

۹. از تکدی‌گری و پخش قبض جمع‌آوری کمک و دوره-گردی - مخصوصاً در بین صفوف نماز - پرهیزیم که توهین و تحقیر مسجد است.^{۲۰۰} شاید یکی از دلایل ساده بودن مسجد این باشد که مسجد محتاج تجهیزات و ساخت و سازهای آنچنانی نباشد تا نیاز به جمع‌آوری کمک باشیم.^{۲۰۱}

۱۰. به نظافت، پاکیزگی و غبارروبی آن اهمیت دهیم.

۱۱. از پیدایش هر گونه بدعت، منکر و خرافه‌ای در ساخت و تجهیز مسجد و نیز از رخنه و نفوذ بدعت‌ها، منکرات و خرافات در فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد جلوگیری کنیم.



^{۲۰۰}. آیا ما حاضریم برای خودمان در بین صفوف بگردند و برایمان پول جمع‌آوری کنند.

^{۲۰۱}. چه رسد به این‌که بعضی به اسم مسجد، گدایی می‌کنند و با آن پول، در کنار مسجد، کانون و کتابخانه

می‌سازند.

۱۲. فضای مسجد را آرام نگه داریم و از ایجاد آلودگی‌های

صوتی بپرهیزیم.



۱۳. از ایجاد هر گونه مزاحمتی بپرهیزیم و بدانیم که محیط

قدسی مسجد برای سکوت، فکر، نماز، ذکر و عبادت است.

۱۴. با گفتار و کردار مردم را از حضور در مسجد دلسرد و

دلزده نکنیم که بدترین ظلم و در حقیقت تخریب مسجد

است. ۲۰۲

۲۰۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ

مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

۱۵. مکانی را مقدس تر و بالاتر از مسجد و حتی هم ردیف آن ندانیم؛ هر چند آن مکان، نامی مقدس داشته و یا نزد برخی مقدس باشد.



۱۶. مکانی را بهتر و بلندتر از مسجد نسازیم؛ هر چند به نام ائمه معصوم یا انبیا و اولیا باشد.

۱۷. هر کس اهل مسجد است و به مسجد رفت و آمد می- کند شهادت به خوبی او بدهیم.^{۲۰۳}

۱۸. از مسجد و مسجدی‌ها دفاع کنیم و نگذاریم کسی یا کسانی آن‌ها را توهین یا تحقیر و سرزنش کنند.

اهمیت حضور در مسجد

رفتن به مسجد از ارزش‌هایی است که پیامبر و ائمه اطهار آن را احیا کرده و آن را ملاک همه خوبی‌ها قرار داده‌اند آنجا که نماز را اولین سؤال در قیامت دانسته و قبولی آن را دلیل بر قبولی همه اعمال و رفتارها قرار داده‌اند.^{۲۰۴}

آن قدر حضور در مسجد فضایل و نرفتن به مسجد عواقب دارد که عذری برای مؤمنین باقی نمی‌گذارد.^{۲۰۵} وقتی نایبایی به دلیل دوری مسجد و صعب‌العبور بودن و ناهمواری مسیر، وجود حیوانات وحشی و نبود همراه و کمک‌کننده برای پیامبر عذر آورد که به مسجد نیاید، آن حضرت این عذرها را نپذیرفت و به او فرمود: از خانه تا مسجد طناب بکش و به کمک آن خود را به مسجد برسان. آن حضرت در بیان دیگری

^{۲۰۴} . نماز در غیر مسجد قابل رؤیت نیست تا آن را ارزش بدانیم ولی رفتن به مسجد قابل لمس و دیدن است

و می‌شود آن را به حساب نماز و دلیل بر اقامه نماز شمرد.

فرموده‌اند: اگر فضیلت مسجد را می‌دانستید، چهار دست و پا یا همانند بردگان روی پا می‌جستید و یا مثل کودکان نشسته خود را به زمین می‌کشیدید تا به مسجد برسید. پیامبر نه در سرمای شدید و نه در گرمایی که گاه هنگام سجده پیشانی نمازگزاران می‌سوخت، به آنان اجازه عدم حضور نداد و خود ائمه اطهار ۷ نیز همین‌گونه بوده‌اند^{۲۰۶} و حتی در مسافرت که بعضی از نمازها نصف می‌شود، از ارزش حضور در مسجد کاسته نمی‌شود.^{۲۰۷}

اهتمام به رفتن به مسجد

یکی از اصحاب پیامبر روزی به مسجد نرسید. به پیامبر گفت: اگر درهمی در راه خدا بدهم جبران می‌شود؟ حضرت

۲۰۶. و این در حالی بوده است که ائمه اطهار ۷ در مساجد الگو نبوده‌اند و امت مسجد با دیگران بوده است اما امروزه که نظام اسلامی و تشیع با رفتن به مسجد ظهور و بروز دارد رفتن به مسجد اولویت بیش‌تری دارد.

۲۰۷. این موارد نیز عذر مُوجَّه از حضور در مسجد نیست: ۱. نبود همراه ۲. پیری ۳. تقص عضو ۴. عدم برگزاری نماز جماعت ۵. عادل نبودن امام جماعت ۶. عدم رضایت از کارگزاران مسجد ۷. خسوف و کسوف و حوادث غیر مترقبه.

فرمود: خیر. گفت: اگر بنده‌ای در راه خدا آزاد کنم جبران می‌شود؟ فرمود: خیر. پیامبر فرمود: اگر به اندازه کوه ابوقبیس درهم بدهی جبران نمی‌شود.

چه خوب است ماها نذر کنیم هر وقت به مسجد نرسیدیم هدیه‌ای به مسجد بدهیم تا هم ملزم به مسجد رفتن بشویم و هم اگر موفق به رفتن نشدیم هدیه ما به مسجد آن را جبران کند.

در رابطه با اهتمام به رفتن به مسجد تعابیر و رفتارهایی آمده که ما را شگفت زده می‌کند:

۱. ابن مسعود از یکی نقل می‌کند که ده‌ها سال اذان را در غیر مسجد نشنیده‌ام یعنی هر وقت اذان گفته می‌شده قبل از آن در مسجد حضور داشته است.

۲. بعضی ۷۰ سال در غیر مسجد نماز نخوانده‌اند.

۳. در رابطه با امام سجاد آمده است که ایشان از اولین نفراتی بوده که در مسجد حضور پیدا می‌کرده است.

۴. در احوالات آیه‌الله العظمی گلپایگانی (ره) آمده است که ایشان سال‌ها امامت مسجدی را داشته‌اند که احياناً یک نفر مأموم داشته است.^{۲۰۸}

۵. مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) نزدیک به پنج سال در مسجد بالاسر تنهایی اقامه صبح داشته است.

۶. کسی که تولیت اذان مسجدی را چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال به عهده بگیرد....

۷. کسی که چهل روز چراغ مسجدی را روشن کند.....
با بررسی تاریخ قهراً به نکات بیش‌تری برخورد خواهیم کرد که برای ما بهترین الگو و سرمشق خواهد بود.

وجوب حضور در مسجد

این افراد واجب است به مسجد بروند:

۲۰۸. به نقل از فرزند ایشان.

۱. کسی که نرفتنش سبب غریب ماندن مسجد و حضورش سبب آبادی آن است.
۲. کسی که رفتنش به گونه‌ای امر به معروف یا نهی از منکر محسوب می‌شود.
۳. کسی که در غیر مسجد جایی برای خواندن نماز به جز مکان غصبی ندارد.
۴. کسی که نرفتنش موجب مفسده‌ای است (مثلاً مورد اتهام قرار می‌گیرد)
۵. کسی که نذر کرده در مسجد نماز بخواند.
۶. کسی که پدر یا مادرش به او دستور داده‌اند نمازش را در مسجد بخواند.
۷. کسی که برای رفتن به مسجد اجرت گرفته است.
۸. خادم یا امامی که متعهد شده به مسجد برود و یا عادتاً مردم منتظر او هستند.

۹. کسی که نرفتیش به مسجد مانع رفتن دیگری به مسجد می‌شود(مانند مهمان و میزبانی که اگر یکی به مسجد نرود دیگری نیز نمی‌رود)

معاف شوندگان از حضور در مسجد

۱. کسی که بیماری مُسری دارد و احتمال می‌رود دیگران نیز بدان مبتلا شوند.

۲. کسی که مرضی مُشمئزکننده دارد.

۳. کسی که بوی بد دهان^{۲۰۹} و بدنش نمازگزاران را می‌آزارد و مسجد را متعفن می‌کند.

۴. کسی که حضورش در مسجد مفسده‌آور است.

۵. کسی که عذری همچون جنابت یا حیض دارد.^{۲۱۰}

۲۰۹. خوردن سیر و غذاهای بدبو برای معاف شدن از حضور در مسجد از نظر فقهای شیعه، مکروه و از نظر فقهای اهل سنت، حرام است.

۲۱۰. البته این دو گروه می‌توانند عبوراً از مسجد زیارت کنند غیر از مساجد خاص.

۶. کسی که لباسش نجس است و نجاستش به مسجد سرایت می‌کند و یا آلودگی‌اش به نجاست به گونه‌ای است که موجب توهین به آن می‌شود.

۷. کسی که حضورش در مسجد، تخریب است نه عمران.

عذرهای ناموجه

این موارد عذر مُوجّه از حضور در مسجد نیست:

۱. نبود همراه

۲. پیری

۳. نقص عضو

۴. عدم برگزاری نماز جماعت

۵. عادل نبودن امام جماعت

۶. عدم رضایت از کارگزاران مسجد

۷. خسوف و کسوف و حوادث غیر مترقبه.

نیت الهی برای رفتن به مسجد

قصد ما از رفتن به مسجد باید خدایی باشد و با وسوسه‌ها و دخالت‌های شیطانی مبارزه کنیم و البته پاکسازی نیت نباید وقفه‌ای در رفتن ما ایجاد کند که خود این وقفه یکی از آن حیل‌های شیطانی است.

اهل بیت عصمت و طهارت که در اوج قداست و پاکی نیت هستند، جهت‌گیری نیت‌ها را چنین مشخص کرده‌اند:

۱. زیارت خدا و کسب رضایت و خشنودی وی.^{۲۱۱}

۲. اجابت دعوت خدا که با اذان به همگان ابلاغ می‌شود.^{۲۱۲}

۳. اطاعت از پیامبر و پیروی از رهنمودهای ائمه

۲۱۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۰۲: «قَالَ الْحَسَنُ ۷: أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُوَّارُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَيَّ الْمَرْوَرِ التُّحْفَةُ لِزَائِرِهِ».

۲۱۲. فیض کاشانی، وافی، ج ۲۶، ص ۱۹۵. «قَالَ النَّبِيُّ ۶: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ نَوَابَهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ».

۴. عمران مسجد
۵. اقامه نماز و تلاوت کتاب
۶. خدمت به مسجد
۷. تعهد و التزام به اسلام و ولایت
۸. حضور در پادگان امام زمان و تجدید عهد و بیعت با آن حضرت
۹. زیارت علما و برادران دینی
۱۰. نجات از سردرگمی
۱۱. مشاوره و تصمیم‌سازی
۱۲. فراگیری قرآن، نماز و علوم دینی.^{۲۱۳}
۱۳. عملی کردن فرامین قرآن و به روز کردن علوم دینی.
۱۴. کسب بهشت و فرار از جهنم.^{۲۱۴}

۲۱۳. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۹: «كَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷: مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِخْدَى التَّمَانِ اَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللّٰهِ اَوْ عَلِمًا مُسْتَطْرَفًا اَوْ اَيَّةَ مُحْكَمَةٍ اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً اَوْ كَلِمَةً تَرَدُّعُهُ عَنْ رَدَى اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلٰى هُدٰى اَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً اَوْ حَيَاةً».



۱۵. تحصیل خلوص و دوری از نفاق و دورویی. ۲۱۵

۱۶. جهاد فرهنگی در راه خدا. ۲۱۶



۱۷. کسب ثواب و درک فضایل.

۱۸. دفع غم و اندوه و بهره‌مندی از نشاط و شادابی.

۲۱۴. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۶: «قال رسول الله ۶: يُؤمَرُ بِرِجَالٍ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَالِكٍ: قُلْ لِلنَّارِ: لَا تُحْرِقْ لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ».

۲۱۵. كنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۰: «قال رسول الله ۶: ... وَالْإِجْتِنَابُ عَنْهَا (عَنِ الْمَسْجِدِ) نِفَاقٌ».

۲۱۶. كنز العمال، ج ۶، ص ۵۶۹: «مَنْ لَمْ يَرِغْدُوهُ وَرَوَّاحَهُ إِلَى الْمَسَاجِدِ مِنَ الْجِهَادِ، فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ».

۱۹. فرار از شک و تردید و سهو و فراموشی و غفلت و

بی‌خبری.^{۲۱۷}

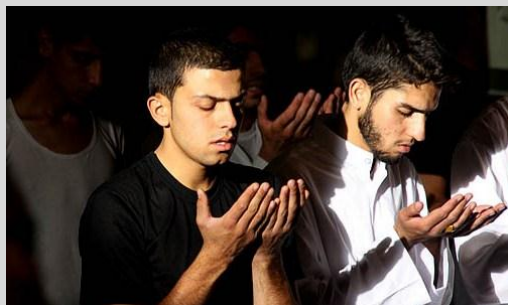
۲۰. جلوگیری از افراط و تفریط و متعادل شدن فکر و ذکر

و عمل.

۲۱. شناخت عمیق و دقیق افراد و اشیاء و انتخاب بهترها.

۲۲. نظم و انضباط در خواب و خوراک و کار.

۲۳. پیدا کردن دوستان خدایی.^{۲۱۸}



۲۴. ترساندن دشمنان اسلام.^{۲۱۹}

۲۱۷. نهج السَّعَادَةِ، ج ۱، ص ۵۵۱: «وَفِي أَجْوِبَةِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ۷ حِينَ سَأَلَهُ أَبُوهُ عَنِ أَشْيَاءٍ مِنَ الْمَرْوَةِ، فَقَالَ لَهُ: مَا الْفَلَّةُ؟ قَالَ: تَرَكْتُكَ الْمَسْجِدَ».

۲۱۸. تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۲۴۹. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷: مَنْ اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى التَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ».

۲۱۹. همان.

۲۵. بهره‌مندی از غفران و بخشش الهی.

۲۶. دوری از جهنم. ۲۲۰

۲۷. جلب رزق و روزی.



۲۸. احیای خود و جامعه.

۲۹. نیابت از دیگران.



۲۲۰. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۹۶، ح ۲۱: «قال رسول الله ﷺ: يُؤْمَرُ بِرِجَالٍ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَالِكٍ: قُلْ لِلنَّارِ: لَا تُحْرِقْ لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ...».

۳۰. اطاعت و عبادت.

۳۱. آسایش و آرامش و استراحت روح و روان.

۳۲. برخورداری از دعای مستجاب.

۳۳. جذب رحمت الهی.^{۲۲۱}



۳۴. کسب توفیق در همه زمینه‌های خداپسند.^{۲۲۲}

۳۵. تطهیر نفس، پاک شدن و خداگونه شدن.^{۲۲۳}

۳۶. رسیدن به صف اول نماز^{۲۲۴}

۲۲۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۰: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الإِخْتِلَافُ إِلَى الْمَسَاجِدِ رَحْمَةٌ».

۲۲۲. سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۱۱۵: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ لِمَنْعَةٍ فَهُوَ حَظُّهُ».

۲۲۳. سوره توبه، آیه ۱۰۸: (فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ)

نیات ناپسند

به این نیات به مسجد نرویم:

۱. خوردن و آشامیدن

۲. خوابیدن

۳. فخرفروشی

نیابت مسجد

از فضایی که مورد غفلت واقع شده است، نیابت در زیارت مسجد است که در بقیه زیارات مطرح است و گرفتن یا دادن اجرت برای این عمل برکات زیادی دارد، چنان که بهترین نذر نذر رفتن به مسجد است،^{۲۲۵} خصوصاً مداومت بر آن؛ مثل چهل روز و چهل هفته و چهل سال.

همچنین می‌توانیم نذر کنیم هر روز که به مسجد نرفتیم مبلغی به عنوان نذر به مسجد بدهیم تا توفیق اجباری برایمان

۲۲۵. همچنین نذر غبارروبی و خدمت به مسجد. یکی از نذرهایی که در قرآن آمده، همین است: (إِذْ قَالَتِ

امْرَأَتُ عِمْرَانَ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) سوره آل عمران، آیه ۳۵.

پیش آید به خاطر منافع اندک دنیوی، سرمایه بزرگی را از دست ندهیم.

رفتن به مساجد شیعه و سنی

رفتن به مساجد شیعه و سنی رمز وحدت است:

شیعه و سنی اختلافات زیادی در همه معارف و عقاید و رفتارها - حتی در صفات باری تعالی و قرآن - دارند چه رسد به پیامبر رحمت که به دلیل مقبولیت آن حضرت انتظار می‌رفت بین مذاهب، وحدت می‌داشتیم اما در مورد مسجد هیچ‌گونه اختلافی بین شیعه و سنی وجود ندارد؛ چه در معارف، چه در فضایل حضور و چه حتی در ساخت و ساز.

هیچ یک از مذاهب اسلامی درباره مسجد - که مفاهیم زیادی دارد - با یکدیگر فرقی ندارند و نکته‌ای که ما شیعیان در باره مسجد داشته باشیم و علمای اهل سنت نداشته باشند وجود ندارد. با این همه چند مقدمه را نباید مورد غفلت قرار داد:

۱. در شرایطی ائمه اطهار فضایل حضور در مسجد را مطرح کرده‌اند که ائمه ما امام مسجد نبوده‌اند و سبّ امیرالمؤمنین نیز در مساجد رواج داشته است.
۲. ما معتقدیم خانه و مقبره و مشهد ائمه، مسجد است و احکام مسجد را دارد.
۳. حضور ائمه در مساجد معمول بوده و جایی نداریم که ائمه از حضور در مساجد عذری آورده باشند.
۴. حضور در مساجد شیعه و نماز در آنها هیچ‌گونه برتری بر مساجد اهل سنت ندارد.
۵. بیان آداب و فضایل حضور در مسجد - هم در کیفیت و هم در کمیت - از سوی اهل بیت بیش از بیان آداب و فضایل از سوی اهل سنت است.
۶. دوگونه مسجد داشتن، در تاریخ، سابقه ندارد و تجربه موفقی هم نبوده است.

۷. نه اهل سنت حق دارند ما را از مسجد منع کنند و نه ما حق داریم مانع آنان بشویم.

۸. اعمال ما با آنان در مسجد با هم فرقی ندارد.

۹. سفارش ائمه هدی (ع) در حضور در مساجد آنان در حدّ اقتدا به پیامبر (ص) تلقی شده است.

۱۰. در کیفیت حضور، سفارش شده است که در صف اول نماز جماعت اهل سنت قرار بگیریم.

۱۱. بعضی از افراتیون اهل سنت ما را تارک نماز و مسجد می‌دانند.

۱۲. نظر مراجع موجود - حفظهم الله - و دستورات آنان در رساله‌های عملیه بسیار قوی و مستدل است.

با این مقدمات دوگونه مسجد داشتن به صلاح ما و آنها نیست و بهتر است ما در مساجد آنان و آنان در مساجد ما حضور پیدا کنند تا سفارش امام صادق (ع) لباس عمل پیوشد

که " کُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا"^{۲۲۶} و " اختبروا شيعتنا بمواقيت الصلوة"^{۲۲۷} و يا كارى كنيد كه آنها بگويند: "رحم الله جعفرأ..."^{۲۲۸}.

وقت رفتن به مسجد

۱. همیشه با مسجد ارتباط داشته باشیم؛^{۲۲۹} چرا که سه روز پی در پی به مسجد رفتن بی‌اعتنایی به مسجد و خداست

^{۲۲۶} . وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱، ص ۸، ح ۱۵۵۰۲: عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَلْقَمَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ أَوْصِنِي فَقَالَ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْعِبَادَةِ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ فِيهِذَا جَاءَنَا مُحَمَّدٌ ۶ صَلُّوا فِي عَشَائِرِكُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاكُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَكُمْ وَ كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا حَبِيبُونَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَبْغُضُونَا إِلَيْهِمْ فَجُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرِّ الْحَدِيثِ.

۲۲۷

^{۲۲۸} . وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۷۵، ص ۴۳۰، ح ۱۱۰۹۲: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَ الْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَوْلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَوْلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ.

و پیامدهای خوبی ندارد^{۲۳۰}؛ چنان‌که هر روز، آن هم سه وعده رفتن، دلیل بر نظم، اعتدال، سعادت و بیمه بودن فکر و روان است.

۲. با حضور پررنگ خود، شیطان و دشمنان را زمین‌گیر کنیم.

۳. فرشتگان، خدا و دوستان خدا را خوشحال کنیم.

۴. در آداب اسلامی به دلایلی به حضور در مسجد در صبحگاه و شامگاه^{۲۳۱} و در تاریکی شب تأکید بیشتری شده است.^{۲۳۲}

۲۲۹. همچنین در حضور در مسجد تجمیع هم پذیرفته نیست که کسی یک مرتبه به مسجد بیاید و همه نمازهای آن روز را بخواند یا این که در یک مرتبه به اندازه پنج مرتبه بماند؛ رفت و آمد شرط است نه حضور طولانی مدت.

^{۲۳۰}. و عواقب سوئی دارد - مخصوصاً اگر بدون دلیل باشد - .

۲۳۱. سوره رعد، آیه ۱۵: (وَلَلَّهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) «مريم ۱۱» فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

۲۳۲. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۲، ح ۵۲: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: بَشِّرِ الْمَسَائِينَ إِلَى الْمَسْجِدِ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ بِنُورِ سَاطِعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۵. هنگام بازگشت از سفرها بهتر است ابتدا به مسجد و

سپس به خانه و جاهای دیگر برویم.^{۲۳۳}



۶. لازم نیست فقط وقت نماز به مسجد برویم؛ بلکه در هر

وقت از شبانه‌روز و در هر موقعیت مناسب، خصوصاً

وقت خوشحالی و یا افسردگی، به مسجد برویم.

۷. هر وقت خوشحالیم برای شکرگزاری و هر وقت

ناراحتیم برای دفع همّ و غم به مسجد برویم تا تعادل

داشته باشیم.^{۲۳۴}

۲۳۳. چنان که مردم شهرهایی مثل مشهد و قم و شیراز، بعد از سفر حج و عتبات، ورود رسمی خود را از

حرم‌ها شروع می‌کنند و مردم برای استقبال آنها به حرم‌ها می‌روند. در شهرها و محلات دیگر بهتر است

ابتدا وارد مسجد شوند، بعد به خانه بروند.

۲۳۴

۸. بهتر است قبل از اذان به سمت مسجد حرکت کنیم؛ چرا که رفتن قبل از این که فرا خوانده شویم بهتر است تا وقتی که ما را با اذان صدا زده و دعوت کنند.

همه مسیرها را به مسجد ختم کنیم و همه امور را مقدمه برای مسجد قرار دهیم. البته سعی کنیم برای خواندن نمازهای مستحبی مکانی مناسب در خانه داشته باشیم^{۲۳۵} و برای نمازهای واجب به مسجد برویم.



آمادگی برای رفتن

۱. خواب آلوده، کسل و بی حال نباشیم.

^{۲۳۵} . فضیلت نماز مستحبی در خانه مثل فضیلت نماز واجب در مسجد است:.....



۲. نه گرسنه باشیم و نه زیاد سیر.

۳. غذاهای سبک و خوشبو بخوریم و از مصرف غذاهای

سست‌کننده و بدبو پرهیزیم.



۴. قضای حاجت کنیم؛ چون کسی که نیاز به دستشویی دارد، مکروه است سراغ مسجد را بگیرد یا به مسجد برود و یا به نماز بایستد.^{۲۳۶}

۵. با مسواک زدن فضیلت حضور در مسجد و نمازمان را بالا ببریم.

۶. قبل از رفتن به مسجد وضو بگیریم^{۲۳۷} تا هم پاداش با وضو بودن در مسیر مسجد را ببریم^{۲۳۸} و هم بی دلیل در مسجد وضو نگیریم.



۲۳۶. وافی، ج ۸، ص ۸۶۴: «قال إسحاق بن عمار: سمعت أبا عبد الله الصادق ۷ يقول: لا صلاة لحاقين ولا لحاقبٍ ولا لحازقٍ فالحاقنُ الَّذي به التَّوَلُّوُ وَ الْحَاقِبُ الَّذي به الغَائِطُ وَ الْحَازِقُ الَّذي قد ضَغَطَهُ الخُفُّ».

۲۳۷

۲۳۸. جامع الاخبار، ج ۱، فصل ۳۲ (فضائل مسجد)، ص ۷۰: «عن أبي جعفر قال: «لا تدخل المساجد إلاً بالطَّهارةِ وَ مَنْ دَخَلَ مَسْجِدًا بِغَيْرِ الطَّهارةِ فَالْمَسْجِدُ خُصْمُهُ».

۷. در آینه نگاه کنیم و موهای خود را شانه کنیم^{۲۳۹} و خود را معطر و آراسته کنیم.^{۲۴۰}

۸. لباس ساده و راحت بپوشیم تا در رکوع و سجود در زحمت نباشیم.

۹. لباس نو،^{۲۴۱} تمیز و مقدّس (مانند عبا) بپوشیم.

۱۰. لباس مخصوص برای حضور در مسجد داشته باشیم.



^{۲۳۹}. کافی، ج ۶، باب التَّمَشُّطِ، ص ۴۸۹، ح ۷: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ: مِنْ ذَلِكَ التَّمَشُّطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ.

۲۴۰. کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۳: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص مَمْسَكَةٌ إِذَا هُوَ تَوَضَّأَ أَخَذَهَا بِيَدِهِ وَهِيَ رَطْبَةٌ فَكَانَ إِذَا خَرَجَ عَرَفُوا أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِرَأْيِهِ.

۲۴۱. کافی، ج ۶، ص ۴۵۸: درباره خریدن و پوشیدن لباس نو، امام علی ۷ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا تِيَابَ

بِرْكَةٍ اسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَاعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدِكَ».

۱۰. از لباس‌های مناسب (ساده و بدون نوشته و عکس و آرم)، و از پوشیدن لباس‌های تنگ، کوتاه، زننده و بدن‌نما که ما را شبیه کفار می‌سازد و یا نشانه فخرفروشی^{۲۴۲} و شهرت^{۲۴۳} است، پرهیزیم.

۱۱. ترجیحاً لباس سفید بپوشیم.^{۲۴۴}

۱۲. سرمان را بپوشانیم، ولی جلو دهانمان را نبندیم.



^{۲۴۲} . وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۴۳، ص ۴۳، ح ۵۸۵۶: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشِيئِهِ وَقَالَ مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَأَخْتَالَ فِيهِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَكَانَ قَرِينًا قَارُونَ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ اخْتَالَ فَخَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضُ وَمَنْ اخْتَالَ فَقَدْ نَارَعَ اللَّهَ فِي جَبْرُوتِهِ.

^{۲۴۳} . کافی، ج ۶، باب کراهیة الشهرة، ص ۴۵۵، ح ۴: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ.

۱۳. دهانمان بوی بد ندهد و اگر می دهد آن را خوشبو

کنیم.

۱۴. حتی الامکان مهر، جانماز و دستمال شخصی داشته

باشیم.^{۲۴۵}



۱۵. پول به همراه داشته باشیم تا صدقه بدهیم یا با

آن به مسجد خدمت کنیم و یا هنگام بازگشت به

منزل چیزی بخریم تا اهل خانه خاطره خوشی از

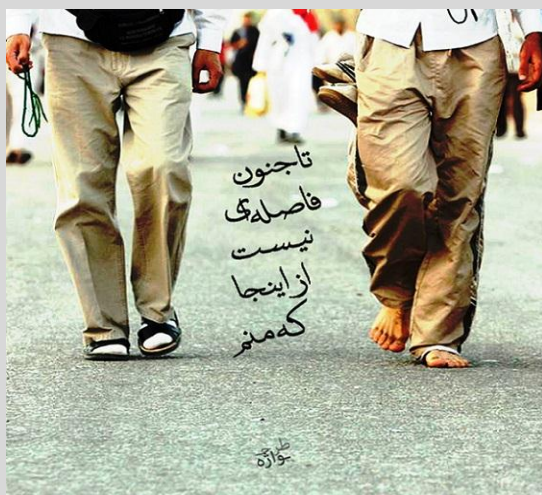
مسجد رفتن ما داشته باشند.

۲۴۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۷۵، ح ۱۲۶۰: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ عَنِ التَّمَنُّدِ

بَعْدَ الْوُضُوءِ فَقَالَ: كَانَ لِعَلِيِّ ۷ خِرْقَةٌ فِي الْمَسْجِدِ لَيْسَ إِلَّا لِلْوَجْهِ يَتَمَنَّدُ بِهَا».



۱۶. کفش راحت بپوشیم.



۱۷. بهترین اوقات و فرصت‌های آزاد خود را برای رفتن به مسجد اختصاص دهیم، نه اینکه در فرصت‌های تنگ و سوخته به مسجد برویم.

حرکت به سمت مسجد

۱. فعالیت‌های روزانه^{۲۴۶} خود را از مسجد شروع کنیم.^{۲۴۷}
۲. اگر بیرون از منزل هستیم، به منزل برگردیم تا از آنجا به قصد مسجد، وضو گرفته و حرکت کنیم.
۳. به قصد رفتن به مسجد از خانه حرکت کنیم^{۲۴۸} و این منافاتی با سر زدن به جاهای دیگر در مسیر راه ندارد.



^{۲۴۶} . حتی سفر خود را از مسجد شروع کنیم و هنگام بازگشت نیز قبل از رفتن به خانه به مسجد برویم.

^{۲۴۷} . اگرچه موفق به خواندن نماز صبح در مسجد نشده باشیم و وقت نماز گذشته باشد و یا مسجد بسته باشد.

^{۲۴۸} . نه این که هر وقت بیکار بودیم و وقت اذان فرا رسید چون حوصله حضور در سایر جاها را نداریم از روی ناچاری به مسجد برویم.

۱۲. حرکت خود به سمت مسجد را به دیگران هم اطلاع یا نشان دهیم که بهترین تبلیغ و ترویج مسجد و عمل به معروف است و هیچ ریا هم نیست؛ چون در متون دینی بدان سفارش شده و منافق نیز که اهل ریاست از آن فرار می‌کند.



۵. دوستان، همکاران، همسایگان، فامیل و اهل خانه را به حضور در مسجد تشویق کنیم و حتی الامکان با هم به مسجد برویم.

۶. به نیابت از دیگران به زیارت مسجد برویم تا دیگران هم در ثواب ما شریک شوند و گاهی که توفیق حضور در مسجد

نداریم، دیگران را به نیابت از خودگر چه با اجرت به مسجد
بفرستیم.

۷. اگر مسجد دور است، سواره برویم تا خسته نشویم و اگر
نزدیک است، پیاده برویم تا ثواب بیشتری نصیبمان گردد.



۹. اگر وسیله نقلیه داریم دیگرانی را که وسیله نقلیه ندارند
سوار کنیم.

۱۰. اگر عزت با سواره بودن است سواره و اگر پیاده رفتن
باعث تواضع است پیاده برویم.

۸. سعی کنیم از سرِ بیکاری و در تنگی وقت به مسجد برویم
بلکه برای این کار، وقت بگذاریم و باحوصله به مسجد برویم.

وقتی که حال حرکت به سوی مسجد هستیم،

۱. بدانیم به بهترین مکان با بهترین انگیزه می‌رویم.

۲. بدانیم زمین و زمان شاهد رفتن ما به مسجد هستند.^{۲۴۹}

۳. شاداب و امیدوار قدم برداریم؛^{۲۵۰} چرا که به خانه دوست

رهسپاریم.

۴. قدم‌ها را کوتاه برداریم؛ چون برای هر قدمی دو ثواب

است.

۲۴۹. ثواب الاعمال، ص ۲۹۱: «قال رسول الله ۶: وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ».

۲۵۰.



۵. حرکت خود به سمت مسجد را به دیگران بفهمانیم و آن را پنهان نکنیم و بدانیم که این کار، ریای پسندیده است؛ چون عمل به معروف و جزو شعائر دینی است.

۶. در مسیر مزاحم دیگران نباشیم^{۲۵۱} و اگر با وسایل نقلیه در حرکتیم، مقررات راهنمایی و رانندگی را نیز مراعات کنیم.

۲۵۱. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۷: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَمَنْ لَمْ يُؤْذِ أَحَدًا وَ لَمْ يَتَخَطَّ رِقَابَ النَّاسِ».



۶. اگر قبل از اذان است و فرصت کافی داریم، با آرامش برویم و اگر حیّ علی الصلاة را شنیدیم، به حرکت خود سرعت ببخشیم.



۸. اگر فرصت داریم و پیاده در حرکتیم، گامها را کوتاه برداریم؛ چون خداوند برای هر گامی که به سمت مسجد برمی داریم، ده حسنه بر ایمان می نویسد و ده گناه از ما محو می کند.

۹. هیچ کس و هیچ کاری ما را از ذکر و یاد خدا غافل نگرداند.

۱۰. اگر وقت اذان فرا رسیده، به نزدیک‌ترین مسجد در مسیر برویم؛ چرا که عبور از مسجد و دور شدن از آن در این هنگام علامت نفاق است.

۱۱. افرادی - چون کهنسالان و نابینایان - را که در رفتن به مسجد به کمک نیاز دارند، یاری کنیم.



۱۲. گر چه حضور در مسجد جامع، مستحب است و فضایل زیادی دارد اما اولویت با مسجدی است که حضور ما در آن تأثیرگذار باشد که فضایل مسجد جامع را تحت الشعاع قرار

می‌دهد و موجب آبادانی آن می‌شود؛ نظیر مسجد خلوت یا مسجد همسایه.

۱۳. در مسیر رفتن به مسجد مشغول ذکر باشیم و دعا کنیم؛ چون به استجابت نزدیک است.

عواقب ترک مسجد

یکی از علایم زندگی صحیح، دوری از خشنودکردن دشمن است. امروزه دشمن از کسادی مساجد راضی و از رونق مراکز دیگر خوشحال است و هر روز با دسیسه می‌خواهد به دست خودمان و به دست افراد خودی مساجد کم‌رونق شوند و مراکز فرهنگی دیگر پررونق گردند. امام خمینی (ره) در بمباران‌های شدید دشمن می‌فرمودند: از فائتوم‌های دشمن نترسید؛ از خالی شدن مساجد بترسید و شاهدیم که امروزه مردم خیر را از مساجد منصرف کرده‌اند و به سمت دیگر مراکز می‌برند.^{۲۵۲}

۲۵۲. مثل تشویق مردم به ساخت ورزشگاه و تجلیل از خیرین ورزشگاه‌ساز که علاوه بر اشکال شرعی برخی ورزش‌های غربی و ضرر و زیان، برد و باخت در آنها تشنج‌آفرین است.

این امر پیامدهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف: عواقب اعتقادی

۱. کسی که توفیق حضور در مسجد ندارد در دام فرقه‌های ضالّه و مدّعیان دروغین می‌افتد. همه فرقه‌های ضالّه از مسجد جدا هستند و عامل پیدایش آنان جدایی از مسجد است ولی هر کس به مسجد معتاد است، گمراه نمی‌شود.
۲. در برابر ویروس‌های اجتماعی و سیاسی قدرت دفاعی ندارد و حضور در مسجد ضد ویروس و ویروس‌کش است و قدرت و اقتدار ما را زیاد می‌کند.

ب: عواقب اخلاقی

۱. غیبت ترک‌کننده مسجد جایز است، با آنکه غیبت از زنا هم بدتر است،^{۲۵۳} ولی هر کس به مسجد برود، غیبتش جایز نیست.^{۲۵۴}

۲۲۸. «عَنِ الصَّادِقِ ۷ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ۶ قَالَ: لَا غَيْبَةَ لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَرَغِبَ عَنِ جَمَاعَتِنَا».

۲. نفاق و دورویی از عواقب ترک مسجد است،^{۲۵۵} ولی

حضور در مسجد علامت اخلاص و پاکی است.^{۲۵۶}

۳. تارک مسجد التزام عملی به اسلام ندارد؛ چون حضور

در مسجد شاخص‌ترین نمونه التزام عملی به اسلام

است.

۴. از آسیب‌های اجتماعی در امان نمی‌ماند؛^{۲۵۷} چراکه نماز

در مسجد بازدارنده از فحشاست و فحشا آسیب

اجتماعی است، نه فردی تا با نماز فرادا دفع شود.



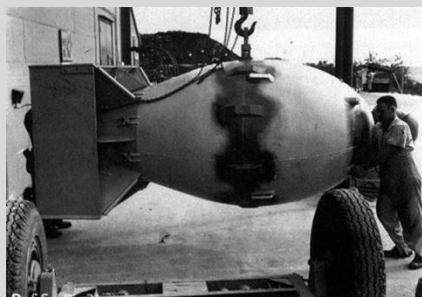
۲۵۵. کنز العُمَال، ج ۷، ص ۵۸۳: «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ نَلَانَا كُتِبَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ».

۲۵۶. سوره توبه، آیه ۱۰۸: (الْمَسْجِدُ أَسْسٌ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ).

۲۵۷. سوره عنكبوت، آیه ۴۵: (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ).

۵. ظلم به خود و جامعه خود کرده است؛ چون یکی از مصادیق آیه (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَسَّجِدَ اللَّهِ)^{۲۵۸} نرفتن خود انسان به مسجد است.

۶. تخصصش بی تعهد می شود و مفاسد اجتماعی از متخصصان بی تعهد است؛ چون آنان هستند که برای منافع شخصی خود دست به هر آسیب اجتماعی می-زنند.



۷. در مفاسد واقع می شود و راه فرار را نمی یابد و اگر هم بیابد، قدرت فرار ندارد؛ در حالی که مسجدی ها راه نجات را می یابند و قدرت بر فرار دارند؛ چرا که

۲۵۸. سوره بقره، آیه ۱۱۴. (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَسَّجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ).

تنها نیستند و در مسجد، همفکر و همراه پیدا می-
کنند.^{۲۵۹}

۸. هرج و مرج حقوقی و اخلاقی فراگیر می شود.

۹. از زنان استفاده ابزاری می شود؛ در حالی که زنان
مسجدی نه این که ابزار نمی شوند که خود، مانع این
امور می شوند.

۱۰. نزاع‌های عمیق و طولانی به وجود می آید، ولی
با حضور سه وعده در مسجد برای خدا زمینه‌های
نزاع از بین می رود.

۱۱. مدنیت و آیین شهروندی از بین می رود و
جامعه از هم گسسته و ارتباطات حیوانی جایگزین
ارتباطات اخلاقی و انسانی می گردد.

^{۲۵۹}. یکی از مصادیق "تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی" همین حضور گروهی در مسجد است.

۱۲. شایعه رواج می‌یابد و جامعه خود به خود سقوط

می‌کند در حالی که حضور در مسجد جلو شایعات را
می‌گیرد.

۱۳. معروف و منکر مخلوط می‌شود و پس از آن،

معروف، منکر و منکر، معروف می‌گردد.

ج: عواقب روانی

۱. در یک امر غوطه‌ور می‌شود و از امور دیگر باز

می‌ماند،^{۲۶۰} ولی مسجد دنیا و آخرت را با هم به

انسان نشان می‌دهد.

۲. فکر و ذکر و زندگی‌اش از اعتدال خارج می‌شود؛

چون انسان خودبه‌خود در ابتدا افراطی و پس از

مدتی تفریطی است و نیاز به کنترل دارد.

۳. جوانان، بی‌هویت و افسرده می‌گردند.^{۲۶۱}

^{۲۶۰}. حَفِظْتَ شَيْئاً وَ غَابَتْ عَنْكَ أَشْيَاءُ.

د: عواقب اجتماعی

۱. شخصیت او ناشناخته است،^{۲۶۲} ولی با حضور در مسجد مردم مأمور به شناسایی او به خیر و صلاح هستند.
۲. رفاقت و همزیستی مؤمنان مسجدی با او مکروه و ناشایسته است^{۲۶۳} و رفیقان و شریکانی او را احاطه می‌کنند که پشیمانی به همراه دارد.
۳. مورد تنفر مؤمنان واقع می‌شود،^{۲۶۴} ولی با حضور در مسجد محبوب قلوب همگان می‌گردد.
۴. مراکز اجتماعی همراه با مفسد اجتماعی جایگزین مسجد می‌شود؛ در حالی که همیشه مسجد با مراکز

۲۶۱. جوانانی که از سفر حج و زیارت برمی‌گردند با جوانانی که از سفر توریستی برمی‌گردند، از نظر روحیه با همدیگر متفاوت‌اند.

۲۶۲. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵۱، ح ۷۲۰۸: «عَنِ النَّبِيِّ ۶ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سُئِلْتَ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ فَقُلْ لَا أَعْرِفُهُ».

۲۶۳.

۲۶۴. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۳: «مَنْ سَمِعَ الْفَلَاحَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا هُوَ مَعَنَا وَلَا هُوَ وَحْدَهُ».

فساد به مقابله برخاسته است و هیچ‌گونه آسیبی به جامعه نمی‌زند.



۵. مصاحبت‌های موقت و سطحی جای رفاقت‌های مداوم را می‌گیرد؛ در حالی که رفاقت مسجدی‌ها تا قیامت ادامه می‌یابد.

۶. خانواده اصالت خود را از دست می‌دهد و متلاشی می‌شود؛ چون در همه مراکز مثل کودکانستان، دبستان و دبیرستان اعضای خانواده جدا از هم‌اند و در مسجد این‌گونه نیست، بلکه همه با هم هستند.

۷. اعراض کنندگان از مسجد بایکوت، گوشه گیر و زمین-گیر می گردند.^{۲۶۵}

۸. امامان، مأموم و رهبران، رهرو و عزیزان، ذلیل و ذلیلان، عزیز می شوند.

۹. مدعیان دروغین به جای مردان بی ادعا و امامان مسجد می نشینند؛ در حالی که امام و اهالی مسجد هیچ گونه ادعایی ندارند.



۱۰. شهرسازی عیار و معیار ندارد؛ چون مرکز شهر بر محور مسجد شکل نمی گیرد و همانند دانه های تسبیح که نخ آن پاره شده باشد به سویی پراکنده می شوند.

۲۶۵. کسی حق ندارد با آنان ازدواج کند (بایکوت خانوادگی) یا با آنان همسایه شود (بایکوت اجتماعی) یا

با آنان معاشرت کند و یا به سفر برود (بایکوت فرهنگی) و ...

۱۱. انتظام مدنی وجود ندارد؛ چون پلیس معنوی و

تربیتی، مسجد است و هیچ‌گاه پلیس و نیروی انتظامی نمی‌تواند در برقراری نظم اجتماعی و سیاسی جایگزین مسجد شود.

۱۲. حلقه اتصال بین نسل‌ها از هم می‌گسلد و

کودکان در مهدکودک‌ها و کهنسالان در آسایشگاه‌ها قرار می‌گیرند، ولی مسجد حلقه اتصال را حفظ می‌کند.

ه: عواقب سیاسی

۱. تارک مسجد مورد تهدید حاکم اسلامی قرار می‌-

گیرد؛^{۲۶۶} در حالی که حضور در مسجد بهترین

اطاعت از پیامبر ۶ و حاکم اسلامی است.

۲۶۶. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۴: «قَوْمٌ سَمِعُوا النَّدَاءَ فَلَمْ يُجِيبُوا فَأَضْرَمَهَا عَلَيْهِمْ نَارًا». - ابن محبوب عن محمد بن الحسين عن ذبيان عن النميري عن ابن أبي يعفور عن أبي عبد الله ع قال هم رسول الله ص بإحراق قوم في

۲. در معرض تفرقه و سستی قرار می‌گیرد و مقهور دشمن می‌شود؛ در حالی که اتصال انسان‌ها به هم در صفوف نماز مساجد تفرقه و نخوت را از بین می‌برد و به انسان شجاعت می‌دهد.

۳. امامت به سلطنت، مسئول به دیکتاتور، حاکم به محکوم و مسئول به سائل مبدل می‌گردد.

۴. حکومت مخالفان شروع می‌شود و با ادامه ترک مسجد مستقر می‌شود.

۵. زنان نالایق، مطرح و زنان لایق، خانه‌نشین می‌شوند؛ چنانچه با جلوگیری از حضور زنان در مسجد بعد از پیامبر چنین شد.

منازلهم كانوا يصلون في منازلهم و لا يصلون الجماعة فأتاه رجل أعمى فقال يا رسول الله إني ضير البصر و ربما أسمع النداء و لا أجد من يقودني إلى الجماعة و الصلاة معك - فقال له النبي ص شد من منزلک إلى المسجد حبلا و احضر الجماعة - الوافی، ج ۸، ص: ۱۱۷۰

۶. در جامعه غیر مسجدی زنان در همه جا ظاهر می-
شوند، جز در مسجد؛ در حالی که زن در نظام
اسلامی فقط در مسجد ظاهر می شود.

۷. در چنین جامعه‌ای حضور زنان در مسجد، بی ارزش
و حضور آنان در مراکز دیگر، ارزشمند تلقی می شود
و هدایت آنان دگرگون می گردد.

۸. انسان غیرمسجدی از رهبر عادل دفاع نمی کند و اگر
هجوم نبرد او را منزوی و خانه نشین می کند و از وی
بهره نمی برد و به دنبال رهبران غیرعادل می رود.



Rafanews

Photo: Ali Mokhtari

۹. فتنه‌ها یکی پس از دیگری شعله‌ور می‌شوند.^{۲۶۷}



و: عواقب معنوی

۱. عدم حضور در مسجد مصداق غفلت است،^{۲۶۸} ولی

حضور در مسجد ذکر و هوشیاری است.

۲. آدمی در سختی‌ها و تنگناها قرار می‌گیرد^{۲۶۹} و هیچ

مشکلی بدون مسجد حل نمی‌شود.

۲۶۷. از صدر اسلام تا به امروز فتنه‌ها از غیر مسجد (سقیفه بنی‌ساعده‌ها و ...) شروع گردیده و مسجد و اهل مسجد آن را خاموش کرده‌اند.

۲۶۸. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۶۸: «قَالَ الْحَسَنُ ۷: الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ».

۲۶۹. سوره طه، آیه ۱۲۴: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا).

۳. مخاصمه و جنگ با خداست،^{۲۷۰} ولی با حضور در

مسجد همسایه خدا و محبوب باری تعالی می-

شود.^{۲۷۱}

ز: عواقب عبادی

۱. تارک مسجد، تارک نماز به حساب می آید.

۲. دچار وسواس می شود و در نماز کاهلی می شود؛ در

حالی که انسان با حضور در مسجد، منظم و متعهد

می شود و کسالت بر او عارض نمی شود.

۳. نمازش مرده و بی روح است،^{۲۷۲} ولی نماز در مسجد،

چه فرادا و چه جماعت، مصداق اقامه نماز است.

۱۳۴. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۵۴: «قَالَ النَّبِيُّ ۶: إِجَابَةُ الْمُؤَدِّنِ رَحْمَةً وَ تَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ لَمْ يُجِبْ خَاصَمَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲۷۱. مسند الحارث، ص ۵۲: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: إِنَّ اللَّهَ لَيُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ جِيرَانِي؟ أَيْنَ جِيرَانِي؟ قَالَ: فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: وَ مَنْ يَنْبَغِي أَنْ يُجَاوِرَكَ؟ فَيَقُولُ: أَيْنَ عَمَّارُ الْمَسَاجِدِ».

۲۷۲. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۵: «عَنِ النَّبِيِّ ۶ أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

۴. عبادتش از نظارت عالم خارج می‌گردد؛ در حالی که نماز خواندن به امامت و نظارت عالم، ثواب نماز را دو هزار برابر افزایش می‌دهد، با اینکه کلمات نماز عالم و غیر عالم یکی است.

۵. عبادتش برای او عجب و غرور می‌آورد ولی حضور در مسجد و قرار گرفتن در جمع مسجدی‌ها غرور انسان را فرو می‌شکند.

۶. چون عبادتش از نظارت عالم خارج می‌گردد، دچار غُلُو در دین می‌گردد.

۷. مراسم و ادعیه مستحب، واجب و بااهمیت و نمازهای واجب، کم اهمیت می‌گردد.

۸. قرآن از مساجد خارج می‌گردد و در غیر مسجد تلاوت می‌شود و در اینجا است که قرآن بالای نیزه می‌رود.



۹. نظریه قرائت قرآن به جای عمل به قرآن می نشیند؛ در حالی که مسجد نمایشگاه عمل به قرآن است.
۱۰. باعث تخریب مسجد می شود؛ در حالی که حضور در مسجد بهترین نوع عمران مسجد و عمران زمین و آسمان و عمران دنیا و آخرت است.



ح: عواقب اخروی

۱. جهنم را در پی دارد،^{۲۷۳} ولی حاضر شوندگان در مسجد بدون معطلی وارد بهشت می‌شوند.^{۲۷۴}
۲. شکایت مسجد در روز قیامت را به دنبال دارد،^{۲۷۵} ولی با حضور مسجد به نفع او شهادت می‌دهد.

۱۹۷. سوره مدثر، آیات ۴۲ و ۴۳: (ما سَلَكُكُمْ فِي سَفَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ).

۲۷۴.

۲۷۵. کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۳: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَسْكُونُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جِهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ».

فصل ششم: حضور زنان در مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : من اجاب داعي الله و احسن عمارة مساجد الله كان ثوابه من الله الجنة.

وافى، ج ٢٦، ص ١٩٥

هر کس دعوت کننده الهی را اجابت و (با حضورش) مساجد خدا را نیکو آباد کند پاداشش از ناحیه خداوند بهشت است.

فضایل حضور زنان در مسجد

الف: ویژگی‌های زنان

۱. جمعیت زنان کمتر از مردان نیست.
۲. امید به زندگی در آنان بیشتر از مردان است لذا در مصائب و بلاها مقاومت بیشتری دارند.
۳. میانگین عمر آنان از میانگین عمر مردان بالاتر است.
۴. جوانی آنان بیشتر از مردان است (زودتر از مردان، بالغ و دیرتر پیر می‌شوند).



۵. علاوه بر تربیت فرزند، بر شوهر، پدر و برادر نیز تأثیر گذارند.^{۲۷۶}

۶. می‌توانند برای همه الگوی خوبی‌ها باشند؛^{۲۷۷} همان گونه که قرآن آسیه، همسر فرعون، را الگوی مثبت برای مردان و زنان می‌داند^{۲۷۸}



۷. حافظه بیشتری دارند و گزارش‌گران بسیار خوبی هستند.

۲۷۶. پیامبر با آن همه شرافت و جلالت در باره دخترش فاطمه فرمود: فاطمه "امّ ابیها" است در حالی که ایشان حدوداً پنج ساله بودند.

۲۷۷. بر خلاف برخی زنان - مثل زن نوح و لوط - که در نقطه مقابل قرار دارند و باید شدیداً از پیروی آنان پرهیز کرد: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهمَا فَلََمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ)

۲۷۸. سوره تحریم، آیه ۱۱: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ).

۸. تأثیر عاطفی آنان زیاد و زبان عاطفی آنان قوی

است.^{۲۷۹}

۹. فرصت بهتری دارند.

۱۰. تمرکز بیشتری دارند.^{۲۸۰}



۱۱. در موفقیت همسرانشان نقش بی‌بدیلی دارند.^{۲۸۱}

^{۲۷۹} . چون از نظر اسلام، زن وظیفه‌ای - جز شوهرداری و تربیت فرزند - ندارد.

^{۲۸۰} . چون ارتباط آنان کمتر از مردان هست و باید هم، چنین باشد.

^{۲۸۱} . از میان پیامبران و امامان، آنانی که همسرانی شایسته و سازگار داشتند - مانند امام حسین - موفق

شدند به آسانی از بدترین مردم، بهترین اصحاب را بسازند ولی آنانی که همسرانی ناسازگار داشتند مانند امام

حسن - مشکلات زیادی بر سر راهشان بود.

۱۲. مسجد محل زیبایی‌هاست و زنان چون مظهر جمال خداوندند، زیبایی‌های آن را بهتر درک می‌کنند.

ب: توانمندی‌های زنان

۱. مسؤلیت تربیت فرزند و شوهرداری به عهده آنان است.
۲. دلبستگی پدر و برادر به آنان مستحکم‌تر است.
۳. آرامش خانواده و زیبایی و نظم زندگی به وجود آنان وابسته است.
۴. گرچه به جهت نقش حسّاس، محوری و کلیدی زنان تهاجم فرهنگی و اجتماعی علیه آنان بیشتر از مردان است، اما توان مقابله آنان با انواع تهاجمات غیر نظامی به‌ویژه تهاجمات اجتماعی انکارناپذیر است.

ج: حضور زنان در مسجد و ارزش آن

در ادیان گذشته و در صدر اسلام زنان در معابد و مسجد حضوری چشمگیر و فعال و تأثیرگذار داشتند^{۲۸۲} ولی پس از رحلت پیامبر^ع به دلیل حمایت از ولایت در مسجد حضور آنان را محدود و مشروط و سپس از حضور آنان در مسجد ممانعت کردند و این سنتی شد تا ناخلفان برای انحراف جامعه و تثبیت حکومت خود، زنان را از مسجد دور نگه دارند و بر خلاف دلایل عقلی و نقلی، عقیده خود را تحمیل کنند؛ در حالی که به فرموده حضرت امام خمینی فضایل حضور در مسجد اختصاص به مردان ندارد؛ زیرا آنان هم به مکانی پاک و مقدس نیاز دارند تا در آنجا اجتماع کنند و حضور آنان در همه جا نکوهش شده و در مسجد بدون هیچ شرطی و شروطی به حضور تشویق شده‌اند^{۲۸۳} و از مردان خواسته شده است که

^{۲۸۲}. اولین اقامه جماعت با زن شروع شد و در ساخت اولین مسجد زنان سهمیم بودند.

^{۲۸۳}. كُنَّا الْعُمَّالَ،..... لَا خَيْرَ فِي جَمَاعَةِ النِّسَاءِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ.

نه تنها مانع حضور زنان و دختران در مسجد نشوند که امکان حضور آنان را فراهم کنند.^{۲۸۴}

حضور زنان در مسجد آن قدر مهم است که پیامبر به خانمی که لباسش سوراخ‌های زیادی داشت و از حضور در مسجد معافیت می‌خواست، فرمود که شب‌ها به مسجد بیاید تا بدنش پیدا نباشد و به دو زنی که فقط یک لباس بیرونی داشتند آنان را از حضور معاف نکرد و فرمود به نوبت به مسجد بیایید.

حضور زنان در مسجد و خدمات آنان به مسجد، در طول تاریخ تشیع چشمگیر بوده است.^{۲۸۵} مسجد یگانه مرکزی است

۲۸۴. از یک سو به مردها امر شده است که به زنان و دختران اجازه حضور در مسجد بدهند و از سوی دیگر از زنان نخواستند که برای این کار اجازه بگیرند مگر این‌که زنی بخواهد مسجد را بهانه ترمّد و عدم تمکین از شوهر قرار دهد یا این‌که مردی بخواهد بدون دلیل موجّه زن خود را از مسجد محروم کند که در اخبار و روایات با عناوین مختلف از این گونه موارد منع شده است: لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ.....

۲۸۵. آن قدر حضور زنان چشمگیر بود که پیامبر فرمود: لَوْ تَرَكَنَا هَذَا الْبَابَ لِلنَّاسِ..... و یا وقت خصوصی خواستند و حضرت پذیرفتند: قَدْ غَلَبْنَا عَلَيْنَا الرَّجَالُ فَأَجْعَلْ لَنَا يَوْمًا.....

که همه مردان و زنان می‌توانند به طور یکسان از آن بهره ببرند.

آداب زنان در مسجد ، بیانگر ارزش حضور زنان در مسجد است.^{۲۸۶}

زنان از مردان روابط عمومی قوی‌تری دارند و مسجد بهترین محل آشنایی و ارتباطات است.

زنان چون حافظه و قدرت روایتگری شان بیشتر از مردان است، مبلغی مؤثر و غیر رسمی محسوب می‌شوند.

علاوه بر این‌ها چگونه قابل تصور است که زنان در همه عرصه‌ها و صحنه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته باشند ولی در مسجد نباشند.

۲۸۶ . جلوگیری از حضور زنان ضربه‌ای بود که پس از رحلت پیامبر ۶ به جامعه اسلامی وارد شد؛ در حالی که اولین نماز جماعت اسلام را پیامبر ۶ با حضور زنان اقامه کرد. اگر زنان در مسجد حضور می‌داشتند، چه بسا انحرافی در امت اسلامی پیش نمی‌آمد.

نمونه‌های تاریخی حضور زنان در مسجد

۱. حضرت مریم در مسجد مقیم بوده و این‌که قرآن می‌فرماید: " کلما دخل علیها زکریا المحراب " منظور محراب مسجد است نه محراب در خانه.

۲. حضرت مریم مأمور شدند با مردان در مسجد نماز بخوانند و این‌که قرآن می‌فرماید: " وارکعی مع الراجعین " منظور رکوع مریم با مردان در مسجد است نه در غیر مسجد.

۳. در جریان نماز جمعه‌ای که اکثر نمازگزاران، پیامبر را در حال خطبه خواندن تنها گذاشتند و به سمت کاروان تجاری رفتند^{۲۸۷} یکی از معدود افرادی که ماندند حضرت زهرا بود.

^{۲۸۷} . سوره جمعه، آیه ۱۱: (وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَصَوْا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا)

۴. در جریان تغییر قبله^{۲۸۸} در روایات آمده است که زنان و مردان جابجا شدند.

۵. اولین شرکت کننده در نماز جماعت پیامبر، حضرت خدیجه بود.

۶. در تاریخ کسی عمل فاطمه بنت اسد را سرزنش نکرده که چرا در مسجد آمده تا مجبور شود درون کعبه برود.

۷. در جریان زایمان حضرت مریم، ایشان در مسجد بود که دستور آمد از مسجد خارج شو.^{۲۸۹}

۸. این که به مردان معتکف امر شد در ایام اعتکاف در

مسجد از مباشرت با زنان خود خودداری کنند،^{۲۹۰} قرائن

حالیه و مقالیه دلالت بر این دارد که زنان در اعتکاف

حضور داشته‌اند که این دستور آمده وگرنه اگر زنان

^{۲۸۸} . سوره بقره، آیه ۱۴۴: (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةَ تَرْضَاهَا)

^{۲۸۹} . سوره مریم، آیه ۲۳: (فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ)

^{۲۹۰} . سوره بقره، آیه ۱۸۷: (وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ فِي الْمَسَاجِدِ)

حضور نداشته باشند این حکم، لغو و بیهوده به شمار می -

آید. ۲۹۱

۹. آیه‌ای که می‌گوید جنب می‌تواند عبوراً مسجد را زیارت

کند^{۲۹۲} اختصاصی به مردان ندارد بلکه زنان را هم شامل

می‌شود.

۱۰. مراد از مردان و زنان در آیه "المؤمنین و المؤمنات..."

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ"^{۲۹۳} مردان و زنانی است که به

مسجد می‌روند.

۱۱. این که زنان در ساخت مسجد انبی مشارکت داشته‌اند

بدون حضور آنان در مسجد ممکن نیست.

^{۲۹۱} . و این که گفته شود زنان در مسجد معتکف نبودند بلکه برای زناشویی به مسجد می‌آمدند و یا این که

معتکفان برای امر زناشویی از مسجد خارج می‌شدند در تصور نمی‌گنجد.

۲۹۲ . سوره نساء، آیه ۴۳: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا

جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا)

۲۹۳ . سوره احزاب ، آیه ۳۵: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَ

الصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَ

الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)

۱۲. اگر زنان حق حضور در مسجد را نداشته‌اند وجود

"باب النساء" در مسجداً نبی برای چه بوده است؟

۱۳. دو زنی که یک لباس داشتند و پیامبر به آنان فرمود

نوبتی به مسجد بیایند.

۱۴. پیامبر سخنان خود را در مسجد تکرار می‌کردند تا زنان

خوب بشنوند.

۱۵. پیامبر نماز خود در مسجد را برای آسایش مادران

بچه‌ها کوتاه می‌کردند.

۱۶. سخنانی حضرت فاطمه و زینب در مسجد اتفاق افتاده

است.

بعضی در صدد آنند که ضرورت و فضیلت حضور زنان در

مسجد را زیر سؤال برده و بگویند حضور زنان در مسجد

جایز است و گرچه مکروه باشد خصوصاً در نماز جمعه. بنابر

این گرچه نماز جمعه بر مردان وجوب تعیینی دارد ولی حضور

زنان هم در نماز جمعه جایز است با شرایطی ولی اگر در خانه

نماز ظهر بخوانند بهتر است. در پاسخ باید بگوییم علاوه بر نصوص و حداقل استثنا نکردن زنان در حضور در مسجد چگونه خانم‌ها با زحمتی بیش از مردان لباس بپوشند و در سرما و گرما و فاصله زیاد و احياناً ناامنی روانی به نماز جمعه و جماعتی بیایند که به گفته شما مکروه و شاید جایز باشد در صورتی که معمولاً این‌گونه مکروه‌ها برای عدم تحرک و عمل است نه برای تحرک و زحمت. هیچ‌گاه کسی نمی‌گوید نخوردن و نیشامیدن و نخوابیدن سخت است مگر در روزه چون این‌گونه احکام به فکر کسی هم خطور نمی‌کند. خلاصه آن که محروم کردن زنان از مسجد، نیاز به دلیل محکم و قاطع دارد چنانچه در مکث حائض دلیل محکم و باری مستقل داریم.

قرائن فقهی حضور زنان در مسجد

۱. عدم اختصاص فضایل و آداب مسجد به مردان.
۲. طرح مسأله پاک بودن و یا حیض بودن زنان هنگام ورود به مسجد.

۳. مطرح شدن عبور حائض در مسجد.

۴. تساوی زنان و مردان در مسأله اعتکاف.^{۲۹۴}

۵. بیان کیفیت صفوف زنانه و مردانه در مسجد.

۶. منع از رسیدن صدای زنان به مردان در مسجد.

جهاد فرهنگی

رفتن زنان به مسجد جهاد و مبارزه با ظلم است.^{۲۹۵}

اگر به زنان ظلمی وارد شود غیر مسجد جایی که بتوانند فریاد کنند یا فریادرسی برای آنان باشد، نیست.

چگونه قابل قبول است که زنان برای هر مسأله‌ای بتوانند از خانه خارج شوند ولی برای نماز چنین حقی را نداشته باشند.

^{۲۹۴} . "النساء مثل الرجال"

^{۲۹۵} . سوره حج، آیه ۴۰: (وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَفُتَّتِ صَوَامِعُ وَبِيعٌ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا)

سوره بقره، آیه ۱۱۴: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

شاید اگر زنان برای هیچ کاری از خانه خارج نمی‌شدند و نماز را هم در خانه می‌خواندند این‌گونه ظلم نبود.

اهل سنت که با حضور زنان در مسجد مخالف بودند اخیراً مسجد زنانه می‌سازند.

آداب و شرایط حضور زنان

الف: حضور سیاسی زنان در مسجد

۱. در نظام اسلامی زن همیشه در صدف حجاب است و ظهوری ندارد، مگر در مسجد آن‌هم بدون هیچ محدودیت و پیش‌شرطی.
۲. بعد از پیامبر ۶ به دلایل سیاسی مانع حضور زنان در مسجد شدند.

۳. صدای زنان نباید به مردم برسد، مگر در جایی که به آنان ظلم شده باشد،^{۲۹۶} آن هم ظلم سیاسی.

حضور زنان در مسجد بیانگر حقایق زیر است:

۱. مردان مأمور به اجازه دادن هستند اما حضور زنان در مسجد نیازی به اجازه گرفتن از پدر، شوهر و برادر ندارد.

۲. زنان حائض؛ گر چه از خواندن نماز معاف هستند، اما در حال عبور می‌توانند مسجد را زیارت کنند و بهره ببرند.

۳. بین زنان و مردان فاصله نباشد.

۴. همراه آوردن کودکان بلامانع است و در طول تاریخ، مشهور و معمول بوده است.

^{۲۹۶}. سوره نساء، آیه ۱۴۸: (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ).

۵. همراه بودن شوهر و مرد محرم حتی در صورت امکان شرط نیست.

۶. حضور آنان به شرط همسر داشتن و بی‌همسری مانع حضور آنان نیست.

به عبارت دیگر، زن و مرد فقط در مسجد همسان هستند، نه در کارخانه و مزرعه و دانشگاه و حتی در خانه همسرند نه همسان.

ب: وظایف خانواده و اجتماع برای حضور زنان در مسجد

۱. در انتخاب محل سکونت و زندگی، محل سکونت زنان نزدیک مسجد قرار بگیرد.

۲. نگرانی و دلواپسی زنان در بین راه و در مسجد مرتفع شود.

۳. تسهیلات حضور آنان در مسجد فراهم آید. مثل فراهم آوردن وسیله نقلیه مناسب، همراهی با آنان در مسیر، دادن

فرصت مناسب برای حضور آنان در مسجد، کمک کردن به آنان در حفظ و نگهداری کودکانشان و ماندن شوهران در خانه به جای آنان در مواقع لازم.

ج: وظایف مسئولان مسجد

۱. امور رفاهی

۱. میزان امکانات و تجهیزات قسمت زنان مثل فضا، فرش و نور کمتر و سطح آن پایین تر از قسمت مردان نباشد.



۲. دسترسی زنان به قسمت زنانه مسجد آسان و آب و سرویس بهداشتی نیز به آنان نزدیک باشد.

۳. به جای درب فرعی ، یکی از درهای اصلی مسجد به ورود و خروج زنان اختصاص یابد.

۴. جایگاهشان در مسجد ترسناک، فرعی و مخفی نباشد.

۵. از زنان بهتر و زودتر پذیرایی کنند.^{۲۹۷}



۲. امور فرهنگی

۱. به نقش حضور زنان در مسجد توجه کنیم.

۲۹۷. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۴، ح ۲۷۷۲۸: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تَحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَمَا مِلَ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيَبْدَأُ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرَحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ.»

۲. در سخنرانی‌ها و برنامه‌های مسجد، به اهمیت نقش زنان توجه داشته باشیم و آنان را نیز مورد خطاب قرار دهیم..

۳. زمینه‌ها و شرایط خدمت زنان به مسجد را فراهم کنیم^{۲۹۸} و خدمات آنان را پاس بداریم و از آنان تشکر و قدردانی کنیم.



www.masjedabafjazi.com

Photo / Atef Safahi

۴. به سختی‌های حضور آنان نظیر به همراه داشتن کودکان و یا حامله بودن آنان توجه داشته باشیم و میزان و نوع توقعات خود از آنان را بر این اساس تنظیم کنیم.

۵. بین زنان و مردان پرده‌ای قرار ندهیم؛ همان گونه که در زمان پیامبر اسلام ۶ حایلی وجود نداشت و این پیام‌های فراوانی به همراه دارد.^{۲۹۹}

۲۹۸. چون مسجد نیاز به زینت و نظم بخشی دارد و زنان در این امور از مردان توانمندتر و موفق‌ترند.

۶. قسمت زنانه را در سمت چپ یا راست مردان قرار دهیم تا هنگام برپایی نماز جماعت در اتصال صفوف مشکلی پیش نیاید گر چه بهتر است مسجد طوری طراحی و ساخته شود که زنان پشت سر مردان قرار گیرند.



آداب حضور زنان در مسجد

الف: زمان حضور

۱. دیرتر از مردان به مسجد بیایند و زودتر از آنان به منزل بازگردند.

۲۹۹. شایان ذکر است زمانی که زن‌ها همیشه و همه‌جا پشت پرده بودند، در مسجد پیامبر ۹ بین زنان و مردان پرده نبود، ولی متأسفانه امروزه فقط زنان در مسجد پشت پرده‌اند و در جاهای دیگر حائل و پرده‌ای نیست.

۲. اگر نمی‌توانند سه وعده به مسجد بیایند، صبح و شب را انتخاب کنند.

ب: در مسیر

۱. خود را معطر و خوشبو نکنند.^{۳۰۰}
۲. حجاب کامل و کافی داشته باشند و اسباب جلب توجه نامحرمان را فراهم نکنند.^{۳۰۱}
۳. از وسط کوچه و خیابان راه نروند.
۴. در بین راه توقف نکنند.

ج: در مسجد

۱. مراقب کودکان خود باشند.
۲. صدایشان به مردان نرسد.
۳. در اداره مسجد مشارکت داشته باشند.

۱۴۲. البته استفاده از عطر و بوی خوش در مسجد اشکال ندارد.

۳۰۱. سوره احزاب، آیه ۵۹: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُسَعَّرْنَ فَلَا يُؤْدِينَ)

۴. اگر حایل و پرده‌ای بین آنان و مردان نیست، قبل از مردان به سجده بروند و بعد از مردان سر از سجده بردارند.^{۳۰۲}

۵. در راه مسجد عطر نزنند، ولی داخل مسجد، اگر مفسده‌ای نداشته باشد، مصرف عطر و شانه زدن و امثال آن اشکالی ندارد.

۶. نظافت و پذیرایی در قسمت بانوان را خود خانم‌ها عهده‌دار شوند.



اگر زنان مثل مردان در مساجد حضور پیدا کنند آینده‌ای
روشن خواهیم داشت و گرنه همچنان در اختلاف و سستی به
سر خواهیم برد.

فصل هفتم

حضور کودکان در مسجد

حضور کودکان در مسجد

از جنینی که در رحم مادر است تا سالخورده، همه حق حضور در مسجد را دارند و نمی‌توان بی‌جهت مانع حضور در مسجد شد.

حضور کودکان و نوجوانان در مسجد مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ چرا که:

۱. یکی از حقوق کودکان بر والدین، حق تربیت دینی و آموزش نماز به آنان نه از تولد که حتی از دوران جنینی و پیشتر از آن است و از ارکان مهم تربیت، فضای مناسب (مسجد) است؛ چرا که کودک حتی زمانی که در رحم مادر است؛ در حال تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری از محیط پیرامون خود است. از این رو زمینه حضور او را در مسجد فراهم آوریم.

۲. سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام استقبال از حضور کودکان در مسجد است:



الف) ایجاد روضه الصِّبَّان (باغ کودکان) در مسجد پیامبر ۶
که پیام‌های متعددی دارد. ۳۰۳



MEHR

Photo: Mahmoud Rahimi

MEHR NEWS AGENCY

۳۰۳. الدّور المسجد فی التّریبة، صفحه ۱۲۸ - ۱۳۲.

ب) همراه بودن نوزادان با مادران در مسجدالنبی.



ج) اختصار نماز جماعت پیامبر به دلیل گریه کودک.^{۳۰۴}

د) استقبال پیامبر از مادران بچه‌دار در مسجد.

۳. اگر ما مانع حضور کودکان به ویژه شیرخوارگان در مساجد شویم، ناخواسته از حضور مادران در مساجد جلوگیری کرده‌ایم و در نتیجه جمع‌کنندگی از بانوان را از مسجد بازداشته‌ایم و این با اهداف اسلام در مسجد هماهنگی ندارد.

۳۰۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۱۵۵: «إِنَّ النَّبِيَّ ۶ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يَوْمٌ أَصْحَابُهُ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ».



۴. کودکان و نوجوانان هدف دشمنان بوده و هستند. بهتر است با فراهم آوردن زمینه‌های حضور آنان در مسجد آنان را یاری کنیم.

۵. خاطرات خوش دوران کودکی سرمایه گرایش‌ها و انتخاب‌های جوانی است. با استقبال از کودکان و نوجوانان در مسجد، خاطرات خوشی در ذهن آنان ترسیم کنیم.



۶. از مؤثرترین و آسان‌ترین شیوه‌های تربیت کودک آن است که پدران و مادران آنان را همراه با خود به مسجد ببرند؛ چرا که دلگرمی خاصی دارند، خصوصاً اگر آنان ترغیب عملی و تشویق هم بشوند.



۷. کودکان را در مسجد مخاطب قرار دهیم تا احساس کنند در مسجد فرع و تابع نیستند بلکه اصل هستند.

۸. کودکان و نوجوانان حتی در حال بازی تأثیر می‌پذیرند. لذا حضور آنان در مسجد لزوماً به معنای آرام بودن و عبادت آنان نیست.

۹. کودکان، غیرمستقیم و به تدریج با نماز و احکام جماعت و آداب اجتماعی آشنا می‌شوند.



۱۰. هنوز مهدکودک و مدرسه نتوانسته جای مسجد را پرکند.

۱۱. آینده نیک کودکان در گرو پیوند امروز آنان با مسجد و اهل مسجد است.

وظایف بزرگ‌ترها در قبال کودکان

الف) باورها

۱. کودکان امروز، پدرها و مادرها و از مسئولین آینده

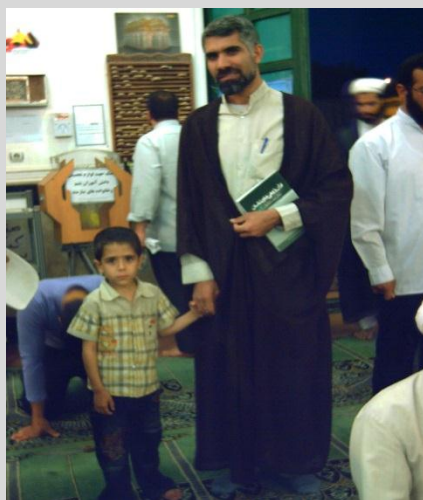
جامعه‌اند.

۲. آینده کودکان مسجدی، روشن‌تر و درخشان‌تر است.

۳. همان‌گونه که به فکر غذا، پوشاک و آینده فرزندانمان

هستیم، باید به فکر تربیت و تدبیر آنها هم باشیم و این در

مسجد آسان و در غیرمسجد محال یا نزدیک به محال است.



۴. تربیت فرزندانمان بهتر از تربیت خودمان باشد، نه مثل خودمان یا بدتر از خودمان.

۵. مدرسه، خانه و سایر مراکز تربیتی کودکان کافی نیست و خلأ مسجد را پر نمی‌کنند. مسجد آثار تربیتی کامل و عمیقی بر کودکان می‌گذارد.

۶. حضور کودکان در مسجد میل به منکرات را در آنان کاهش می‌دهد و در نتیجه امنیت اخلاقی در خانه و جامعه افزایش می‌یابد.



۷. اگر کودکان در مسجد مقابل چشم پدر یا مادر بازی کنند، بهتر از آن است که دور از نظارت آنان دست به کارهای دیگر بزنند.

۸. اگر ما را در کودکی به مسجد نبرده بودند، معلوم نبود اکنون در چه وضعیتی قرار داشتیم. پس شایسته است ضمن دعاکردن برای آنان، زمینه دعای خیر فرزندانمان را برای خود فراهم کنیم. کودکان مسجدی امروز در بزرگسالی به یاد خوبی‌های ما خواهند بود و دعای خیر آنان در حیات و مرگ، زمینه جلب رحمت الهی برای ما خواهد شد.



۷. اگر کودکان را جذب مسجد نکنیم، دیگران آنان را جذب می‌کنند و ما با مشکلات جدی رو به رو خواهیم شد.



۱۰. اگر به دلیل نواقص و کمبودهای برخی مساجد ، کودکانمان را از مسجد بازداریم دچار خسران شده ایم؛ چرا که مسجد هر چه باشد از جاهای دیگر بهتر است.

۱۱. فرزندِ مسجدی بهترین وارث و مصداق باقیات الصالحات است.

۱۲. اگر ما فرزندان خود را مسجدی تربیت کنیم ما را در سنین پیری رها نخواهند کرد و بهترین کمک‌کار و پرستار ما خواهند بود.^{۳۰۵}

۱۳. فرزندان مسجدی ما بعد از ما بیشترین دعا را برای ما خواهند کرد؛ چون در هیچ مکانی مثل مسجد به یاد اموات و والدین نیستند.

ب) راهکارها

۱. مغازه‌داران برای جذب مشتری اسباب بازی داخل مغازه می‌گذارند و در مسجد حضور مردم - به ویژه کودکان - ضروری تر است.

۲. کودکان را همراه خود به مسجد ببریم و آنان را زیر نظر داشته باشیم.

۳۰۵. فرزندان غیر مسجدی کمتر متعهد و مسئولیت‌پذیرند. کسی که در مقابل خداوند مسئولیت نمی‌پذیرد در

قبال پدر و مادر نیز قهراً مسئولیت‌پذیر نیست.

۳. کودکان را در مسجد زیاد نگه نداریم. آنها همچون بزرگ‌ترها پرحوصله نیستند.

۴. در رفت یا برگشت هدیه‌ای برای آنان خریداری کنیم.



۵. اگر چیزی مثل نان و میوه خریدیم، آن را به نام کودکان به منزل ببریم.

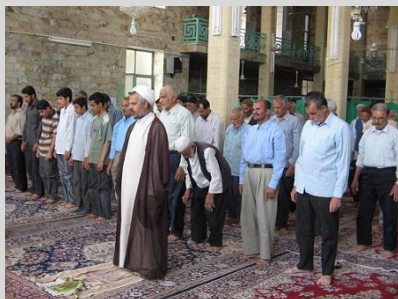
۶. مسئولیت انتظامات کودکان را به افراد میانسال، صبور و خوش اخلاق بسپاریم.

۷. به کودکان مسئولیت بدهیم و آنان را در انجام کارهای مسجد شریک و سهیم کنیم.

۸. ظرفیت و تحمل کودکان را در نظر داشته باشیم.

۹. کودکان را در تنگنا قرار ندهیم و آنان را معطل نکنیم.

۱۰. کودک را از جایی که در مسجد برای خود انتخاب کرده، بلند نکنیم؛ چون جای او غصب محسوب می‌شود و نماز و نشستن در آن اشکال دارد.



۱۱. دختر بچه‌ها را بیش از پسر بچه‌ها مورد توجه و محبت قرار دهیم؛ چرا که دختران عاطفی‌تر از پسران هستند.

۱۲. در پذیرایی، کودکان را مقدم بداریم.

۱۳. برای کودکان مسجدی نذر و وقف خاص داشته باشیم.

۱۴. هنگام برپایی نماز جماعت، کودکان را بین بزرگ‌ترها در صفوف حتی صف اول قرار دهیم و آنان را به عقب نرانیم که علاوه بر کنترل آنها، احساس خودباوری و بزرگی را در آنان شکوفا می‌کند.

۱۵. اگر کودکان بدون همراهی والدین به مسجد آمده‌اند، آنها را تحقیر نکنیم، به آنها احترام بگذاریم.

۱۶. کودکان بی‌سرپرست را با امام مسجد آشنا کنیم تا امام توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشد.



۱۷. برای جذب کودکان به مسجد از آنان پذیرایی کنیم.

۱۸. کلاس آموزشی برای کودکان خوشایند نیست. پس برای آنان کلاس آموزشی نگذاریم و بیشتر با آنان معاشرت و گفتگو کنیم.

۱۹. اگر کودکان خطایی کردند، اغماض کنیم و اگر با آنان برخورد تنیدی شد، جبران کنیم، نه اینکه آنان را سرزنش کنیم.^{۳۰۶}

۲۰. امتیازات کودکان بر اساس حضور باشد، نه خلاقیت و هوش و حافظه تا عده‌ای دلزده نشوند.

۲۱. مراقب باشیم کودکان را به نام مسجد به جاهای دیگر نبرند.

آداب حضور کودکان

۱. حضور در مسجد مختصّ تابستان و تعطیلی‌ها نباشد، بلکه پیوسته با مسجد ارتباط داشته باشند.

۲. تمام اوقات را صرف تکالیف مدرسه، تماشای تلویزیون، بازی و سرگرمی نکنند، بلکه بخشی از اوقات خوب خود را به حضور در مسجد اختصاص دهند.

۳. بهتر است با پدر و مادر و بزرگ‌ترها به مسجد بروند.

۴. آداب حضور در مسجد را مراعات کنند.

۵. با بهتر از خود به مسجد بروند و از رفتن با افرادی که ارزش آنان را کم می‌کنند، پرهیزند.

۶. بدانند که مهمان خدا و محبوب او هستند و خدا آنها را دوست دارد.

۷. با امام مسجد دیدار و خود را به ایشان معرفی کنند.

۸. به پدر و مادر و کسانی که به احترام او به مسجد می‌آیند، احترام بگذارند.



۹. دوستان خود را در مسجد پیدا کنند؛ چرا که دوستان مسجدی از دوستان مدرسه و محله و پارک در مقاومت و از خودگذشتگی بهترند.

۱۰. با افرادِ بهتر از خود در دوستی و رفاقت پیشگام باشند.



۱۱. همیارِ خادمِ مسجد باشند و با وی همکاری کنند.



۱۲. تذکرات بزرگ‌ترها را بپذیرند و بدانند که اهالی مسجد دشمن آنان نیستند.

۱۳. هنگام قرارگرفتن در صفوف نمازجماعت، به نمازگزارانی که جلو و پشت سر آنها قرار دارند، احترام بگذارند.

۱۴. هنگام نماز کنار بزرگ‌ترها بایستند.



۱۵. اگر تصمیم برانجام دادن کاری دارند، با امام مسجد مشورت کنند.

۱۶. اگر کسل و خسته هستند، زیاد در مسجد نمانند.



۱۷. تذکرات دیگران اغلب خیرخواهانه است و قصد آزار و اذیت آنان را ندارند.^{۳۰۷}

۳۰۷. بعضی بزرگ‌ترها در کودکی اشتباهاتی داشته‌اند و نمی‌خواهند کودکان بدان‌ها مبتلا شوند لذا شدیداً با

آنان برخورد می‌کنند.

فصل هشتم

حضور بزرگسالان در مسجد

مسجد با اولویت بزرگسالان

۱. مسجد خانه همه مردم است و هر کس بهتر و بیشتر خدمت بکند و یا بیشتر از آن بهره‌مند بشود مصداق "رجال یحبون ان یطهروا" شناخته می‌شود.
۲. مسجد، نه کودستان است، نه باشگاه جوانان است و نه آسایشگاه سالمندان بلکه مسجد "وُضِعَ لِكَافَّةِ النَّاسِ" و "هُدًى لِّلنَّاسِ" و "قِيَاماً لِّلنَّاسِ" است و بومی و غیر بومی در آن فرقی ندارد^{۳۰۸} و هر کسی هر شخصیتی داشته باشد به پیامبران الهی نمی‌رسد که جملگی یا خادم بوده‌اند و یا معمار و بنای مسجد.

۳۰۸. و سواء العاکف فیہ والباد.....

متأسفانه این روزها جوان‌گرایی و جذب جوانان مطرح است
به نحوی که احیاناً حق جسارت به خود داده و مسجد
بزرگسالان را تحقیر و چه بسا توهین می‌کنند.

با ملاحظه چند نکته به نتیجه‌ای دیگر خواهیم رسید:

۱. پیامبران عمدتاً از بزرگسالان انتخاب شده‌اند.
۲. رهبر معظم انقلاب در بزرگسالی رهبر شد.
۳. مسجدی که پر از جوان باشد و کهنسالان در بین آنها
نباشند خطرناک و حادثه‌ساز خواهد بود.
۴. جوانان نیاز به الگو دارند و معمولاً در اموری مثل
ورزش، تعلیم و تربیت، خود به خود الگوهای بی‌تجربه
انتخاب می‌کنند.
۵. در همه ادیان، میانسالان و کهنسالان، منظم‌ترند و رغبت
بیشتری به معابدشان دارند.
۶. جذب جوان، غلط است ولی جذب کهنسال هم راحت
است و هم غلط نیست.

۷. کهنسالان در تدارکات مسجد و مسجدسازی در خط
مقدمند؛ چون جوانان یا پول ندارند یا تجربه.

۸. در همه اقشار و اصناف وقتی می‌خواهند جوانان را
عاشق کنند از جلو داران و پیشکسوتان تجلیل می‌کنند تا
جوانان راغب گردند.

۹. وقتی ما کهنسالان را توهین می‌کنیم آنها افسرده و منفعل
شده و قهراً از مسجد تبلیغ نمی‌کنند.

۱۰. تجربه تلخ سازمان دانش‌آموزی و جوانان و بسیج و
امثال آن برای ما کافی است؛ با این‌که رؤسای آنان جوان
نیستند. ۳۰۹

۱۱. با توجه به بیمه و بازنشستگی زودرس، فرصت
میانسالان بهتر و بیشتر از جوانان است.

۳۰۹. همانند اینکه کشورهای غربی و عربی ما را متهم به تبعیض زن و مرد می‌کنند در حالی که باید نیمی از
رؤسای جمهور و وزرا و رانندگان آن کشورها زن باشند که نیستند و در کشور ما شاید رانندگی زنان در بعضی
شهرها و کارمندی و کارگری زنان از بعضی کشورها بیشتر باشد و ما غافلیم که آنان آنچه را برای خود
نمی‌پسندند برای ما تجویز و بعد بر ما تحمیل می‌کنند.

۱۲. اگر کهنسالان را از مسجد برانیم فاجعه بزرگی رخ خواهد داد.

۱۳. به دلیل برخورد ناشایست بعضی‌ها و مسائلی که مطرح می‌کنند عده‌ای از کهنسالان به حسینیه‌ها و هیئت‌ها رو می‌آورند که ضرر آن کم نیست و به گونه‌ای تخریب مسجد است.

۱۴. معمولاً جوانان دوست دارند مسجد با حشمت، باشکوه و باوقار باشد لذا خود جوانان کهنسالان را در مسجد در صدر و در هیئت‌ها جلو قرار می‌دهند.

۱۵. اگر جوانان از کهنسالان در مسجد الگو نگیرند پس کجا الگو بگیرند.

۱۶. مسجد جای همه است و نباید فریب وساوس شیطانی را خورد و گوش به حرف‌های خناس‌ها داد. همان‌گونه که باید جوانان باشند پیران و کهنسالان نیز باید باشند و همان‌گونه که باید مردان باشند زنان هم باید باشند.

۱۷. این که گفته‌اند کودکان را از صف‌های اول جماعت عقب نرانید بدان معنا نیست که کودکان جلو و پیرمردها عقب باشند. قهراً در مسجد هم مثل اماکن دیگر مسن‌ترها را جلو می‌اندازند چنان‌چه در ترجیحاتِ دو امام داریم که هر کدام مسن‌تر هستند امامت کنند.

فصل نهم: فضایل و آداب حضور در مسجد

قال الجبرئیل علیه السلام لرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : احب اهلها الی الله اولهم دخولا و آخرهم خروجا منهم.

کافی ، ج ۳ ، ص ۴۸۹

محبوبترین اهل مساجد نزد خداوند کسی است که پیش از همه وارد مسجد و پس از همه از آن خارج گردد.

آداب ورود به مسجد

ادخلوها بسلام آمین

هنگام ورود

۱. چنانچه گفته شد با وضو باشیم.

۲. قبل از اذان وارد مسجد شویم که نشانه ادب فرمانبری است؛ چرا که اذان، فرمان حضور است و فرمان بردن قبل از صدور فرمان، هنر بندگی است.^{۳۱۰}

۳. قبل از فرارسیدن وقت نماز به مسجد وارد شویم تا رزق ما افزایش یابد.^{۳۱۱}

۴. قبل از همه وارد و بعد از همه خارج شویم.^{۳۱۲}

^{۳۱۰} . مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۵۲، ص ۴۳۴، ح ۱: الْقَطْبُ الرَّوْنَدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنْ عَلِيٍّ ۷ قَالَ: السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْإِذَانِ وَ الْمُقْتَصِدُ مَنْ دَخَلَ بَعْدَ الْإِذَانِ وَ الظَّالِمُ مَنْ دَخَلَ بَعْدَ الْإِقَامَةِ.....

^{۳۱۱} . بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۸: «قال الحسن بن علي ۷: وَ حُضُورُ الْمَسْجِدِ قَبْلَ الْإِذَانِ وَ الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الطَّهَارَةِ وَ آدَاءُ سُنَّةٍ...».



۵. از تأخیر در ورود بیرهیزیم که ظلم است. ۳۱۳ اگر زود رسیدیم، در مسابقه برنده ایم و جزء "السابقون السابقون" هستیم.

۶. پاهای خود را بررسی کنیم و بلکه بشویم تا کثیف و بدبو نباشند.

۷. توجه کنیم که سر و صورتمان آشفته و ژولیده و نامناسب نباشد.

۸. بیماری مسری نداشته باشیم.

۳۱۲. کافی، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۱۴: «قال رسول الله ۶ لَجَبْرَيْلَ ۷: يَا جَبْرَيْلُ أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

۳۱۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۳: «عَنْ عَلِيِّ ۷ قَالَ: السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْأَذَانِ وَالْمُقْتَصِدُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْأَذَانِ وَالظَّالِمُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْإِقَامَةِ».

۹. عیب‌ها، زخم‌ها، جراحت‌ها، مرض‌های پوستی و آنچه را که مردم از دیدن آن مشمئز می‌شوند، به هنگام حضور در مسجد بیوشانیم.^{۳۱۴}

۱۰. دهان و بدن ما بوی بد و آزاردهنده ندهد.^{۳۱۵}

۱۱. لباسمان تمیز و معطر باشد.^{۳۱۶}

۱۲. بهترین لباسمان را به تن داشته باشیم.^{۳۱۷}

۳۱۴

۳۱۵. بحارالانوار، ج ۶۳، باب البصل و النوم، ص ۲۴۸، ح ۳: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۷ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النَّوْمِ فَقَالَ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ عَنْهُ لِرِيحِهِ فَقَالَ مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الثَّقَلَةَ الْمُنْتَنَةَ فَلَا يَقْرَبُ مَسْجِدًا فَأَمَّا مَنْ أَكَلَهُ وَ لَمْ يَأْتِ الْمَسْجِدَ فَلَا بَأْسَ.

۳۱۶. «عَنِ الصَّادِقِ ۷ قَالَ: رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ».

۳۱۷. برخی مستندات: ۱- امام حسن ۷ چنین می‌کردند وقتی دلیل آن را از ایشان پرسیدند فرمودند: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي؛ وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۵۴، ص ۴۵۵، ح ۵۷۰۴: رَوَى الْعِيَّاشِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ۷ أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ. فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْمَلَ ثِيَابِي.

۲- هر وقت لباس نو خریدیم اولین مرتبه برای حضور در مسجد آن را بیوشیم چنانچه در دعای پوشیدن

لباس نو در اولین مرتبه آمده است: وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ.....

۱۳. اگر بدن و اندام ما نامتناسب است، آن را مخفی کنیم یا

پوشانیم.

۱۴. با خضوع و خشوع وارد شویم.

۱۵. قدری درنگ و تأمل کنیم و سپس وارد شویم.



۱۶. اجازه ورود بخواهیم و اذن دخول بخوانیم.

۳- امام سجاد ۷ را در نیمه شبی در سرما با لباس‌های شیک (خز) دیدند که به مسجد می‌رود از ایشان پرسیدند برای خواستگاری می‌روید؟ فرمودند: به مسجد جدم برای خواستگاری حورالعین می‌روم؛ کافی، ج ۶، باب الغالیة، ص ۵۱۷، ح ۵: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ۷ اسْتَقْبَلَهُ مَوْلَى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ خَزٌّ وَمِطْرَفٌ خَزٌّ وَعِمَامَةٌ خَزٌّ وَهُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدِ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ص أَخْطَبُ الْحُورَ الْعَيْنَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

۱۷. با وقار و آرامش وارد شویم. ۳۱۸

۱۸. دعاهاى ورود به مسجد را بخوانیم. ۳۱۹



۱۹. به پیامبر و اهل بیت آن حضرت سلام کنیم. ۳۲۰

۳۱۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۷۲۳: وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سُكُونٍ وَ وَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَأَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ.

۳۱۹. مانند این دعاها: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»، «إِلَهِي ضَيْفُكَ بِيَابِكَ يَا مُحْسِنٌ قَدْ أَتَاكَ الْمُسْتَضِيءُ فَتَجَاوَزْ عَن قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمٌ»، «إِلَهِي عَبْدُكَ بِيَابِكَ» و «قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي».

۳۲۰. در دعای ورود «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ» داریم که ضمیر آن مخاطب است؛ گویا پیامبر ۹ را می بینیم. بعضی می گویند: یکی از ادله آن این است که زیارت مسجد، زیارت پیامبر است؛ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَلْيَدْخُلْ رِجْلَهُ الْيُمْنَى قَبْلَ الْبُسْرَى وَ لْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

۲۰. بدانیم چون مهمان خداوند هستیم، مسجد خوشحال می‌شود^{۳۲۱} و ما را در آغوش می‌گیرد.

۲۱. هنگام ورود به دیگران تعارف نکنیم؛ چرا که اهمیت سبقت گرفتن در ورود به مسجد بالاتر از اهمیت تعارف است.^{۳۲۲}

۲۲. در ورود و خروج، حق تقدم با کسی است که خارج مسجد است.



آلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحَ لَنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاجْعَلْنَا مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ جَلَّ تَنَاءُ وَجْهِكَ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۷۲۳)

۳۲۱.

۳۲۲. سوره بقره، آیه ۱۴۸: (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ)

۲۳. با حالت کسالت و خستگی وارد نشویم،^{۳۲۳} بلکه شاد و

سرزنده و با نشاط باشیم.



۲۴. با عجله و شتابزدگی وارد نشویم و هنگام ورود

آرامش و وقار داشته باشیم.

۲۵. از سمت راست حرکت کنیم.

^{۳۲۳}. سوره نساء، آیه ۱۴۲: (وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُتْلَى).

۲۶. با پای راست داخل شویم.^{۳۲۴}



۲۷. بدون سروصدا وارد شویم و نظم مسجد را به هم نزنیم.

۲۸. کفش و جورابی داشته باشیم که پاهای ما را بدبو نکند و اگر چنین شده آن را برطرف کنیم.

۲۹. کفش‌های دیگران را پایمال و لگدمال نکنیم.

^{۳۲۴}. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۴۰، ص ۲۴۶، ح ۶۴۵۸: عَنْ يُوسُفَ عَنْهُمْ ۷ قَالَ: الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ

تَبْدَأُ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَبِالْيُسْرَى إِذَا خَرَجْتَ.



۳۰. بهتر است کفش‌هایی ارزان قیمت بپوشیم تا دغدغه‌ای نداشته و نگهداری آنها نیز دشوار نباشد.

۳۱. حتی الامکان بدون کفش وارد مسجد شویم؛ چرا که مسجد از وادی مقدس، مقدس‌تر است.^{۳۲۵}

۳۲. کفش‌هایمان را تا جایی که ممکن است داخل مسجد نبریم.

۳۲۵. سوره طه، آیات ۱۱ و ۱۲: (فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى)؛ هنگامی که (حضرت موسی) نزد آتش آمد ندا داده شد که: ای موسی من پروردگار توام؛ کفش‌هایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس طوی هستی.



۳۳. اگر لازم است کفش‌هایمان را با خود ببریم، آنها را واریسی کنیم تا آلودگی نداشته باشند.^{۳۲۶}

۳۴. کفش‌هایمان را در کیسه‌ای بگذاریم و به دست چپ بگیریم.

۳۵. اگر دیگران مشغول نمازند، به آنان سلام نکنیم،^{۳۲۷} بلکه آهسته به پیامبر اکرم و خودمان سلام کنیم.

^{۳۲۶}. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۲۴، ص ۲۲۹، ح ۶۴۰۹: قَالَ النَّبِيُّ ۹: تَعَاهَدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ.

^{۳۲۷}. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۷: قَالَ أَبِي جَعْفَرٍ ۷: «إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالْقَوْمُ يُصَلُّونَ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ

سَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ أَقْبِلْ عَلَى صَلَاتِكَ»

۳۶. اگر دیگران نمازشان تمام شده است و آمادگی جواب دادن دارند، به آنان سلام کنیم.^{۳۲۸}

۳۷. اگر مسجدی‌ها به ما سلام کردند، جواب سلامشان را بدهیم.^{۳۲۹}

پس از ورود

الف) فضایل

۱. مسجد از ورود ما خوشحال می‌شود.

۲. ملائکه به ما سلام می‌کنند.

۳. با ورود به مسجد هم زائر خداوند شده‌ایم،^{۳۳۰} هم مهمان

خداوند^{۳۳۱} و هم همسایه خداوند.^{۳۳۲}

۳۲۸. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۱: «قَالَ الْبَاقِرُ ۷: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ».

۳۲۹. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۰۶ «عَنِ الْبَاقِرِ ۷: وَإِذَا سَلَّمَ عَلَيْكَ فَارْجُدْ فَإِنِّي أَفْعَلُهُ».

۳۳۰. ارشاد القلوب، ص ۷۷: «قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ۷: أَهْلُ الْمَسْجِدِ رُؤَاؤُ اللَّهِ».

۳۳۱. وسائل الشیعه، ج ۴، باب ۲، ص ۱۱۶، ح ۴۶۶۴: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ مِنْ خَالِصَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَيُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَرَجُلٌ

دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى وَعَقَّبَ أَنْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ الْآخِرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ وَالْحَاجُّ وَ

الْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَفَدَّ اللَّهُ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَّهُ».

۴. چون مهمان خدا هستیم، خدا از ما پذیرایی می‌کند.

۵. شاکر خداوند باشیم که ما را به خانه‌اش دعوت کرده است.^{۳۳۳}

۶. در مسابقه بندگی پیروز شده‌ایم و محبوب خدا گردیده‌ایم.^{۳۳۴}

۷. با حضور در مسجد بر شیطان پیروز شده‌ایم.

۸. از بلا و مصیبت در امان مانده‌ایم.^{۳۳۵}

۷. همنشین ملائکه شده‌ایم.^{۳۳۶}

۳۳۲. تنبيه الغافلين، ج ۳۰۳، ح ۴۲۸: «ثَلَاثَةٌ فِي جَوَارِ اللَّهِ تَعَالَى: رَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا لِلَّهِ فَهُوَ صَيفُ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْجِعَ».

۳۳۳. التهذيب، ج ۵، باب ۸، ص ۱۰۰، ح ۱۲: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: تَقُولُ وَأَنْتَ عَلَيَّ بَابِ الْمَسْجِدِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُؤَارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُعْمَرُ مَسَاجِدَهُ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

۳۳۴. سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱: (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)

۳۳۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: إِذَا نَزَلَتْ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ».

۳۳۶. «الْمَلَائِكَةُ جُلَسَائِهِمْ».

ب) آداب

۱. از خداوند برای کسانی که توفیق ورود به مسجد را ندارند، توفیق بخواهیم.

۲. هنگام ورود درب مسجد را ببوسیم و با دست مالیدن تبرک و استلام کنیم و ارادت و علاقه خود را نشان دهیم.



۳. کفش‌هایمان را جلو سجده‌گاه خود و دیگران نگذاریم.

۴. مسجد را محل عبور و مرور خود قرار ندهیم، مگر اینکه در آن دو رکعت نماز بخوانیم.^{۳۳۷}

۳۳۷. امالی، ص ۵۰۹: « قَالَ النَّبِيُّ ۶ : لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ ».

۵. تلفن همراه را در حالت سکوت قرار دهیم تا نظم مسجد و تمرکز دیگران و خود را به هم نزنیم.



۶. از روی سر و گردن دیگران رد نشود.^{۳۳۸}

۷. از جلو نمازگزاران تردد نکنیم.

۳۳۸. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۷: «قالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: وَ لَمْ يُؤْذِرْ أَحَدًا وَ لَمْ يَتَخَطَّ رِقَابَ النَّاسِ».

فضیلت و آداب نماز تحیت^{۳۳۹}

أَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا^{۳۴۰}

أَدْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ^{۳۴۱}

نماز تحیت، حق مسجد است.

مسجد از درک و آگاهی ویژه‌ای برخوردار است و خوشحال و ناراحت می‌شود و دعا و نفرین می‌کند و حتی روز قیامت از بعضی شکایت و برای بعضی شفاعت می‌کند.

مسجد استقبال و بدرقه می‌کند و حقی بر بهره‌مندان از مسجد دارد. فضیلت حضور در مسجد و ارزش افزوده‌ای که به حضور و نماز و قرائت قرآن و حتی نفس کشیدن ما می‌دهد، از هر جای دیگر بهتر و بیشتر است.

۳۳۹. مسند احمد، ج ۵، ص ۳۰۵: «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ».

۳۴۰. سوره بقره، آیه ۵۸ و نساء، آیه ۱۵۴ و اعراف، آیه ۱۶۱.

۳۴۱. سوره مائده، آیه ۲۱.

پیامبر ۶ و اهل بیت ۷ برای مسجد احترام خاصی قائل بودند و دستورهایی برای ادب و احترام مسجد به ما داده‌اند.

اگر ما بخواهیم به دربار دیگران وارد شویم، باید هفت خان را پشت سر بگذاریم؛ در حالی که خداوند به راحتی به ما اجازه ورود به هر مسجدی می‌دهد^{۳۴۲} و به فرموده حضرت زهرا (س) با "باب الله"^{۳۴۳} حداقل مثل کاخ‌های بندگان خدا برخورد کنیم.^{۳۴۴}

لذا خواندن دو رکعت «نماز تحیّت» پس از ورود به مسجد، ادب مسجد است. بدون توجه و بی‌ادبانه وارد نشویم؛ چرا که نماز، تحیت و تحفه مسجد است؛ نمازی که بهترین عمل و رکن دین و آبروی مسلمان است و اگر قبول شود همه کارهای ما امضا و پذیرفته می‌شود و در جای جای زندگی ما حضور

۳۴۲

۳۴۳

۳۴۴. لذا برخی از علما درب مسجد را بوسیده و برخی غبار مسجد را تیرک می‌جستند.

فعال دارد. نماز، زینت مسجد و از آداب مسجد است نه از آداب نماز حضور در مسجد.

نماز تحیّت زیباترین نماز مستحبی است که در مسجد خوانده می‌شود؛ چرا که بهتر است نمازهای مستحبی دیگر را در خانه بخوانیم تا نماز واجب در مسجد ابهت و شاخص و ویژگی خاصی داشته باشد.

آداب نماز تحیّت

۱. از حقوق مسجد - که از آداب هم بالاتر است - تحیّت است.^{۳۴۵} تحیّت و سلام آدابی است از انسان بصیر و هوشیار که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.
۲. نماز تحیت بهترین نماز مستحبی است که در مسجد خوانده می‌شود.

^{۳۴۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۳۳، ص ۳۹۵، ح ۱: عَنْ عَلِيٍّ ۷ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مِنْ حَقِّ الْمَسْجِدِ إِذَا

دَخَلْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ رُكْعَتَيْنِ وَ مِنْ حَقِّ الرُّكْعَتَيْنِ أَنْ تُقْرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَ مِنْ حَقِّ الْقُرْآنِ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا فِيهِ.

۳. هر نمازی - حتی نماز واجب می‌تواند به قصد تحیت مسجد خوانده شود. مهم آن است که اولین اقدام در اولین لحظه ورود و قبل از نشستن به جا آوردن نماز تحیت باشد و حتی بهتر است قبل از گذاشتن مهر و اشیای همراه خود به زمین نماز را ببندد.^{۳۴۶}



۴. اگر نماز تحیت خواندیم و از مسجد خارج شدیم و بازگشت ما به طول انجامید، مجدداً نماز تحیت را بخوانیم.^{۳۴۷}

۳۴۶. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۴: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ».

۳۴۷. نماز تحیت مانند نماز صبح خوانده می‌شود و فقط در نیت با آن متفاوت است.

۵. اگر کسی بخواهد از داخل مسجدی عبور کند و نماز

تحیت نخواند به مسجد جفا کرده است.^{۳۴۸}

۶. اگر کسی از کنار مسجدی عبور می‌کند بهتر است وارد

مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند و سپس ادامه مسیر

دهد.

۷. خواندن نماز تحیت مسجد هنگامی است که:

۱. امام جمعه مشغول ایراد خطبه یا خواندن نماز جمعه

نباشد.^{۳۴۹}

۲. وقت اقامه نماز جماعت نباشد.^{۳۵۰}

۳. فرصت برای خواندن نماز واجب، تنگ نباشد.

^{۳۴۸}. مستدرک الوسائل، ج ۵، باب ۵۱، ص ۳۹۵، ح ۱: الْقُطْبُ الرَّأْوَدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ۶ قَالَ: وَلَا

تَتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا وَرُويَ أَنَّ مِنْ الْجَفَاءِ أَنْ تَمُرَّ بِالْمَسْجِدِ وَلَا تُصَلِّيَ فِيهِ.

^{۳۴۹}. تهذيب الاحكام، ج ۱، ص ۲۸۱: «قَالَ النَّبِيُّ ۶: إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَالْبَلالُ يُقِيمُ جَلَسَ».

^{۳۵۰}. همان.

پس از نماز تحیت به شکرانه توفیق حضور در مسجد سجده
شکر به جا آوریم.

جلوس در مسجد

الف) فضایل جلوس

۱. نشستن در مسجد بهتر از جلوس در بهشت است.^{۳۵۱}
۲. عبادت و بندگی خداست، حتی اگر کاری نکنیم و ذکر
نگوییم.^{۳۵۲}
۳. بهترین نوع آمادگی برای فرمان‌بری از خداوند و مبارزه
علیه فسق و فجور است.
۴. بهترین نوع عزلت‌نشینی و کناره‌گیری از دنیای مذموم
است.^{۳۵۳}

۳۵۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۱۸: «أَنَّه قَالَ ۷: الْجُلُوسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجُلُوسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضَا نَفْسِي وَالْجَامِعَ فِيهِ رِضَا رَبِّي».

۳۵۲. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۸۰: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: خَمْسٌ مِنَ الْعِبَادَةِ: ... وَالْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ».

۳۵۳. کافی، ج ۲، ص ۶۶۲: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: الْإِتِّكَاءُ فِي الْمَسْجِدِ رُهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ. إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَصَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ».

۵. جلوس در مسجد بهترین راه برای جلب روزی است.^{۳۵۴}

و بالاخره نفس کشیدن در مسجد مایه کسب درجات بهشت،
جذب حسنات و محو سیئات است.^{۳۵۵}

ب) مکان جلوس

در نقاط مختلف مسجد بنشینیم تا روز قیامت جای جای
مسجد به حضور ما شهادت بدهد.^{۳۵۶}

۱. بهترین مکان برای نشستن سمت راست مسجد و محراب
است.

۲. در محل عبور دیگران ننشینیم.

۳۵۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۰: «الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ»

۳۵۵. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۵: «فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ»

۳۵۶. امالی، ص ۴۴۰: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۷ أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَنَاهَا مُنْطَهَرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُؤَارِهِ فَأَكْتَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ وَ صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنْ كُلُّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۳. اگر می‌خواهیم زود از مسجد خارج شویم، نزدیک درب خروجی مسجد بنشینیم تا با خروج ما نظم مسجد به هم نخورد.



۴. سعی کنیم کنار افرادی بهتر از خود بنشینیم.



۵. اگر کسی از ما خواست که کنارش بنشینیم، دعوتش را اجابت کنیم.

۶. جای دیگران ننشینیم.



۷. اگر دیگری از ما جا خواست - مخصوصاً اگر جا کم باشد

- به او جا بدهیم.^{۳۵۷}

۸. جایگاه اختصاصی برای خود درست نکنیم.

ج) کیفیت جلوس

۱. اگر نیاز به تکیه‌گاه یا صندلی داریم، خودمان آن را

انتخاب کنیم و در محل دلخواه قرار دهیم.

^{۳۵۷} . سوره مجادله، آیه ۱۱: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ.



۲. نوع نشستن ما توهین آمیز و مایه هتک حرمت مسجد
نباشد. ۳۵۸

۳. جز در وقت خواندن نماز، لازم نیست در صفوفی متصل
و به هم فشرده و در کنار هم بنشینیم.



۳۵۸. لازم نیست دو زانو یا چهار زانو بنشینیم، بلکه دهها گونه می توانیم بنشینیم که در جای خود بحث
خواهد شد.

۴. با حالت کسالت و خستگی نشینیم تا بر اطرافیانمان تأثیر منفی بگذاریم.

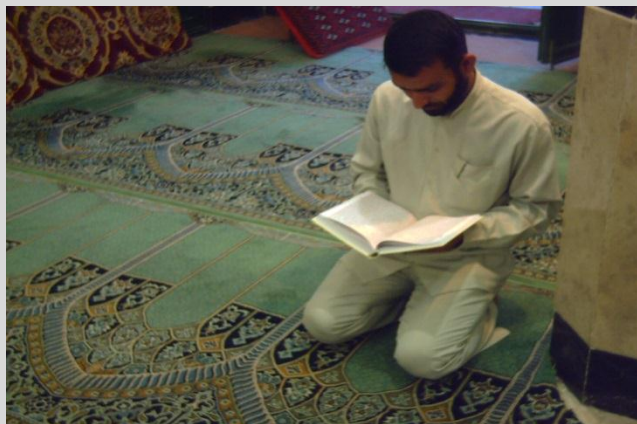
۵. نخست دست‌ها را به زمین بگذاریم، سپس بنشینیم.

د) انواع جلوس

جلوس در مسجد ده‌ها نوع است که برخی از آنها را برمی-

شماریم:

۱. دو زانو در حال استماع مطالب دینی.



۲. چهار زانو برای مذاکره و گفتگو.



۳. زانو به بغل برای تفکر.



۴. در حال تجافی (وقتی یک رکعت از امام جماعت عقب

مانده‌ایم).

۵. روی پای چپ (هنگام خواندن تشهد).



۶. تکیه دادن با یک زانو.

۷. تکیه دادن با دراز کردن پاها.

۸. نشستن سرِپا.

۹. پشت به قبله (بری امام جماعت قبل و بعد از خواندن نماز جماعت).

۱۰. رو به قبله (مخصوصاً هنگام خواندن نماز).

۱۱. متصل به دیگران در صف (وقت جماعت).

۱۲. در غیر صف (در غیر نماز).

۱۳. نشستن روی صندلی.

۱۴. نشستن روی منبر یا کرسی درس یا پله‌های منبر.

۱۵. نشستن مقابل هم (برای تلاوت و مقابله قرآن).

۱۶. نشسته نماز خواندن.

۱۷. نشستن در صفه و سگّو برای استراحت.



ه) آداب جلوس

۱. مزاحم افراد جلو و پشت سر خود نشویم.

۲. از افرادی که پشت سر نشسته‌اند، عذرخواهی کنیم و به

افراد جلو احترام بگذاریم.

۳. زود بنشینیم تا کسانی که ما را احترام می‌کنند، اذیت

نشوند.

۴. در صورت کمبود جا با جمع کردن خود به دیگران هم

جا بدهیم. ۳۵۹



جاهای خالی مسجد را پر کنیم.

۵. به دیگران احترام بگذاریم و به نشانه احترام مقداری از

جای خود حرکت کنیم.

۶.

۳۵۹. سوره مجادله، آیه ۱۱: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ).



فضایل و آثار حضور و توقف در مسجد

الف) فضایل و آثار معنوی

۱. حضور و توقف در مسجد ما را در شمار آبادکنندگان مسجد قرار می‌دهد.

۲. به هدف خلقت نزدیک شده‌ایم؛ چرا که هدف از خلقت جنّ و انسان چیزی جز عبادت و بندگی نیست.^{۳۶۰} حضور در مسجد از بهترین عبادات و مسجد بهترین جایگاه نماز است.

۳. به زیارت خداوند که بالاترین توفیق است نایل گردیده‌ایم.^{۳۶۱}

۳۶۰. سوره ذاریات، آیه ۵۶: (ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ).

۴. به بهترین اطاعت خدا و رسول موفق شده‌ایم.



۵. از محبت خداوند برخوردار گردیده‌ایم؛ چرا که ما را به خانه خود دعوت کرده است.^{۳۶۲}

۶. دعوت خداوند را لیبیک گفته‌ایم.^{۳۶۳}

۷. خداوند از ما به بهترین وجه پذیرایی می‌کند.

۳۶۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قَيْمَ مَسْجِدٍ».

۳۶۲. همان.

۳۶۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۶۴۲۱: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ».

۸. خداوند پشت و پناه ما می شود. ۳۶۴

۹. حاجات ما برآورده می شود. ۳۶۵

۱۰. نشاط روحی و روانی پیدا کرده ایم.



۳۳۷ و ۳۳۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۲۴، ص ۳۸۴، ح ۱: الْقُطْبُ الرَّوْنَدِيُّ فِي كِتَابِ لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ۶ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّ عَتْرَتِي إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي وَمَنْ أَحَبَّ عَتْرَتِي فَلْيُحِبَّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبَّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أُنْبِيَّةُ اللَّهِ وَ أُنْبِيَّتُهُ أذنَ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مَيْمُونَةٌ مَيْمُونٌ أَهْلُهَا مُزِينَةٌ مُزِينٌ أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ.

۱۱. فکر، معتدل و زندگی، متعادل می‌گردد و از افراط و تفریط در همه امور - اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... - نجات پیدا می‌کنیم.^{۳۶۶}

۱۲. از گناهان پاک شده و به درجاتی از معنویت و قرب خداوند دست یافته‌ایم.^{۳۶۷}

۱۳. از بلاها و مصیبت‌ها در امان مانده‌ایم.^{۳۶۸}

۱۴. بهترین امر خیر را انجام داده‌ایم.

۱۵. از پرچمداران بهشت می‌شویم.^{۳۶۹}

۳۶۶. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۳: «قال رَسُولُ اللَّهِ ۶: مَنْ اعْتَادَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْعَدَالَةِ».

۳۶۷. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۷: «قال النَّبِيُّ ۶: يَا أَبَا رٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ فِيهِ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ تَصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ».

۳۶۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶: «قال رَسُولُ اللَّهِ ۶: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَ الْآفَاتُ عُوْفَى أَهْلُ الْمَسَاجِدِ».

۳۶۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۵۲، ص ۴۳۴، ح ۱: قال رَسُولُ اللَّهِ ۶: يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأَلْوِيَةِ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْفِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ هُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالْأَسْحَارِ وَ غَيْرِهَا.

ب: فضایل سیاسی - اجتماعی

۱. بهترین نشانه التزام عملی به اسلام و بالاترین مصداق آن است.^{۳۷۰}

۲. گمنام و منزوی نخواهیم بود.^{۳۷۱}

۳. به بهترین شیوه از نظام اسلامی پشتیبانی کرده‌ایم.^{۳۷۲}

۴. شهدا و امام شهدارا خشنود کرده‌ایم.

۳۷۰. التزام عملی به اسلام که ملاک گزینش مسئولین است، در غیر حضور در مسجد یافت نمی‌شود.

۳۷۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ يَقُولُ: رُفِعَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۹ بِالْكَوْفَةِ أَنْ قَوْمًا مِنْ جِيرَانِ الْمَسْجِدِ لَا يُشْهَدُونَ الصَّلَاةَ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ. فَقَالَ ۹: لِيَحْضُرَنَّ مَعَنَا صَلَاتَنَا جَمَاعَةً، أَوْ لِيَتَحَوَّلَنَّ عَنَّا، وَلَا يُجَاوِرُونَا وَلَا نَجَاوِرُهُمْ».

۳۷۲. برای پشتیبانی از اسلام اموری مطرح است که هیچ‌کدام به اندازه حضور در مساجد و رونق مساجد نظام اسلامی را حمایت نمی‌کند.



۵. دوستانمان را شاد و دشمنانمان را خوار و ذلیل کرده‌ایم.

۶. به زندگی خود نظم و نظام داده‌ایم.

۷. به دیدار عالم دینی و یا دوستان وارسته شرفیاب شده‌ایم.



۸. عالمانه فکر و زندگی می‌کنیم.

۹. در جامعه عادل محسوب می‌گردیم و زندگی متعادلی خواهیم داشت.

۱۰. از نفاق و دورویی به دور می‌مانیم و منافق به حساب نمی‌آییم.

ج: فضایل اخروی

۱. در سایه خدا قرار می‌گیریم.

۲. به مقام رضایت خداوند نایل می‌آییم.

۲. روز قیامت مسجد به حضور ما شهادت خواهد داد. ^{۳۷۳}

۳. مثل برق از پل صراط عبور می‌کنیم. ^{۳۷۴}

۴. شفاعت می‌کنیم و شفاعت می‌شویم. ^{۳۷۵}

۳۷۳. امالی، ص ۴۴۰: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۷ أَنَّهُ قَالَ: «وَصَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعِ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۳۷۴. وسائل الشَّيْخِ، ج ۸، ص ۳۰۸، ح ۱۰۷۴۴: «مَنْ حَافَظَ عَلَى الْجَمَاعَةِ حَيْثُمَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَوَجْهُهُ أَضْوَأُ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ».

۵. بدون محاسبه و معطلی وارد بهشت می شویم.^{۳۷۶}

۶. همسایه خدا می شویم.^{۳۷۷}

۷. تا زمانی که در مسجدیم، ثواب نماز برای ما ثبت

می شود؛ اگر چه نماز نخوانیم.^{۳۷۸}

آداب حضور در مسجد

الف) آداب شخصی

چون مسجد محل امن و آلودگی صوتی مضر به امنیت است و مردم از آلودگی صوتی و روانی به مسجد پناه می برند در روایات به این مسأله به صورتی جدی توجه توجه کرده و صدای بلند را به هر صورت نکوهش کرده اند فقط اذان را در

^{۳۷۶}

^{۳۷۷}

۳۷۸. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۰۷: «عَنِ النَّبِيِّ ۶: وَ أَنْ أَحَدَكُمْ لَا يَزَالُ فِي صَلَاةٍ مَادَامَ فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ».

شرایطی آن هم چون اعلام وقت و شعار ملی است جایز و صدای بلند را مصداق تخریب مسجد و علامت عذاب و از علائم آخر الزمان دانسته‌اند و بهترین شیوه عمران مسجد را بلند نکردن صدا در آن برشمرده‌اند.

۱. ساکت و آرام باشیم و از سروصدا و جار و جنجال

پرهیزیم و مسجد را ساکت و آرام نگه داریم.

۲. خنده، عطسه و سرفه بلند و صدادار نداشته باشیم.

۳. مسجد را ساکت و آرام نگه داریم.^{۳۷۹}

۴. از بلند خواندن ذکر، دعا، قرآن و مقدمات و تعقیبات

نماز پرهیزیم.^{۳۸۰}

۵. بی جهت صدایمان را بلند نکنیم.^{۳۸۱}

۳۷۹. بعضی از اهل سنت شنیدن ذکر دیگران را جایز نمی‌دانند و احياناً حرام می‌دانند مگر مسائل حساس سیاسی که با ابهت مطرح می‌شود یا داعی که یک نفر بخواند و دیگران آمین بگویند لذا نه اهل سنت درست عمل می‌کنند - که سکوت مطلق را حاکم می‌کنند و نه کردار شیعه که مسجد را پر از همهمه و سر و صدا می‌کنند.

۳۸۰. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كَلِمَتَكُمْ مُنَاجِ رَبِّهِ فَلَا يُؤْذِنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ».

۶. از جمع خوانی بپرهیزیم.

۷. بیهوده نخندیم.

۸. زیاد بگو مگو نداشته باشیم و زیاد سخن نگوییم.

و اما برخی آداب شخصی دیگر:

۱. از شلوغی مسجد لذت ببریم و از خلوتی آن نگران باشیم.

۲. از نماز، قرآن و ذکر غفلت نکنیم.



۳. منتظر رحمت خدا باشیم.

۳۸۱. سوره نساء، آیه ۱۴۸: (لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ).

۴. برای شنیدن صوت اذان و اقامه نماز جماعت لحظه-

شماری کنیم که فضیلت و پاداش زیادی دارد.

۴. مقدمات نماز را به جا آوریم و آماده شرکت در نماز

جماعت باشیم.

۵. خوشحال و امیدوار باشیم.^{۳۸۲}

۶. انگشتان را مُسَبِّک نکنیم.

۷. نعمت حضور در مسجد را پاس بداریم و از خداوند نیز

شاگرد باشیم.



۳۸۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۹: «كَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى التَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً...».

۸. بیشتر اوقات، مشغول تفکر باشیم که عبادتی بس بزرگ است.^{۳۸۳}

۹. از زبان‌های دوم و یا رمزی که مرسوم نیست و همه نمی-فهمند استفاده نکنیم.^{۳۸۴}

۱۰. اگر عطسه و سرفه آمد چیزی را جلو دهان خود بگیریم و بدون این که به کسی بی‌احترامی شود به سمت چپ بگردیم و عطسه یا سرفه کنیم.

۱۱. اگر هیچ‌کس در مسجد نیست زمزمه کنیم اما همین که کسی آمد سکوت را مراعات کنیم.

۱۲. قصدمان این باشد که زیاد در مسجد بمانیم؛ اگر چه موفق به آن نشویم.

آداب اجتماعی

۱. به بچه‌ها سلام کنیم و احترام بزرگ‌ترها را نگاه داریم.^{۳۸۵}

۳۸۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۳، ح ۲: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.»



۲. از حاضرین احوالپرسی و از غایبین پرس و جو کنیم.
۳. با کناردستی‌ها و کسانی که جلو و عقب ما هستند بی-ارتباط نباشیم.
۴. لازم نیست در صف و تنگ هم و فشرده بنشینیم.
۵. کنار بهتر از خود بنشینیم و کنار کسانی که آداب را مراعات نمی‌کنند نشینیم.

۳۸۵. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳، ح ۱۳۴۹۴: «عَنْ عَلِيٍّ ۷ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ۶ خَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: ... وَفَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ».

۶. اهل مسجد را دوست بداریم و به آنها خدمت کنیم.

۷. مزاحم عبادت دیگران نشویم و آنان را آزرده خاطر

نکنیم.^{۳۸۶}

۸. کاری را که موجب اذیت دیگران است، انجام ندهیم.

۹. با دیگری درگوشی (نجوا)^{۳۸۷} و یا با زبان رمزی صحبت

نکنیم.^{۳۸۸}

۱۰. به مهمان و غریبه و تازه‌وارد توجه ویژه داشته باشیم.

۱۱. دیگران را در قول و عمل تحقیر نکنیم.

۱۲. برای خود یا شخص خاصی امتیاز قائل نباشیم؛ چرا که

در مسجد همگان همسان هستند.

۱۳. از سخنان دنیایی که نتیجه آن تفاخر، فخرفروشی^{۳۸۹} و

تکاثر^{۳۹۰} است پرهیزیم.

۳۸۶. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۲۹۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كَلِمَتَ مُنَاجٍ رَبِّهِ فَلَا يُؤَدِّينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ».

۳۸۷. کافی، ج ۸، ص ۱۴۲: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: ...إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا».

۳۸۸. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۹۸، ذیل ح ۹۸: «و تَرَكَ التَّكَلُّمَ فِيهِ بِالْعَجْمِيَّةِ لِرَوَايَةِ السَّكُونِي».

۱۴. با اهل مسجد که بهترین مشاوران هستند مشورت کنیم.
۱۵. عیوب خود را از مسجدی‌ها جويا شويم و اگر آنان عیب ما را گفتند از آنان تشکر کنیم.^{۳۹۱}
۱۶. کنار کسانی که قصه‌های بی‌فایده می‌گویند ننشینیم.
۱۷. با کسانی که در باطل فرو می‌روند و با شایعه‌سازان و شایعه‌پراکنان ننشینیم.
۱۸. در خدمت به مسجد با دیگران مشورت، مشارکت و همکاری کنیم و تکرو و دیکتاتور نباشیم.
۱۹. در خدمت به مسجد و اهل آن از همدیگر سبقت بگیریم.
۲۰. حواس دیگران را به خود جلب نکنیم.
۲۱. تقاضای صلوات از زن و مرد نکنیم.^{۳۹۲}

۳۸۹

۳۹۰. سوره تکوین، آیات ۱ و ۲: (أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ)

۳۹۱. کافی، ج ۲، باب من یجب مصادقته و مصاحبته، ص ۶۳۹، ح ۵: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ أَنَّهُ قَالَ: أَحَبُّ

إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي.

۲۲. در صورت لزوم با اشاره سخن بگوییم.

۲۳. جلو سر و صدا را بگیریم.

۲۴. مسجد را وعده‌گاه و قرارگاه کنیم.



۲۵. بی دلیل جابه‌جا نشویم و حواس دیگران را به خود

جلب نکنیم.^{۳۹۳}

۲۶. اگر خسته و یا کسل شدیم و بی‌نشاطی ما دیگران را

بی‌حال و بی‌نشاط می‌کند، جابه‌جا و یا خارج شویم.

۲۷. اگر کودک یا میهمانی یا همراهی داریم او را در مسجد

زیاد نگاه نداریم و در تنگنا قرارش ندهیم.

۳۹۲.

۳۹۳. امالی، ص ۵۰۹: « قَالَ النَّبِيُّ ۶: لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ ».

آداب خروج از مسجد

الف) قبل از خروج

چون مسجد خانه متقین است و لذت حضور در آن قابل مقایسه با لذت حضور در سایر امکنه نیست.^{۳۹۴} بهتر آن است که خروج از آن بیهوده نباشد، بلکه اضطراری باشد.

۱. همه با هم مسجد را ترک نکنیم و مسجد را تنها نگذاریم بلکه کم کم خارج شویم.

۲. گر چه برای ماندن در مسجد اندازه‌ای ذکر نشده، لکن به زیاد ماندن هم سفارش نشده و در عین حال تعجیل در خروج مذمت شده؛ چرا که باعث فقر می‌شود^{۳۹۵} و آخرین نفر بودن پسندیده است.

۳۹۴. در روایات حضور مؤمن در مسجد به شناور بودن ماهی در دریا تشبیه شده است.

۳۹۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، باب ۵۴، ص ۴۴۶، ح ۱۶: قَالَ النَّبِيُّ ۶ عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ إِلَى أَنْ قَالَ

۶: وَ تَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ.

۳. هنگام برخاستن، اطراف خود را نگاه کنیم تا چیزی جا نگذاشته باشیم.

۴. زیارت‌نامه نخوانیم^{۳۹۶} تا همه مجبور شوند بایستند و یا مجبور به خروج شوند.

۵. حتی الامکان دیگران را از قصد خود مطلع نگردانیم تا باعث خروج آنان از مسجد شویم.

۶. اگر زباله‌ای در مسجد دیدیم، گرچه کم و ریز باشد، با خود بیرون ببریم.^{۳۹۷}

^{۳۹۶}. این کاری است که اخیراً مرسوم شده و نظم مسجد را به هم می‌زند.

^{۳۹۷}. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۰: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَسَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَلَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يُدْرُ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ.»



۷. با سرعت به سمت درب خروجی هجوم ببریم و مثل کسانی نباشیم که از مسجد به تنگ آمده و فرار می‌کنند.

۸. به این فکر باشیم که شاید توفیق حضور دوباره را پیدا نکنیم.

۹. آهسته صلوات بفرستیم.



۱۰. مراقب دیگران باشیم و برای آنان مزاحمت فراهم نکنیم.

۱۱. از توفیق حضور خود در مسجد راضی و خوشحال

باشیم.

ب) هنگام خروج

۱. اگر دیگری هم قصد خروج دارد به او تعارف نکنیم چون

او هر لحظه که بیش تر در مسجد بماند مشمول الطاف خاص

الهی می شود و ما نباید مانع فیوضات او باشیم.

۲. دعا‌های وقت خروج از مسجد را بخوانیم.^{۳۹۸}



۳. به قصد بازگشت مجدد خارج شویم.^{۳۹۹}

۳۹۸. مانند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ؛ پروردگارا، گناهانم را ببامرز و درهای فضل و

رحمتت را به رویم بگشا!» (وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۹، ص ۲۴۵، ح ۶۴۵۵)

۴. باور کنیم که مسجد از رفتن ما دل‌تنگ می‌شود.^{۴۰۰}

۵. با پای چپ خارج شویم.^{۴۰۱}



۵. کفش‌هایمان را آهسته روی زمین بگذاریم.

۳۷۲

۴۰۰

۴۰۱. عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ ۷ قَالَ: قَالَ: الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَبِالْيُسْرَى إِذَا

خَرَجْتَ.



ج) پس از خروج

۱. تلفن همراه خود را که در مسجد در حال سکوت قرار داده بودیم، فعال کنیم.



۲. مقداری اطراف مسجد بمانیم تا نشان دهیم جدا شدن از مسجد برایمان سخت و ناگوار است.
۳. قرارها و وعده‌ها را در اطراف مسجد قرار دهیم.
۴. نگذاریم اطراف مسجد خلوت و بی‌رونق باشد.

۵. کارهایی که انجام دادن آنها در مسجد کراهِت داشته در خارج از مسجد انجام دهیم.
۶. ترافیک سنگین ایجاد نکنیم.
۷. در عین حضور در اطراف مسجد مزاحم دیگران نشویم.
۸. سعی کنیم از مغازه‌های اطراف مسجد خریدی کنیم.

فصل دهم: آداب عبادت در مسجد

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم :

اجابة المؤذن رحمة و ثوابه الجنة.

بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۵۴

لبيك گفتن به ندای مؤذن ، رحمت و پاداشش بهشت است.

مسجد نمونه

الف) امکانات و تجهیزات

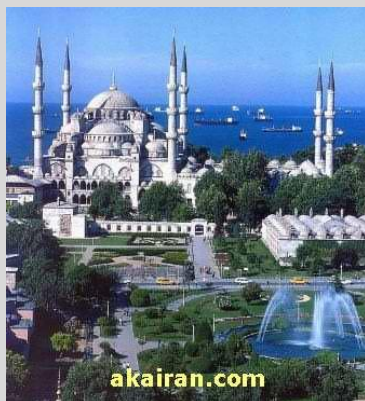
۱. نمای آن تمیز و زیباست.



۲. ورودی آن مناسب است ؛ نه تنگ است و نه پله دارد و اگر پله هم داشته باشد، تعدادشان کم است.



۳. از آب‌نما و آب، سبزه و گل مناسب و کافی برخوردار است.



۴. امکانات حضور هر چه بیشتر مردم در آن فراهم است.^{۴۰۲}

۵. امکانات و تجهیزات قسمت زنانه کمتر از قسمت مردانه و

موقعیت آن پایین‌تر نیست.

۴۰۲. مثل وسایل سرمایشی و گرمایشی و آلوده نبودن کوران هوا در آن.



۶. از حاضرین در ابتدای ورودشان و یا قبل از نماز پذیرایی می‌شود تا سرحال باشند، نه در حال خروج.



۷. به گونه‌ای است که مردم بتوانند زود بیایند و دیر بروند.

۸. پارکینگ، امن و در دسترس دارد.

۹. همیشه باز است.

۱۰. نوشته‌ها و کاشی‌کاری‌ها، زیبا و خوانا و مربوط به فضایل و آداب مسجد است، نه ناخوانا و درهم و غیرمرتبط با مسجد.



۱۱. نور طبیعی و الکتریکی ملایم است.



۱۲. همیشه معطر است و عطریات در اختیار حاضرین است.

۱۳. حتی الامکان فضای آن باز است.^{۴۰۳}

ب) برگزاری نماز

۱. سه وعده نماز جماعت در آن برقرار است.

۲. همه امور و برنامه‌ها تابع نماز است.

۳. نماز آن خلاصه و با ابهت است.

۴. بین دو نماز فاصله نمی‌اندازند.

۵. تعقیبات را آهسته می‌خوانند.

۶. قبل از نماز همه حضور دارند.

۷. کمتر کسی بین نماز فرار می‌کند.

۸. نمازگزاران بعد از نماز فرار می‌کنند.

۹. هیچ‌گاه نماز تأخیر یا تعطیلی ندارد.

۴۰۳. یا سقف ندارد یا سقف بلند دارد و یا پنجره‌هایش بزرگ، تمیز و زیباست.

ج) برنامه‌ها

۱. برگزاری مراسم فاتحه و فعالیت‌های کانون، بسیج و کتابخانه محور نیست.
۲. غیر از اذان، صدایی از مسجد پخش نمی‌شود.
۳. اذان‌ها و صلوات‌های تکراری ندارد.

د) هزینه‌ها

۱. تقاضای کمک برای مسجد نمی‌کنند.



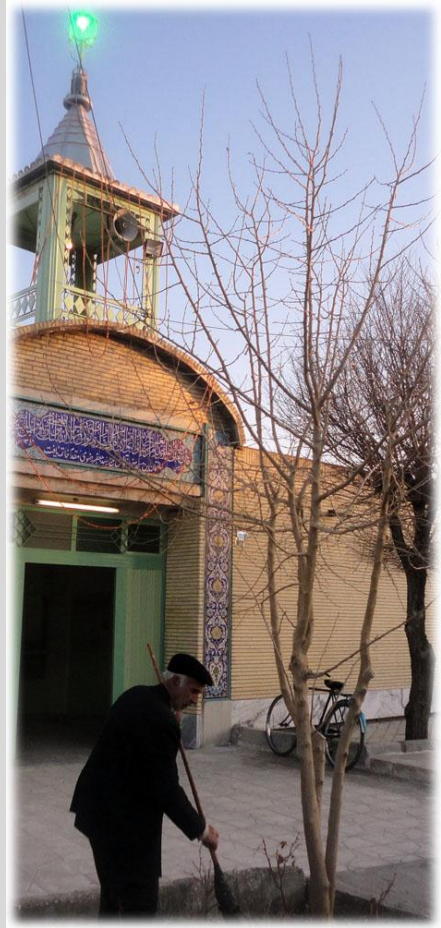
۲. مسجد، بدهکار نیست.
۳. مردم مخارج مسجد را با میل و رغبت می‌پردازند.

۱. امام مسجد، علاوه بر اقامه نماز، مدیر همه امور است.



۲. مسجد بیش از یک خادم (مدیر داخلی) ندارد، ولی همیار

دارد.



۳. امام مسجد و خادم در جایگاهی که دارند، مورد احترام قرار می‌گیرند.

۴. وحدت در مسجد حاکم است و از جناح‌گرایی، قشر‌گرایی و طایفه‌گری پرهیز می‌شود.

۵. همه مردم احساس مسئولیت می‌کنند و هیچ کس احساس غربت نمی‌کند.

۶. به زنان و جوانان نیز در مسجد، مسئولیت داده و به آنان کمک می‌شود.

۷. کودکان در مسجد تحقیر نمی‌شوند.



و(حضور مردم

۱. حداقل یک سوم از جمعیتی که در شعاع پانصد متری مسجد زندگی می‌کنند، در مسجد حضور به هم می‌رسانند.

۲. نسبت حضور زن و مرد، و پیر و جوان در آن یکسان است.

۳. همسایه‌ها حضور بهتری دارند.

۴. اهالی مسجد و محله دلبسته و وابسته مسجدند و هر وقت توفیق حضور نیابند، احساس زیان می‌کنند.

امتیازات و فضایل امامت مسجد

امامت مسجد بالاترین پست و سمت و از ریاست، مدیریت، وکالت و امثال آن بالاتر است؛ چرا که تبلیغ عملی اسلام است و تأثیر آن ده‌ها برابر تبلیغ زبانی و منبر است؛ چون هم ترویج دین است و هم ارشاد و هدایت مردم به صراط مستقیم است و امام مسجد هم حجة الاسلام است هم الگو و اسوه حسنه و هم امین و عمود و هم ناخدای کشتی مسجد.

امامت مسجد بالاترین خدمت و شیرین‌ترین وظیفه روحانیون است. به عبارت دیگر، محراب، سنگر انحصاری

علمای دین و روحانیون است؛ چرا که بیش ازدرصد فعالیت مسجد مرهون امام مسجد است و اگر مسجد، خادم و اهل مسجد مهیا باشند و امکانات هم فراهم باشد ولی مسجد امام نداشته باشد مسجد آن گونه که باید، نخواهد بود و اگر مسجد، امام داشته باشد همه نقایص را برطرف می کند.

لباس روحانیت لباس رزم ارزشمندی است و ائمه مساجد از همه روحانیون دیگر - که در پست های دیگر خدمت می کنند - مورد اعتمادتر و پذیرفته شده تر هستند به گونه ای که حتی در مسأله تقلید از مراجع عالیقدر مردم با آنان مشورت می کنند و سخن آنان را می پذیرند.

جایگاه امام مسجد

۱. امانتدار دین مردم
۲. تعادل دهنده به زندگی مردم در دنیا و آخرت
۳. مؤثرترین الگوی رفتاری
۴. سفیر بین خالق و مخلوق

۵. میاندار بین فقیر و غنی
۶. حامی حکومت اسلامی
۷. رکورددار سجود، جلو دار رکوع و فرمانده تکبیر
۸. موتور چرخش قیام و قعود
۹. هادی "اهدنا الصراط المستقیم"
۱۰. نگهبان دین
۱۱. اول عروج کننده معراج مؤمنین
۱۲. واعظ مواعظ عملی
۱۳. پشتیبان مردم
۱۴. محرم اسرار خانواده‌ها
۱۵. ارائه دهنده سبک زندگی صحیح
۱۶. مربی کودکان و مشوق جوانان
۱۷. هم‌رزم رزمندگان
۱۸. متین در فتنه‌ها و سریع در کندها
۱۹. مشاور دانا و امین

۲۰. مانع رشد ضرار

رابطه سلوکی با ائمه مساجد

۱. روحانیون چه بخواهند و چه نخواهند وابسته به دین و خادم مردم هستند.

۲. گرچه علوم دین و فراگیری آن برای همه است ولی تجربه نشان داده که علوم دینی - که همان علوم تربیتی است - نیاز به انسان‌های امتحان شده دارد.

۳. هشتاد درصد موفقیت مساجد موفق و آباد با امام مسجد است.

۴. اگر روحانی مسجد محذوری نداشته باشد موفق است.

۵. امامان مساجد همانند طیب، محرم اسرار ما هستند.

۶. امامانی که پست‌های سیاسی دارند از موفقیت کمتری برخوردارند.

۷. امامانی که سه وعده جماعت در مسجد دارند مخلص و وفادارند.

مردم مثل همیشه همچنان به مسجد و ائمه آن وابسته و به آن دلبسته‌اند در حالی که رسانه‌های ملی و نوشتاری و نمایشی نه تنها کمترین کمک و ترغیب و پشتیبانی را ندارند که با وسوسه‌ها و دسیسه‌هایی مردم را از مسجد دور می‌کنند. لذا بهتر است مردم:

۸. همچنان حضور خود را در مسجد - که صحنه اصلی انقلاب و اسلام است - حفظ کنند.

۹. حساب روحانیون مساجد را از بقیه روحانیون جدا کنند؛ چرا که آنان پشتوانه اصلی نظام و دلبسته مردمند.

۱۰. روحانیون مساجد را احترام کنند تا آنان نیز مانند برخی از روحانیون فریب پست و مقام و تسهیلات آن را نخورند.

۱۱. در همه امور با ائمه مساجد، مشورت کنیم اما توقع حل همه مشکلات را نداشته باشیم.

۱۲. مثل نماز همیشه کمی عقب‌تر از آنان حرکت کنیم و تندتر و جلوتر از آنان نباشیم.

۱۳. اگر ما محتاج دین آنها هستیم پس احتیاجات دنیای آنان را فراهم کنیم.

۱۴. آنان را امام بدانیم نه اجیر.

۱۵. اگر تندى کردند تحمل کنیم؛ چون معصوم نیستند ولی دلسوزند.

۱۶. اگر اشتباهی کردند بدانیم روحانیون چون دلبستگی مادی کمتری دارند اشتباهاتشان از ما کمتر است.

۱۷. بی‌موقع مزاحم آنان نشویم.

۱۸. آنان را خادم دین و مسجد بدانیم.

۱۹. بدانیم عالم دین - مثل مسجد - روز قیامت شکایت می‌کند.

۱. امامت مسجد غیر از امامت جماعت است.^{۴۰۴}
۲. تا روحانی ملبس حضور دارد، دیگران، اگرچه از اهل علم باشند، حق امامت را ندارند.^{۴۰۵}
۳. مسجد مربوط به همه مردم در همه زمان‌ها و برای همه امور آنان است و امام مسجد در همه امور جلودار و سردار است، نه اینکه در نماز چنین باشد و در امور دیگر میاندار یا عقب‌دار.
۴. امامت مسجد فراگیر است و مردم در همه امور نیاز به مسجد و امام آن دارند.

۴۰۴. مراجعه کنید به "آیین امامت جماعت".....

۴۰۵. مگر اینکه روحانی بعد از شروع نماز به مسجد وارد شود.



۵. اگر مشکلات جسمی مردم نیاز به صدها پزشک متخصص دارد، مشکلات روحی آنان ده‌ها برابر آن نیاز به متخصصان روحانی دارد، اگر نگوییم که مشکلات جسمی مردم هم عموماً ریشه در مشکلات روحی آنان دارد.

بنابراین امام مسجد فقط امام جماعت نیست تا رهبری گروه حاضر در نماز را آن هم دقایقی کوتاه به عهده داشته باشد، بلکه امامت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی همه

مردم، چه حاضرین در مسجد و چه غایبانی که یا به مسجد نمی‌آیند و یا فقط در مناسبت‌ها می‌آیند را به عهده دارد.



نماز در مسجد

قرآن در بحث نماز از اقامه نماز سخن می‌گوید و اقامه نماز غیر از خواندن نماز است.

۱. اقامه کردن نماز اشاره به زنده کردن و برافراشتن نماز دارد.

۲. عمده مواردی که در قرآن از نماز سخن به میان آمده است مراد نماز واجب است که در غیر مسجد اقامه نمی‌شود که اگر نگوییم ضایع می‌شود.

۳. "ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر" شامل نماز در خانه نمی‌شود؛ چون فحشا و منکر از آسیب‌های اجتماعی هستند نه از آسیب‌های فردی و اخلاقی و شخصی.

۴. اگر نماز، معراج مؤمن است مسجد، محل عروج است.

۵. اگر نماز، ستون دین است مسجد، خیمه دین است.

۶. اگر نماز، وجه دین است نماز در مسجد، آبروی دین است.

۷. از "لا تقربوا الصلوة" فهمیده می‌شود که مراد جایگاه نماز است و اگر "اول ما يحاسب به العبد الصلوة" است

شامل نماز در خانه نمی‌شود. نماز در خانه محاسبه ندارد؛ چون طبق روایت، هبأً منثور است.

۸. نماز در مسجد، معیار و ملاک سنجش است نه هر نمازی. مثل "لا صلوة لجار المسجد" یا "لا صلوة له و لمن صلی خلفه".

آداب نماز جماعت مسجد

۱. مراد از نماز در مسجد، نمازهای واجب است نمازهای مستحبی - به جز نماز تحیت مسجد - را بهتر است در غیر مسجد بخوانیم.^{۴۰۶}

۲. گرچه نماز در مسجد با جماعت آمیخته شده است، لکن وقف کردن مسجد فقط برای نماز خالی از اشکال نیست و واقف نمی‌تواند چنین شرطی بکند؛ چرا که مسجد

کارکردهای متعددی دارد. البته نماز دو ویژگی دارد که آن را متمایز می‌کند:

۱. نماز بستر همه امور است و در همه تغییرهای اجتماعی و جغرافیایی وارد شده است و حتی اولین قدم در مسجد با نماز تحیت شروع می‌شود.

۲. در ادیان دیگر نماز در غیر معبد باطل، بیهوده و احياناً حرام بوده است، اما از آنجایی که پیامبر اسلام ۶ مروج دین آسان بود،^{۴۰۷} نماز در غیر مسجد را در برخی موارد جایز دانسته است.^{۴۰۸}

۴۰۷. کافی، ج ۵، ص ۴۹۴، ح ۱: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حَدِيثِ لُثْمَانَ بْنِ مِظْعُونٍ: يَا عُمَانُ لَمْ يُرْسَلِنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۴۴: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ».

۴۰۸. مثل این موارد: الف) نماز مستحبی به جز نماز تحیت ب: نماز جماعت در این موارد: ۱. زمینی برای مسجد در نظر گرفته شده ولی موضع مسجد به طور دقیق معین نشده باشد. ۲. توقف در مسجد خطر داشته باشد (مثلاً احتمال ریزش سقف وجود داشته باشد) ۳. مسجد در حال تعمیر و بازسازی باشد و نتوان در آن نماز خواند. ۴. به خاطر جذابیت یا لطافت هوا در حیات مسجد که مسجد نیست جماعت می‌خوانند. ۵. اقامه جماعت در غیر مسجد موجب ایجاد انگیزه برای ساخت مسجد در آن مکان می‌شود. ۶. امام یا مأوم کثیر الشک است و در نماز جماعت شک نمی‌کند و نماز جماعت در مسجد برگزار نمی‌شود. ۷. نمازگزاران به قدری از مسجد فاصله دارند که صدای اذان به آنجا نمی‌رسد و اگر هم می‌رسد امکان حضور در مسجد نیست (مثلاً مسجد در آن

روایات، نماز جماعت در غیر مسجد را متصور ندانسته^{۴۰۹} و بلکه در شرایطی آن را نکوهیده برشمرده‌اند.^{۴۱۰} و نماز فرادا در مسجد را نیز یک اصل دانسته‌اند و برخی نماز فرادا در مسجد را بهتر از نماز جماعت در غیرمسجد برشمرده‌اند و چون شرعاً درب مساجد در تمام اوقات باز است و نماز جماعت همیشه میسر نیست، نماز فرادا در مسجد مورد نظر است و همه فضایل نماز در مسجد ناظر به فراداست و فضایل جماعت اضافه بر آنهاست. علاوه بر این، به تأخیر انداختن نماز برای رسیدن به مسجد، بهتر از خواندن نماز در اول وقت در غیر مسجد است.

طرف اتویان است و امکان تردد وجود ندارد) ۸. برگزاری نماز جماعت هیچ‌گونه تعرضی به مسجد ندارد و موجب وهن امام جماعت یا نماز جماعت نیست.

۴۰۹. برگزاری نماز جماعت در بیرون مسجد در مواردی جایز نیست، از جمله: ۱. نماز جماعت بیرون از مسجد از شمار حاضر شونده‌گان به مسجد بکاهد (گرچه یک نفر باشد) ۲. نماز جماعت بیرون از مسجد احساس بی‌نیازی از ساخت مسجد و بی‌توجهی به این امر را در مردم ایجاد کند. ۳. نماز جماعت بیرون از مسجد در محدوده‌ای باشد که اذان مسجد به آنجا می‌رسد.

۴۱۰. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۳، ص ۲۴۰، ح ۶۴۴۳: عَنْ رُزَيْقٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ يَقُولُ: مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا لِمَنْ صَلَّى تَبِعَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ تَمْنَعُ مِنَ الْمَسْجِدِ.

روایات نماز فرادا در خانه را آنقدر کم ارزش دانسته‌اند که
گرچه هیچ عذاب و عقابی ندارد هیچ ارزشی هم ندارد و
"هباء منشورا" است.^{۴۱۱}

توجه به این نکته نیز ضروری است که نماز در مسجد بر هر
کار دیگری اولویت دارد. لذا در تراجم بین نماز و قرائت
قرآن و امور دیگر نماز اولویت دارد؛ گرچه نماز، فرادا باشد
و کارهای دیگر، گروهی و دسته‌جمعی باشند.

بنابراین نماز در مسجد را در جماعت منحصر ندانیم و
خواندن نماز فرادا در مسجد را نکوهش نکنیم و یا کم
ارزش ندانیم؛ چرا که نماز فرادا در مسجد بهتر از نماز
جماعت در غیر مسجد است^{۴۱۲} و گرچه در مکان مذهبی -

۴۱۱. وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۳۳، ص ۲۴۰، ح ۶۴۴۳: عَنْ رُزَيْقٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ يَقُولُ: الصَّلَاةُ

فِي مَنْزِلِكَ فَرْدًا هَبَاءٌ مَنْشُورٌ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ إِلَى اللَّهِ شَيْءٌ.

۴۱۲. تازه این در صورتی است که اقامه نماز جماعت در غیر مسجد آسیبی در پی نداشته باشد که اغلب

دارد.

مثل مصلاً و حسینیه - و یا در مکان مخصوص نماز - مثل
نمازخانه - خوانده شود.

آداب امامت نماز جماعت

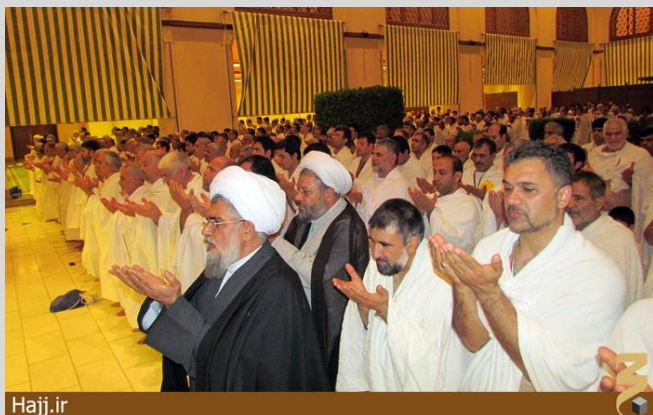
۱. از طولانی شدن نماز جماعت مذمت شده^{۴۱۳} و همواره به کوتاه خواندن آن سفارش شده است.^{۴۱۴}
۲. کمیّت در نماز جماعت، شرط است نه کیفیت؛ چون کیفیت جماعت در کمیّت آن است. بنابراین شاخص اصلی تعداد نمازگزاران است، نه اینکه مقام و رتبه مادی و معنوی آنان بالاتر باشد.^{۴۱۵}

^{۴۱۳} نهج البلاغه، نامه ۵۲، و من کتاب علی ۷ إلى أمراء البلاد في معنى الصلاة: وَ صَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أضعفهم وَ لَا تَكُونُوا فِتَانِينَ.

^{۴۱۴} بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶: مِنْ كِتَابِ النُّبُوَّةِ عَنْ عَلِيٍّ ۷ فِي أوصافِ النَّبِيِّ قَالَ: وَ كَانَ أَخَفَّ النَّاسِ صَلَاةً فِي تَمَامٍ وَ كَانَ أَقْصَرَ النَّاسِ خُطْبَةً.

^{۴۱۵} در حدیث فضیلت نماز جماعت فقط تعداد نمازگزاران مطرح شده و اشاره‌ای به زن و مرد یا کوچک و بزرگ و یا امور دیگر نشده است.

۳. امام بعد از اذان برای مردم دعا کند و مردم آمین بگویند؛ چون دعا بعد از اذان، درمضان استجاب است^{۴۱۶} و چه بهتر که دعا با امام و شرایط مناسبت داشته باشد.



Hajj.ir

۴. از تکرار اذان بپرهیزد و فقط یک اذان بگوید؛ چون تکرار اذان علاوه بر کم شدن احترام اذان و مؤذن، و خسته کردن مردم ضرورتی ندارد و اکتفا به یک اذان نهی نشده و موافق با احتیاط هم هست.

۵. بهتر است اذان، زنده (حلقومی) باشد.

۶. بهتر است اقامه را دیگران بگویند و او پس از پایان اقامه بدون دعا کردن، بلافاصله تکبیرة الاحرام بگوید و نماز را شروع کند؛ چون با "قد قامت الصلاة" باید مردم بایستند و معمولاً هم می‌ایستند و دعای بعد از اقامه مردم را خسته می‌کند و اگر مردم بخواهند نایستند توهین به نماز محسوب می‌شود.

۷. اگر بعد از تکبیرة الاحرام مکث و فاصله‌ای با بسم الله داشته باشد بهتر است.

۸. فقط حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند و بقیه نماز حتی ذکر رکوع و سجده و تشهد را آهسته بخواند؛ چون اصل در مساجد سکوت و آرامش است و صدای بلند در مسجد نیاز به دلیل شرعی دارد علاوه بر این که بلند خواندن امام گاهی همخوانی مردم را به همراه دارد و مسجد را مرکز هممه و هیاهو می‌کند ولی آهسته خواندن مذمت نشده است.

۹. با نشاط، طمانینه، آرامش، ایّهت و عظمت، نماز را به اختصار بخواند.



۱۰. مراعات حال ضعیف‌ترین نمازگزاران را - در خلاصه کردن و نه در طولانی کردن - بنماید.

۱۱. از انجام مستحبات، خصوصاً آنها که وقت مأمومین را می‌گیرد، بپرهیزد.^{۴۱۷} عموم مستحبات و تعقیبات برای نماز فراداست نه نماز جماعت مگر مستحبات عملی که نیاز به زمان ندارد.

۴۱۷. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۶، ح ۸۳۱۲: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ: إِنْ كُنْتَ تَوُمُّ قَوْمًا أَجْرَاكَ تَسْلِيمَةً

وَاحِدَةً»؛ توجه داشته باشیم که اکثر اذکار مستحبی مخصوص نماز فراداست و.....

۱۲. گاهی نماز را بیشتر خلاصه کند؛ تسبیحات اربعه را یک مرتبه و اقامه را به جای و سلام را نیز یک مرتبه بگوید.

۱۳. قبل و بعد از نماز رو به روی مردم بنشیند و بر مأمومین نظارت داشته باشد.

۱۴. در مواردی که برخی به رکعت اول نرسیده‌اند، تسبیحات رکعت سوم و چهارم را طول دهد تا آنان بتوانند حداقل حمد را بخوانند.

۱۵. سجده و تشهد رکعت آخر را طول ندهد؛^{۴۱۸} چون بعضی در رکعات غیر اول اقتدا کرده و در تجافی هستند و به دلایلی چون چاقی و اضافه وزن اذیت می‌شوند.

۱۶. بین دو نماز به قدری فاصله بیندازد که کسانی که در رکعت آخر اقتدا کرده‌اند، بتوانند به نماز دوم برسند.

^{۴۱۸}. متأسفانه بعضی از امامان مساجد مخصوصاً طول می‌دهند.

۱۷. در قنوت از ضمیر متکلم مع‌الغیر استفاده کند و برای همه دعا کند.^{۴۱۹}

۱۸. برای آنکه مأمومین بیشتر پاداش و ثواب ببرند، تا همه آنان تکبیرة الاحرام را نگفته‌اند بسم الله نگوید.^{۴۲۰}

۱۹. در هنگام گفتن تکبیرات قبل و بعد از رکوع و سجده دست‌ها را بلند کند.^{۴۲۱}

۲۰. در قرائت حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا، اعتدال در صوت داشته باشد.^{۴۲۲}

^{۴۱۹} از دعاهایی استفاده کند که بتوان آنها را مع‌الغیر خواند.....

^{۴۲۰}

۴۲۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۱۲: «قَالَ الْكَاطِمُ: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُرْفَعَ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ وَ لَيْسَ عَلَى غَيْرِهِ أَنْ يُرْفَعَ يَدَيْهِ فِي التَّكْبِيرِ».

۴۲۲. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰۰: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۷ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْإِمَامِ إِذَا قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ هَلْ يُسْمِعُ مَنْ خَلْفَهُ وَ إِنْ كَثُرُوا قَالَ: يَقْرَأُ قِرَاءَةً مُتَوَسِّطَةً لَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافَتْ بِهَا».

۲۱. در اقامه نماز در اول وقت و یا تأخیر از آن، تابع جمعیت باشد؛^{۴۲۳} چون گاهی اول وقت، جمعیت کم است و در وقت‌های بعدی، جمعیت زیاد می‌شود.

۲۲. بعد از حمد و بعد از سوره کمی سکوت کند.^{۴۲۴}

۲۳. اگر نمازش قصر و شکسته است، سلام را آهسته بگوید تا مأمومینی که نمازشان کامل است، متوجه شوند و نماز را ادامه دهند و با امام سلام ندهند و نمازشان باطل نشود.

۲۴. هر شغلی فنون و رموزی دارد امام مسجد به خود اعتماد نکند و از تجربه دیگران استفاده کند.

۴۲۳. وسائل الشَّیعه، ج ۸، ص ۳۰۸: «عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ يُصَلِّي الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ أَوْ يُؤَخَّرُ قَلِيلًا وَ يُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ إِمَامَهُمْ؟ قَالَ: يُؤَخَّرُ وَ يُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ [هُوَ] الْإِمَامَ».

۴۲۴. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۸۹: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ ۷: أَنَّ رَجُلَيْنِ مِنَ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ۶ اخْتَلَفَا فِي صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ۶ فَكَتَبَا إِلَى أَبِي بِنِ كَعْبٍ كَمْ كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ۶ مِنْ سَكَنَةٍ؟ قَالَ: كَانَتْ لَهُ سَكَنَتَانِ إِذَا فَرَّغَ مِنْ أَمِّ الْقُرْآنِ وَ إِذَا فَرَّغَ مِنَ السُّورَةِ».

۲۵. سالی حداقل یک مرتبه روایات مسجد را مطالعه و عملیاتی کند.

آداب امامت اجتماعی

۱. به همه سلام کند و در این امر از همگان سبقت بگیرد؛ چون سلام کردن تسلط روحی می آورد و نباید کسی بر امام مسجد مسلط شود.

۲. به همه توجه کند و حتی یک نفر از حاضرین در مسجد از نظر او غایب نباشد.^{۴۲۵}



۳. همیشه در دسترس باشد.^{۴۲۶}

^{۴۲۵} . به تفسیر آیه ۱۰۴ سوره بقره (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا) مراجعه کنید.

^{۴۲۶}

۴. از مسجدی‌های بیمار عیادت کند.

۵. در مراسم‌ها شرکت کند.

۶. بعضی مواقع خودش هم بانی شود.

۷. در مسجدش هیچ کس غریبه به شمار نیاید و برای هیچ

کس امتیاز ویژه قائل نباشد.^{۴۲۷}

۸. مسجدش محل تکریم اغنیا و ثروتمندان و محل تحقیر

فقرا و نیازمندان نباشد.

آداب امامت فرهنگی

۱. حداقل سه وعده - نه فقط شب‌ها یا ظهرها - در مسجد

حضور داشته باشد.

۲. حداقل سالی یک بار، احکام و احادیث مربوط به مسجد

را مطالعه و مرور کند و در درجه نخست، بینش و منش خود

را درباره مسجد و مسجدی‌ها ارتقا بخشد.

^{۴۲۷}. سوره حج، آیه ۲۵: سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ.

۳. بعضی از آن احکام و احادیث مسجد را در تابلو مسجد نصب کند و سطح آگاهی مسجدی‌ها را به مسجد بالا ببرد.^{۴۲۸}



۴. بیش از نود درصد حواس مردم با چشم و تنها درصد کمی با گوش است. بنابراین امام الگوی عملی است و مردم، اسلام را در زوایای مختلف زندگی و برخورد او ببینند.

۵. نیازی به سخنرانی ندارد و امام موفق کمتر اهل سخنرانی است (مگر روضه امام حسین ۷ که آن هم با کمترین کلمات و

۴۲۸. چرا در مساجد ما به جای نوشتن آیات و روایات و آداب مسجد کلماتی آن هم به کاشی‌ها که نه خواندنی است و نه ارتباط با مسجد دارد.

بیش‌ترین درس و عبرت است) چون هر چه را که می‌خواهد بگوید، با عمل نشان می‌دهد.

۶. به مغازه‌ها، خانه‌ها و ارگان‌های اطراف مسجد سرکشی و از ساکنان آنها احوالپرسی کند.^{۴۲۹}



۷. از وقایع و حوادث اطراف مسجد باخبر باشد.



۴۲۹. البته برای آنان سخنرانی نکند.

۸. بر رفتارها، برنامه‌ها و موضع‌گیری‌هایش اعتدال حاکم باشد و از افراط و تفریط بپرهیزد.

۹. وعده‌گاه و قرار ملاقات خود را در مسجد قرار دهد.



۱۰. دلایل نیامدن بعضی‌ها را به مسجد بدانند و در برطرف کردن موانع آن، کوشا باشد.

۱۱. به دیگران بدگمان و در پی برملا کردن عیوب نباشد و بداند که مسجد خوبی‌ها را برملا می‌کند، عیوب را می‌پوشاند و در صدد رفع آنها برمی‌آید.

۱۲. محور فعالیت‌هایش رضایت خداوند باشد، نه خواسته‌های مردم. بنابراین برای جلب رضایت مردم، اجازه انجام دادن کارهایی را که در شأن مسجد نیست، ندهد.

آداب جماعت

۱. در احکام و آداب جماعت بیش‌ترین توجه به صفوف و کیفیت آن شده است که متأسفانه کمتر بدان توجه می‌شود.

۲. صفوف جماعت، صاف و منظم باشند.^{۴۳۰}



۴۳۰. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۰: «قال رسولُ الله ﷺ: سَوُّوا صُفُوفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ تَمَامُ الصَّلَاةِ».

۳. صفوف به ترتیب کامل شوند و تا زمانی که صف جلوتر تکمیل نشده، کسی در صف بعدی نایستد.^{۴۳۱}



۴. نمازگزاران یک صف، کاملاً به یکدیگر متصل باشند و سر سوزنی بین آنها فاصله نباشد.^{۴۳۲} بنا بر این بازوها و شانها و پاهای نمازگزاران به افراد کناری چسبیده باشد نه این که نمازگزار دو پای خود را به هم بچسباند.

۴۳۱. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۱۰: «خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوْلَاهَا، وَ شَرُّهَا آخِرُهَا».

۴۳۲. وافی، ج ۸، ص ۱۱۸۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْوِذُ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ».



۵. فاصله بین صفوف حداقل به اندازه طول قامت انسان باشد که نمازگزاران برای سجده مشکل نداشته باشند.



۶. بهتر است امام مسجد، تنظیم صفوف مأمومین را شخصاً به عهده بگیرد و یا این که قبل و بعد اقامه امر به تسویه صفوف کند.



۷. کودکان نه تنها از صفوف جلو به عقب رانده نشوند، بلکه حتی در صف اول بین بزرگ‌ترها جا داده شوند.^{۴۳۳}

وظایف نمازگزاران (مأمومین)

۱. هنگام برپایی جماعت، نماز فرادا نخوانند و مشغول کار دیگری نشوند و اگر در حال خواندن نماز هستند سریع نمازشان را تمام کنند.

۴۳۳. «لَا تُؤَخَّرُوهُنَّ عَنِ الصَّفِّ الْأَوَّلِ بَلْ تُفَرِّقْ بَيْنَهُمْ»؛ (کودکان را از صف اول عقب نرانید، بلکه بین آنان

فاصله بیندازید).....

۲. کیف، کفش و وسایل همراه خود را در دو طرف خود یا جلو خود قبل از سجده‌گاه نگذارند بلکه جلوتر از مهر و محل سجده قرار دهند.

۳. همین که «قد قامت الصلاة» گفته شد، از جای خود برخیزیم.^{۴۳۴}

۴. بعد از تکبیرة الاحرام امام و قبل از آغاز سوره حمد به امام اقتدا کنند.^{۴۳۵}

۵. جلوتر از امام به رکوع و سجده نروند.

۶. همزمان با امام به رکوع و سجده نروند بلکه کمی تأخیر بیندازند.

۷. حمد و سوره امام را استماع کنند.

۸. صدای ذکر آنان به امام جماعت نرسد.

۴۳۴. مگر اینکه بدانیم امام جماعت بعد از اقامه و قبل از گفتن تکبیرة الاحرام دعا می‌خواند. در این صورت نشستن اشکال ندارد.

۴۳۵. بعضی تا امام بسم الله نگوید اقتدا نمی‌کنند و فضیلت بزرگی را از دست می‌دهند.

۹. چون قبل و بعد جماعت در صف و کنار هم بودن مشکلاتی دارد، لازم نیست قبل و بعد جماعت در صف باشند و هر کس می‌تواند در جای دلخواه خود بنشیند.^{۴۳۶}

۱۰. امام مسجد با خروج از محراب و نشستن در جای دیگر،^{۴۳۷} مردم را تشویق کند و حتی می‌تواند به آنان دستور دهد که صفوف را به هم بریزند و راحت باشند.^{۴۳۸}



۱۱. دور هم نشستن در مسجد در غیر وقت نماز اشکال ندارد، خصوصاً اگر مزاحم نمازگزاران نباشند و بهتر است وقت

۴۳۶. سوره جمعه، آیه ۱۰: (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ).....

۴۳۷. امام فقط هنگام نماز جماعت در محراب باشد، قبل و بعد آن در خارج محراب روبروی مردم باشد.

۴۳۸. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۹: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ كَانَ إِذَا انصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ انْفَتَلَ عَنْ يَمِينِهِ وَقَامَ ثُمَّ خَرَقَ الصُّوفَ خَرَقًا».

مقابله و قرائت قرآن روبه‌روی هم و حلقه‌وار بنشینند چنانچه پیامبر این‌گونه بود.^{۴۳۹}

ماه مبارک رمضان در مسجد

اگر ماه مبارک رمضان مهمانی خداست مسجد محل پذیرایی است و کسی که روزه می‌گیرد و مسجد نمی‌رود گویی به میهمانی نرفته است و کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد ولی در مسجد حضور دارد میهمان خداست.

اگر رمضان، مبارک است مسجد هم خودش مبارک است و هم اطرافش.

اگر نفس کشیدن در ماه رمضان، تسبیح است نفس کشیدن در مسجد هم عبادت است.

۴۳۹ . بحارالانوار، ج ۷۳، باب ۶۷، ص ۳۵۵، ح ۲۱: عَنْ أَبِي تَمِيمَةَ الْهَجِيمِيِّ قَالَ: وَقَدْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ۶

فَوَجَدْتُهُ قَاعِدًا فِي حَلْقَةٍ فَقُلْتُ: أَيُّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ فَلَا أَدْرِي؟ أَشَارَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ۶ فَقَالَ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ ۶ أَوْ أَشَارَ إِلَيَّ بَعْضُ الْقَوْمِ فَقَالُوا هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ۶ .

اگر ماه رمضان شیطان در غل و زنجیر است در مسجد هم همین گونه است.

اگر وساوس شیطان در ماه رمضان بی تأثیر است در مسجد هم همین گونه است.

اگر ماه رمضان ماه نزول قرآن است مسجد هم محل تلاوت و چگونگی عمل به قرآن است.

اگر ماه رمضان بهترین زمان عبادت است مسجد هم بهترین مکان عبادت است.

و اگر ماه مبارک رمضان ماه خداست مسجد هم خانه و زیارتگاه خداست.

۱. در تمام کشورهای اسلامی ماه مبارک رمضان مترادف با حضور چشمگیر مردم در مساجد است با این که آنقدر مسجد رفتن ضروری و مفید است که گویی ماه رمضان و غیر ماه رمضان با هم فرقی ندارند

۲. به دلیل روزه‌گرفتن حضور در مساجد به‌ویژه برای نماز صبح آسان می‌شود.

۳. در تمام شهرها لحظه افطار عبور و مرور در خیابان‌ها به شدت کاهش می‌یابد که دلیل بر حاکمیت روزه‌داران و حاکی از فضای معنوی ماه رمضان است.

توصیه‌ها

۱. ائمه مساجد نمازهای ماه مبارک رمضان را در مساجد به قدری طولانی نکنند که با تمام شدن آن ماه، جمعیت به شدت کاهش یابد.

۲. در لیالی قدر در مسجد قرآن به سر بگیریم، نه در جاهای دیگر. شب‌های قدر - مخصوصاً شب بیست و سوم - حضرت زهرا (س) کودکان خود را در مسجد نگاه می‌داشت

و داستان جهنیّ - که حاکی از اهمیت حضور در مسجد در شب‌های قدر است - خواندنی است.^{۴۴۰}

۳. با این‌که بیوت پیامبر و ائمه اطهار حکم مسجد دارد ولی باز می‌بینیم پیامبر عظیم الشان اسلام در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و ائمه نیز حضور بیش‌تری داشته‌اند.



^{۴۴۰} . مراجعه کنید به سفینه البحار.....

۴. در لیالی قدر از خداوند بخواهیم ما را از آبادگران
مساجد خود قرار دهد.^{۴۴۱}



۵. احیای شب عید فطر و قربان در مسجد سفارش شده
است، نه در هر مکانی.^{۴۴۲}

۶. جماعت در غیرماه مبارک رمضان با آن فرقی نمی‌کند،
پس حضور در مساجد را استمرار ببخشیم.

^{۴۴۱}

^{۴۴۲}. یکبار امام صادق ۷ در شب بیست و سوم سخت مریض بودند، با این حال دستور دادند وی را به
مسجد ببرند و آن شب را تا صبح در مسجد ماندند.

مسجد در طول تاریخ محور حق و باطل و ظالم و مظلوم بوده و خواهد بود.

پیامبر اکرم چه در مکه و چه در مدینه در صدد آزادسازی مسجدالحرام بود و روز فتح مکه از آن جهت که روز آزادسازی مسجدالحرام بود بزرگ‌ترین و بالاترین پیروزی برای اسلام به شمار آمد.

امروزه نیز در فلسطین اشغالی، مسجد، محور قرار گرفته است به گونه‌ای که اگر مسجدالاقصی را به ما بدهند و هیچ از شامات و فلسطین را به ما ندهند اسلام پیروز شده است و اگر همه شامات و فلسطین را به ما بدهند ولی مسجدالاقصی را ندهند اسلام شکست خورده است.

در آینده نیز که امام زمان (عج) ظهور می‌کند قبل از هر کار مساجد را احیا خواهد کرد و مرکز حکومت خود را مسجد قرار خواهد داد.

اعتکاف از "عَكْفَ" به معنی حضور مداوم و ملازم شدن به کسی یا چیزی است که عظمت دارد. انسان‌ها طبعاً تمایل دارند در خدمت مقدس‌تر و بهتر از خود باشند و او را احترام و تعظیم کنند و با او عکس و فیلم بگیرند و با او زندگی کنند. لذا مثل آتشکده فارس که بیش از هزار سال افروخته بود، هیچ‌گاه تنها نبود و حتی بت‌ها هم ملازم داشته و دارند.

دین اسلام که خدای متعال را خالق و منزّه از جسم و ملازمت جسمانی با او را ناممکن می‌داند، مسجد را که کالبد معنویت و خانه خداست، برای اعتکاف قرار داده است و مسجد الحرام هیچ‌گاه تنها نبوده و نباید باشد و همیشه عده‌ای طواف‌کننده دارد و بهتر است که مساجد - لا اقل مساجد

۴۴۳. در باره اعتکاف به اعتکاف، عبادتی فراگیر و گامی به سوی مسجدشناسی، نوشته مهدی مؤیدی،

مؤسسه مسجد، مراجعه کنید.

جامع ما - این گونه باشند لذاست که اعتکاف اختصاص به ایام خاصی ندارد.

غرض از اعتکاف

۱. آشنایی با مسجد و بهره‌مند شدن از برکات و فضایل متنوع آن.

۲. تعظیم معبود و نگهبانی و حفاظت از معبد و معبود و خدمت به آن دو.

قصد معتکف احترام به معبود و تقرب به اوست و تقاضایی از معبود ندارد؛ چنان‌که بعضی فقط برای برآورده شدن حاجت به اعتکاف می‌روند.

زمان اعتکاف

اعتکاف در تمام سال جایز است، به جز در عید فطر و قربان که از اعیاد بزرگ اسلامی است و همه مردم شب و روز عید

در مسجد شرکت دارند و معبد خالی نیست و روزه گرفتن در آن دو روز که شرط اعتکاف است، جایز نیست.

حداقل مدت اعتکاف

حداقل اعتکاف در ادیان گذشته چهل روز بوده،^{۴۴۴} ولی اسلام آن را به سه روز کاهش داد تا معتکف نه آن قدر زیاد بماند که ابهت مسجد در چشم او کاسته شود و نه آن قدر کم بماند که عظمت مسجد خدشه دار شود.

۱. اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در تمام ادیان وجود داشت و اسلام با تغییراتی آن را تأیید کرد.
۲. اعتکاف در ادیان گذشته مخصوص برخی افراد بود و دیگران از فیض آن محروم بودند و اسلام آن را در اختیار همه افراد گذاشت.

۴۴۴. مثل چهل روز، چهل هفته، چهل ماه و چهل سال.

۳. اسلام اعتکاف را از بیابان و کوه و دشت و غار به مسجد آورد و از حالت فردی به جمعی و از حالت دشوار به حالتی ساده تبدیل کرد.

۴. اعتکاف عبادتی همگانی است؛ مردان، زنان، جوانان، نوجوانان و حتی کودکان ممیز نیز می‌توانند از فیض اعتکاف بهره ببرند.

۵. اعتکاف باید در مسجد جامع باشد.^{۴۴۵}

۶. زنان پیامبر ۶ نیز همه‌ساله همراه آن حضرت در مسجد معتکف می‌شدند.^{۴۴۶}

۷. امروزه اعتکاف در دهه پایانی ماه مبارک رمضان در بسیاری از کشورهای اسلامی با شکوهی خاص برگزار می‌شود.

۴۴۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲۰۸۶: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ أَنَّهُ قَالَ: لَا اغْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ فِي

مَسْجِدِ الْجَامِعِ»؛ البته فقهای عظام در تعیین ملاک جامع بودن مسجد با هم اختلاف نظر دارند.

۴۴۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۴۷۸.

آثار اعتكاف

۱. شناخت مسجد بدون بدعت و خرافات.
۲. انس و الفت با مسجد
۳. تمرین حضور مستمر در مسجد
۴. تعظیم خداوند.
۵. تقرب به خدا.^{۴۴۷}
۶. بخشش گناهان.^{۴۴۸}
۷. استراحت روح و روان.
۸. تقویت اراده.
۹. تمرین جماعت.
۱۰. تمرین حضور قبل نماز و بعد نماز.
۱۱. استفاده از همه ابعاد و حالات مسجد.
۱۲. دوستی با مؤمنان.

۴۴۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲۰۸۶: «قال رسول الله ۶: اعتكافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ».

۴۴۸. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۷۵: «مَنْ اعْتَكَفَ اِيْمَانًا وَ اِحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ».

مراقبات قبل از اعتکاف

۱. به قصد خدمت به مسجد و اهل آن - و نه فقط به قصد بهره‌وری از مسجد - تصمیم به اعتکاف بگیریم.
۲. خود را از نظر روحی آماده کنیم و بدانیم به سفری سرنوشت‌ساز می‌رویم.
۳. مشغله‌های شغلی و زندگی را کنار بگذاریم.
۴. دیون و بدهی‌های خود را پردازیم و اگر نمی‌توانیم، تصمیم قطعی برای آن بگیریم.
۵. وسایل مورد نیاز در اعتکاف نظیر قرآن مجید، مفاتیح-الجنان، پتو، بالش، کاغذ، خودکار، کتاب و لوازم شخصی را آماده کنیم.^{۴۴۹}
۶. دیگران را در ثواب اعتکاف خود شریک کنیم.
۷. به نیابت دیگران معتکف شویم.

۴۴۹. از آوردن وسایل سرگرم‌کننده یا وسایلی که باعث آزار دیگران می‌شود، بپرهیزیم.

کیفیت اعتکاف

۱. اعتکاف هیچ‌گونه عمل خاصی ندارد و فقط ماندن در مسجد، شرط است.
۲. نیت اعتکاف، تکریم و تعظیم و توقیر است.
۳. روزه، شرط اعتکاف است نه جزء آن تا هم اعضا و هم احشای بدن، همه در خدمت مسجد باشند.
۴. در ایام اعتکاف نباید از مسجد خارج شویم.
۵. متعهد شویم که روز آخر اعتکاف هم در مسجد بمانیم.
۶. جنب و حائض از این فیض محرومند تا ارزش اعتکاف پایین نیاید.

مراقبات هنگام اعتکاف

۱. استفاده از معنویت مسجد و تمرین حضور در آن.
۲. فراگیری و مراعات آداب و احکام مسجد.

۳. نظافت و پاکیزه نگاه داشتن مسجد.^{۴۵۰}

۴. سکوت.

۵. تفکر مثبت و سازنده.

۶. بررسی نقاط مثبت و منفی گذشته زندگی.

۷. دائم الوضو بودن.

۸. کم خوردن و کم خوابیدن.

۹. تصمیم‌گیری برای مسائل سرنوشت‌ساز.

۱۰. مشورت با مؤمنان و به ویژه عالمان ربّانی.

۱۱. انس با مسجد و قرآن و نماز.

۱۲. عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران حتی با بلند خواندن

نماز و قرآن و دعا.^{۴۵۱}

۱۳. پرهیز از جدال و بحث‌های بی‌فایده و شوخی زیاد.

۴۵۰. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۶، ح ۳۸۴۶: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ۷: «أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى».

۴۵۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجِرٌ رَبَّهُ فَلَا يُؤْذِنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ».

۱۴. بررسی نیازمندی‌های مسجد با صبر و حوصله و تأمین آنها.

مراقبات بعد از اعتکاف

۱. حفظ انس خود با مسجد.
۲. تصمیم بر حضور سه وعده در مسجد.
۳. پایبندی به عهد و پیمان‌های اعتکاف.
۴. حفظ ارتباط خود با روحانی.
۵. پی‌گیری تصمیم‌های اتخاذ شده در اعتکاف.
۶. حفظ دوستان ایام اعتکاف.
۷. حفظ معنویت اعتکاف.

مراقبات خادمان معتکفین

۱. چون معتکفین نباید از مسجد خارج شوند از همان قبل از اسلام عده‌ای افتخار خدمت به معتکفین را داشته‌اند^{۴۵۲}

^{۴۵۲} . سوره آل عمران، آیه ۳۷: (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا) و سوره بقره، آیه

۱۲۵: (وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ).....

و تمام مایحتاج آنان را تأمین می‌کرده‌اند تا معتکفین با خیالی آسوده به عبادت پردازند و بحمدالله امروزه نیز این سنت حسنه خدمت‌رسانی به معتکفین در عمده شهرها رواج دارد.

۲. غبارروبی و آماده‌سازی مسجد.

۳. نورپردازی مناسب.

۴. تلاش در حفظ آرامش محیط.

۵. حاکم کردن جوّ تفکر و سکوت.

۶. پرهیز از اجرای برنامه‌های فراوان و طولانی برای عموم معتکفان.

۷. استفاده حداقلی از میکروفن و بلندگو.

۸. برهم‌نزدن تفکر و سکوت کسانی که نمی‌خواهند در مراسم عمومی شرکت کنند.

۹. آگاه‌سازی معتکفان از احکام اعتکاف به وسیله تابلو، بروشور و کتاب.

۱۰. نظم و انضباط در استقرار معتکفان و پذیرایی از آنان.

۱۱. برآورده سازی تمامی نیازهای ضروری معتکفان.

چند نکته

۱. کسانی که معتکف نیستند، غذای معتکفان را تهیه و

مایحتاج آنان را برآورده کنند تا معتکفان نیازی به بیرون

آمدن و معاشرت با دیگران نداشته باشند. گویی معتکفان

مدیر داخلی و غیرمعتکفان مدیر خارجی مسجدند.

۲. تعداد معتکفان به درخواست و استقبال مردم بستگی دارد

و بهتر است در تمام ایام سال مسجد خالی از معتکف

نباشد. هر چند یک نفر بیشتر نباشد. بنابراین ازدحام برای

اعتکاف در ایامی خاص و محدود و خالی گذاشتن

مسجد از معتکف در سایر ایام سال، مخالف شأن مسجد

است.

۳. شایسته است مسئولان مملکتی نیز به تأسی از رسول

خدا ۶ در ماه مبارک رمضان به اعتکاف مشرف شوند.

۴. کسانی که توفیق اعتکاف را ندارند، می‌توانند کسی را وکیل کنند تا به جای آنان معتکف شوند.

۵. همراه بودن زن و فرزند در اعتکاف برای آشنایی با مسجد و اعتکاف بی‌اشکال است.

۶. اعتکاف برای تعظیم است و نباید باعث توهین و تحقیر مسجد شود.

۷. بهترین راه برای مسجدشناسی و بهره‌مندی از مسجد، اعتکاف است.

احکام عمومی مساجد

احکام زیر در همه مساجد یکسان است:

۱. ساخت مسجد ارتباطی با وجود نمازگزار و نبود آن ندارد.

۲. بین دو مسجد فاصله‌ای تعیین نشده است.

۳. مسجد وقف گروه خاص نمی‌شود حتی نمی‌شود مسجد را وقف عبادت خاص، مثل نماز کرد.

۴. ارزشمندی تعمیر مسجد و جلوگیری از تخریب آن، ربطی به استقبال مردم یا عدم آن ندارد.
۵. مسجد، تولیت ندارد و ولایت‌بردار نیست.
۶. تجهیزات مسجد، جزء مسجد است ولی موقوفات مسجد مثل سایر موقوفات است.
۷. مساجد مشترک المنفع هستند. اگر چیزی در مسجدی بلااستفاده بود نمی‌شود آن را فروخت و باید آن را به مسجد دیگری داد.
۸. ممانعت از حضور در مسجد جایز نیست.
۹. حق تحقیر و نسبت ضرار دادن به هیچ مسجدی را نداریم.
۱۰. طهارت مسجد فوری است چه کسی در آن نماز بخواند یا نخواند.
۱۱. اگر کسی با بی‌توجهی به تطهیر مسجد، به نماز بایستد نمازش باطل است.

۱۲. زنانو تا ناف، در مسجد، عورت است و پوشاندن آن واجب است.

۱۳. اگر جماعت تمام شده است و کسی بخواهد نماز بخواند تا صف‌ها به هم نخورده اذان و اقامه از او ساقط است.

۱۴. مکث جنب و حائض در مسجد، حرام است ولی آمدن و رفتن آنها کراهت ندارد.

۱۵. بیهوده خوابیدن یا برای خواب به مسجد رفتن، مکروه است ولی حرام نیست و بیدار کردن کسی که در مسجد خوابیده است جایز نیست.

۱۶. هر کاری که مزاحم نماز جماعت باشد ممنوع است.

۱۷. هر کاری که مردم را مشمئز می‌کند حتی اگر امری عبادی باشد انجام دادن آن در مسجد جایز نیست؛ مثل خواندن صیغه طلاق، اجرای حد و ذبح قربانی.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ زُورِكِ وَ عُمَّارِ مَسَاجِدِكِ

منابع و مأخذ

١. الأمالی، شیخ صدوق، قم، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ١٤١٧هـ.ق.
٢. الأمالی، شیخ طوسی، قم، دارالثقافه، چاپ اول، ١٤١٤هـ.ق.
٣. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، الوفاء.
٤. بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، علی بن أبی بکر هیشمی، تحقیق مسعد عبد الحمید محمد السعدنی.
٥. تهذیب الأحكام، شیخ طوسی، تحقیق سید محمد مهدی موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ١٣٦٥هـ.ش.
٦. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، شیخ صدوق، تحقیق سید محمد مهدی خراسان، قم، انتشارات شریف رضی، ١٣٦٨ هـ.ش.

٧. الجعفریات، محمد بن محمد بن اشعث، تهران، مكتبه نینوا.
٨. حاشیة السندی علی النسائی، محمد بن عبد الهادی السندی، بیروت، المكتبة العلمية.
٩. دعائم الإسلام، قاضی نعمان مغربی، تحقیق آصف بن علی أصغر فیضی، القاهرة، دار المعارف، ١٣٨٣هـ.ق.
١٠. سنن أبی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفكر، چاپ اول، ١٤١٠هـ.ق.
١١. علل الشرائع، شیخ صدوق، نجف اشرف، مكتبة الحیدریة، ١٣٨٦هـ.ق.
١٢. عمدة القاری، العینی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
١٣. عوالی اللآلی، ابن ابی الجمهور احسائی، قم، سید الشهداء، ١١٠٤هـ.ق.
١٤. قرب الاسناد، حمیری قمی، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ١٤١٣هـ.ق.

١٥. الكافي، شيخ كليني، تصحيح علي أكبر غفاري، تهران، دارالكتب الإسلامية، چاپ سوم، ١٣٦٧ هـ. ش.

١٦. كشف الخفاء، العجلوني، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ سوم، ١٤٠٨ هـ. ق.

١٧. كشف الغمّه، اربلي، تبريز، انتشارات بني هاشمي، ١٣٨١ هـ. ق.

١٨. كنز العمال، متقى هندی، تحقيق ضبط وتفسير بكرى حيانى، تصحيح وفهرست شيخ صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ هـ. ق.

١٩. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقى، تصحيح وتعليق سيد جلال الدين حسيني، طهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٣٠ هـ. ش.

٢٠. مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، بيروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٨ هـ. ق.

٢١. مسند أحمد، أحمد بن حنبل، بيروت، دار صادر.

٢٢. المصباح، كفعمى، بيروت، مؤسسة الأعلمى، چاپ سوم،

١٤٠٣هـ.ق.

٢٣. المصنف، ابن أبى شيبه الكوفى، تحقيق سعيد اللحام،

بيروت، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٩هـ.ق.

٢٤. المعجم الأوسط، الطبرانى، دارالحرمين، ١٤١٥هـ.ق.

٢٥. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، قم، جامعه مدرسين،

١٤١٣هـ.ق.

٢٦. وسائل الشيعه، شيخ حرّ عاملى، قم، آل البيت عليهم

السلام .